



فرهنگ موسیقی ایرانی

به کوشش

ارفع اطرائی

۱

مُد گردی

مل پرده کوچک = (2L) و محسوسه بزرگ (L+C)

به تغییر مقام و یا تغییر مایه نیز گفته میشود که معادل آن در موسیقی غرب درجه هفتم هر کام در گام د کُرمید که در س

نیز مهارت داشت و پیش درآمدها و تصانیف بسیاری ساخته که معمول نوارده بنام مسور در سطلین خوانده میشود که در س



انتشارات کانون چنگ

کتابچه
مثنوی
مربوط

فرهنگ موسیقی ایرانی

۸۱۰۲۶

۵۸۳۲۶

اسکن شد

فرهنگ موسیقی ایرانی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

شامل

لغات، اصطلاحات، موسیقیدانان، آهنگ موسیقی و غیره

به کوشش

ارفع اطرائی



فرهنگ موسیقی ایرانی

ارفع اطرائی

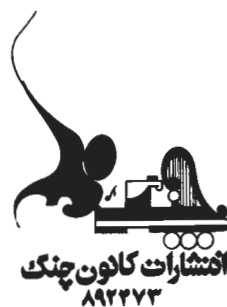
چاپ اول ۱۳۶۰

انتشارات چنگ، خیابان ولی عصر، مقابل رادیوسیتی، خیابان دمشق شماره ۲۵

تیراژ ۲۰۰۰ نسخه

شرکت چاپ پنگوئن

هرگونه نقل مطالب از روی این
کتاب در کتابها و نشریات دیگر
بدون اجازه کتبی ناشر یا مؤلف
ممنوع می باشد .



تقدیم به ملت قهرمان ایران بویژه هنرمندان
متعهد و راستین که در جهت محو فرهنگ و هنر
استعماری و ارتقای فرهنگ و هنر مردمی تلاش
میکنند بمناسبت سومین سالگرد انقلاب ایران.

در فرهنگ مکتوب موسیقی ما کمبودهای فراوان بویژه در زمینه
کتابهای مرجع و آموزشی وجود دارد، تا آنجا که هنرجویان و علاقمندان
به موسیقی با مشکلات زیادی مواجه هستند. بر بستر چنین نیازی گانون
موسیقی چنگ وظیفه فرهنگی خویش دانست که اقدام به چاپ و نشر کتاب
نموده و بسهم خویش دین خود را به میهن انقلابی ادا نماید باشد که به
نوبه خود زمینه مساعدی را جهت کسب فیض از اندوخته های استادان
و صاحب نظران موسیقی برای هنرجویان و مشتاقان موسیقی فراهم آورد.
اما در مورد این کتاب صرف نظر از نارسائیهها و مشکلاتی که بعضاً خود
نویسنده در پیشگفتار بآنها اشاره کرده است باید متذکر شد که کار تهیه و
تنظیم فرهنگ کاریست بسیار مشکل و در عین حال پر مسئولیت و به قول
مرحوم دهخدا "طولانی که باید دسته جمعی به انجام رسد" بنا بر این
با توجه به وسعتی که این کار دارد میتوان به اهمیت گوششهای خانم
اطرائی که با صرف وقت چند ساله اولین قدم را در این زمینه برداشتند
پی برد، ما بسهم خویش زحمات ایشان را ارج می نهیم و آرزوی توفیق هرچه
بیشتر در جهت ارتقای فرهنگ مردم برای ایشان می نمائیم.

گانون موسیقی چنگ

بهمن ماه ۱۳۶۰

پیشگفتار

چون تا کنون برای تهیه و انتشار لغت نامه ای جداگانه، که شامل و معرف تمامی واژه های بکار برده شده موسیقی، و دربرگیرنده نام الحان قدیم، اسامی گوشه های ردیف کنونی، نام آلات موسیقی، معرفی نوازندگان و خوانندگان دوران گذشته، سازندگان آلات موسیقی و اصطلاحات متداول در موسیقی ایرانی باشد، اقدامی نشده است.

ضرورت تهیه و تنظیم چنین مجموعه ای را، جهت شناخت کلی واژه های موسیقی ایران، برای هنرجویان رشته موسیقی و دیگر علاقمندان این هنر به روشنی دریافتم، و به این منظور به گردآوری مطالب لازم اقدام کرده و پس از سالها گوشش و پژوهش در مآخذ و منابع گوناگون به تدوین این مجموعه پرداختم که امیدوارم منشاء خدمت بوده و آموزنده و سودمند باشد.

بدیهی است که این گام نخستین است و بدون نقص نیست و خود با تواضع و فروتنی بسیار نارسائیهای موجود را گردن مینهم، و امید آن دارم که در فرصتی دیگر، با دسترسی به سرگذشت هنرمندان ارزنده دوران کنونی ضمن معرفی آنان و چکیده خدماتشان این مجموعه را کامل و پربارتر سازم.

هرگاه در ترکیب بندی جمله ها، نارسائیهای دیده شود، خوانندگان کتاب معذوم خواهند داشت، زیرا در این کتاب روش ایجاز و خلاصه نویسی چنانکه مرسوم واژه نامه هاست بکار گرفته شده است، و نیز در بیان سرگذشتها، همین شیوه را پیش گرفتم، چون از این سرگذشتها باوجود کمبود منابع، به تفصیل و گاهی بصورت تکراری در کتابها و انتشارات گوناگون یاد شده گه آن منابع در فهرست مآخذ معرفی گردیده است.

توضیح این نکته را ضروری میدانم، چون فهرست اصطلاحاتی از موسیقی غرب، که برای تعیین حالات و حرکات موسیقی است و در موسیقی امروز ایران هم راه یافته و متداول است، در کتابهای دیگر کامل و مشروح (به ترتیب حروف لاتین) نوشته شده، نقل آنها در این مجموعه ضروری ندانستم و از بازنویسی آنها چشم پوشی میکنم.

قبلاً "از کلیه علاقمندانی که نارسائیهها و معایب این مجموعه را یادآوری نموده و در رفع آنها کمک نمایند سپاسگزاری مینمایم.

در پایان از آقای حسین دهلوی، استاد مشوق و راهنمایم صمیمانه تشکر میکنم که به ثمر رسیدن این مجموعه را سبب گردیدند، همچنین با آرزوی موفقیت بیشتر، برای گانوی موسیقی چنگ که زحمات نشر این کتاب را عهده دار بودند.

ارفع اطرائی

تهران - تیر ماه ۱۳۶۰

فہرست

حرف	از صفحہ	حرف	از صفحہ
آ	۱	ض	۷۷
الف	۵	ط	۷۹
ب	۱۲	ظ	۸۱
پ	۲۰	ع	۸۲
ت	۲۵	غ	۸۶
ج	۲۹	ف	۸۸
چ	۳۰	ق	۹۲
ح	۳۳	ک	۹۶
خ	۳۷	گ	۱۰۱
د	۴۱	ل	۱۰۶
ذ	۴۹	م	۱۰۷
ر	۵۰	ن	۱۱۹
ز	۵۸	و	۱۲۸
س	۶۱	ھ	۱۳۰
ش	۷۰	ی	۱۳۳
ص	۷۵	ذکر ماخذ	۱۳۵

آ

آرایش خورشید

نام لحنی است از سی لحن بارید که در برهان قاطع لحن یکم آمده است. در لغت بمعنی خطی که بر عارض خوبان برآید. مثال از نظامی :

چو زد ز آرایش خورشید راهی در آرایش بدی خورشید ماهی

آرشه گذاری

اصطلاحی است در سازهای زهی، برای تعیین جهت استفاده از آرشه بمنظور اجرای حالت صحیح قطعه موسیقی و تسهیل در نوازندگی و نیز بمنظور توأم بودن حرکات آرشه در هم نوازی گروه سازهای زهی که با علائم زیر بکار میرود.

علامت $\wedge$ برای آرشه راست است. در این مورد آرشه از چپ بطرف راست حرکت میکند.

علامت $\vee$ برای آرشه چپ است. در این مورد آرشه از راست بطرف چپ حرکت میکند.

در سازهای مضرابی ایرانی هم متداول است و آنرا مضراب گذاری گویند به مضراب گذاری نگاه کنید.

آزاد وار

نام یکی از الحان موسیقی قدیم ایران مثال : از منوچهری.

دستانهای چنگش سبزه بهار باشد
نوروز کیقبادی و آزاد وار باشد

آشور آوند

گوشه ایست در دستگاههای ماهور، نوا و راست پنجگاه، آشور نیز آمده در لغت آوند دارای معانی متعدد است از جمله، ظرف آب اعم از کوزه، کاسه و جام و مانند اینهاست همچنین بمعنی ظرف شراب و نیز ریسمان یا وسیله ای که به آن چیزی را بیاویزند و در مورد آشور آوند معنی اخیر از همه شایسته تر است یعنی نوا و آهنگی که به آشور آویختگی دارد.

آذربایجانی

گوشه ایست در دستگاه ماهور و نیز در نظری بموسیقی جزء دوم آوازشناسی ص ۶۱ علینقی وزیری در شور ذکر گردیده است .

آقا جان

میرزا غلامحسین معروف به آقا جان شاگرد سماع حضور که علاوه بر نواختن ضرب خواننده خوبی نیز بوده است . بطوریکه معیر می نویسد : وی سازی اختراع کرد مانند کمانچه با سیمها و پیچهای زیاد و دسته ای بلند بهمین جهت آنرا ایستاده میزد و مجلس آرا نام نهاده بود . آنرا در حضور شاه می نواخت و انصافاً " خوش می نواخت " .

آقا جان کلیمی

فرزند داود شیرازی استاد تار است که نوازنده ماهری در ضرب بوده است .

آقا حسین

تعزیه خوان شاهی ، دوره ناصری که همراه نبی نایب اسدالله صفحاتی از خوانندگی وی در دست می باشد .

آقا حسینقلی

نوازنده توانای دربار ناصرالدینشاه که در نواختن تار بسیار زبردست و چابک بوده است مضرابهایش قوی و خوش طنین و چپ و راستهایش شمرده و مرتب ادامیشد به ردیف موسیقی ایران کاملاً مسلط بوده ، نخست نزد برادرش میرزا عبدالله و سپس نزد عموی خود آقا غلامحسین پرورش یافت ، آقا حسینقلی برای پر کردن صفحه سفری به پاریس رفت و صفحاتی از استاد که به تنهایی تار زده برجای مانده است مانند صفحات : سه گاه ، ماهور ، شور ، همایون ، رهاب و مسیحی ، آقا حسینقلی شاگردان بسیار پرورده است که از آن جمله اند : درویش خان ، علینقی وزیری ، غلامرضا شیرازی ، ارفع الملک و مرتضی نبی داود ، درگذشت استاد بسال ۱۲۹۴ شمسی حدود شصت سالگی بوده است .

آقا باشی

ابراهیم ، خواننده و نوازنده ماهرنی ، در خوانندگی از شاگردان درویش حسن قدیمی ترین خواننده ای که از او نام برده شده ، بوده است .

آقا علی اکبر فراهانی

معروف به جناب میرزا ، یکی از معروفترین نوازندگان تار در دربار ناصری ، فرزند شاه ولی

که برادرزاده اش آقا غلامحسین بهترین شاگرد وی بوده است . تار دست استاد به نام قلندر بوده که در دسترس نیست .

آقا غلامحسین

استاد تار و نوازنده^۶ دربار ناصری ، فرزند محمد رضا ، و شاگرد عموی خود آقا علی اکبر فراهانی بوده است . آقا غلامحسین شاگردان خوبی پرورده که علاوه بر میرزا عبدالله و آقا حسینقلی میتوان از نعمت الله خان اتابکی ، یوسف خان صفائی معروف به ظهیرالدوله ای و محمد خان مستوفی نام برد .

آقا گلی

صنعتگر اصفهانی که تار های ساخت او معروف بوده است .

آقا مطلب

نوازنده^۷ کمانچه که پدر محمد صادق خان استاد سنتور بوده است .

آکسان

شدت ناگهانی (کوتاه مدت) بر روی یک نت موسیقی است .

آکورد

چند صدا که با فواصل معین رویهم قرار گیرد و همزمان به صدا درآید و اتحاد آنها در موسیقی کلاسیک تشکیل هارمونی دهد .

آلتو

یا کنترآلتو وسعت صدای بم در زنان را گویند در سازهای زهی و بادی نوعی از ساز را گویند که صدای بین ساز زیرتر و بم تر را داراست .

آواز

صوت ، نغمه ، بانگ ، آهنگ با کلام مثال از نظامی :
در آن پرده که شیرین ساختی ساز هم آهنگیش کردی شه به آواز

آواز

جزئی مستقل از دستگاه های موسیقی ایرانی را گویند که دارای گوشه های مختلفی باشد . طبق تقسیم بندی قدما بشرح زیر است : (اصفهان ، بیات ترک ، افشاری ، دشتی ، ابوعطا)

دوازده مقام کنونی موسیقی ایران دارای هفت دستگاه اصلی و پنج آواز منشعب از آنست .

آهنگ

بمعنی لحن ، آواز ، نوا ، راه ، پرده که در اصطلاح کنونی ، موسیقی با کلام و بدون کلام است . مثال از حافظ :

عالم از ناله عشاق مبادا خالی که خوش آهنگ و فرح بخش نوائی دارد

آئین جمشید

نام لحنی است از موسیقی قدیم در برهان قاطع نام لحن دوم از سی لحن یاربرد ذکر شده است .

الف

ابراهیم آقا باشی

خواننده و نوازنده زبردست نی که میتوان گفت بر نایب اسداله حق معلمی داشته است .

اَبَر مُورِد

نام یک آهنگ ضربی بی سخن از جمله راوشن ها ، چهره عربی واژه ، افرمورد است در لغت بمعنی کنار بوتهء مورد (ص ۱۲۵ هنر روزگار اسلامی)

ابریشم

کنایه از تارهایی که بر سازها می بستند زیرا تار سازها را از رشته های ابریشم می ساختند .
مثال از نظامی :

بگوش چنگ در ابریشم ساز فکنده حلقه های محرم ، آواز

ابن سینا

(۴۲۸ - ۳۶۳ هـ) ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا دانشمند و موسیقی شناس معروف اولین دانشمندی که بزبان فارسی در مورد موسیقی کتاب نوشته است . آثار معروف وی در موسیقی دو رساله ایست که در کتابهای شفا و دانشنامهء علائی بفارسی نوشته است .

ابوالچپ

گوشه ایست در دستگاههای همایون و راست پنجگاه .

ابراهیم موصلی

(۱۲۵ - ۱۸۸ هـ) فرزند ماهان سراینده و نوازندهء بنام عود در دربار هارون الرشید وی از پیشروان کانون موسیقی عراق بوده است .

ابوالفرج اصفهانی

(۳۵۶ - ۲۸۴ هـ ق) موسیقی‌شناس، متولد بغداد مؤلف کتاب اغانی بزبان عربی دربیست و یک جلد که کوپند پنجاه سال نوشتن آن بطول انجامید، این کتاب در تاریخ شعر و موسیقی است.

ابوعطا

آوازی است از درجهٔ دوم دستگاه شور که انرا سارنگ و سارنج نیز گفته‌اند. این آواز را دستان عرب نیز گویند.

ابول

نام گوشه ایست در دستگاه ماهور.

اتود

تمرین، عادت و آشنا کردن کسی بکاری.

احمد کاشی

از خوانندگان بنام که تمبک را نیز بخوبی می‌نواخت.

آراضین

نام یک اهنگ ضربی بی سخن از جمله راوشن‌ها (ص ۱۲۵ هنر روزگار اسلامی)

اَرَجَنه

نام لحنی بوده است در موسیقی قدیم ارژنه نیز آمده و نیز نام دشتی است در فارس که گویند حضرت علی علیه السلام سلمان را در آن دشت از چنگ شیر نجات داد. مثال از منوچهری:

که نوای هفت گنج و که نوای گنجگاو که نوای دیف رخس و که نوای ارجنه

اَرجوزه

به رجز نگاه کنید مثال از مثنوی مخبر السلطنه هدایت در مجمع الادوار:

پس حدی و پهلوی، ارجوزه دان بعد منصوری و منضات آن

اَرغن

نوعی ساز که گویند افلاطون اختراع کرده و بیشتر نصرانیان و رومیان نوازند، در اسکندرنامه نظامی در "اغانی ساختن افلاطون" شرح کامل ساختن و نواختن این ساز آمده است. ارغه.

ارغنون

به ارغن نگاه کنید . مثال از حافظ :
مغنی بزن چنگ بر ارغنون بیر از دلم فکر دنیای دون

ارفع الملك

نوازنده تار که شاگرد آقا حسینقلی بوده است .

اتفاق

مطبوع ، بعدالاتفاق فاصلهء مطبوع از اصطلاحات موسیقی قدیم .

اتابکی

نعمت الله ، نوازندهء تار دردورهء ناصری که شاگرد آقا غلامحسین بوده است .

استاد حاجی آقا

صنعتگر ماهری که تارهای خوش صدائی میساخته است .

استاد فرج الله

صنعتگری ممتاز که در ساختن تار ، سه تار ، و کمانچه مهارت داشته است .

اسحق موصلی

(۲۳۵ - ۱۵۰ هـ) نوازنده ، خواننده و آهنگساز دربار هارون الرشید که علاوه بر موسیقی از دانشمندان بزرگ عصر خود بوده است . رزیاب سراینده و نوازنده بهترین شاگرد او بود .

اسد الله کرمانی

نوازندهء نی که همزمان میرزا عبدالله استاد تار بوده است .

اسمعیل خان

نوازندهء ماهر کمانچه در دربار ناصری بوده است .

اشکنه

به کسر الف و کاف نام لحنی بوده است در موسیقی قدیم و گویند نام محلی بوده است .

در لغت بمعنی خوراک آبدار و نیز بمعنی چین و شکن زلف و پیچ و خم اندام مثال از منوچهری:
مطربان ساعت به ساعت بر نوای زیر و بم گاه سروستان زنند امروز، گاهی اشکنه

اصفهان

آوازیست از درجه چهارم دستگاه هایون و لحنی است قدیمی از جمله بیست و چهار شعبه موسیقی مورد بحث کتب قدیمی به نیریز نگاه کنید. در بعضی کتب قدیمه نامهای اصفهان و اصفهانک در دوایر آوازا جابجا آمده است. اصباها و اسپاهان نیز آمده است.

اصفهانی

سید عبدالرحیم، خواننده ماهر که به ردیف موسیقی ایران تسلط کامل داشته و شاگردان بسیاری پرورانده است از جمله، حسین طاهرزاده.

اصفهان

سلیمان، نوازنده ماهر نی، از اولین کسانی که بعنوان نوازنده نی در عصر حاضر از او نام برده شده است.

اصفهانک

صفاهانک نیز آمده، از جمله دوازده مقام موسیقی قدیم که آن، بزرگ، بوسلیک، حجاز، حسینی، راست، رهاوی، زنگوله، صفاهانک، عراق، عشاق، نوا و کوچک بوده است، در بعضی کتب بجای کوچک و حجاز، مایه و زیرافکند ذکر شده است، در موسیقی امروز اصفهانک گوشه کوچکی است که در دستگاههای ماهور، راست پنجگاه و نوا نواخته میشود.

اصوات

آوازا، بانگ ها، جمع صوت، به صوت نگاه کنید.

اصول فاخته

از جمله هفده بحر اصول موسیقی قدیم که آنرا فاخته ضرب هم خوانند و نام لحنی در موسیقی قدیم نیز ذکر شده است.

افسر بهار

نام لحنی بوده است در موسیقی باستان که سبزه بهار نیز آمده و در نسخ مختلف دیوان منوچهری این دو لفظ جابجا ذکر شده است. مثال از منوچهری:

چون افسر بهار بود نای عندلیب

چون بند شهریار بود صوت طیطوی^۱

افسر سگری

نام لحنی در موسیقی باستان بوده و نیز نام سازی بوده است در لغت سگری یا سگری به معنی سیستان است و سیستان تحریفی از سکستان یا سگزستان است که بنام سکه ها یکی از اقوام آریائی نامیده شده و همان است که زابلستان و ملک نیمروز نیز می نامیم . معرب سگزستان سبجستان و منسوب به آن سبجی است مثال از منوچهری :

بگیر باده و نوش کن به صواب به بانگ شیشم با بانگ افسر سگری

افشاری

نام آوازیست از درجه چهارم دستگاه شور، منسوب به افشار یکی از طوایف ترک ایران، افشار نیز گفته میشود .

اقبال آذر

(۱۲۸۲ هـ - ۱۳۵۰ شمسی) ابوالحسن ملقب به اقبال سلطان که دستگاهها و گوشه های موسیقی ایران را از ملا عبدالکریم جناب و میرزا حسن که از استادان بزرگ خواننده درقزوین بود فرا گرفت، در جوانی خواننده تعزیه در دستگاه محمد علی میرزا (ولیعهد) و فرزندش محمد حسن میرزا قاجار بود. پس از آشنائی با درویش خان و سایر هنرمندان مشهور آن زمان (باقرخان رامشگر، سید حسین طاهرزاده و میرزا عبدالله دوا می) خواننده مجلسی شد و همراه آنها برای ضبط صفحه به تفلیس رفت. صفحاتی که توسط این هیئت در تفلیس پر شد برای چاپ به برلین فرستاده شد ولی بعلت جنگ بین المللی اول (۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ میلادی) فقط تعدادی از آنها به تهران رسید و بقیه از بین رفت. سبک اقبال آذر در آواز خوانی بهره بسیار از تعزیه داشت بلند و با تحریر میخواند و صدای او در آواز قدرتی خاص داشت.

آغانی

جمع اغنیه، سرودها، آوازا، در فرهنگ معین سازهای غیربادی را گفته اند به ابوالفرح اصفهانی نگاه کنید.

اکبر فلوتی

نوازنده ماهر فلوت که از وی صفحاتی باقی مانده است. وی از شاگردان فلوت شعبه موزیک

۱ - طیطو یا طیطوی بر وزن کیسو و گیسوی نام پرنده ایست آبی، اصل آن سنسکریت است. این لغت بوسیله ترجمه کلیله و دمنه بفارسی راه یافته، تیتوی هم نوشته میشود.

دارالفنون بود و بعلت علاقه به موسیقی ایرانی با توجه به خانواده هنرمندش (پدر وی عبدالله خان که تار میزد و برادرش حسین خان هنگ آفرین که ستهار می نواخت و از شاگردان میرزا عبدالله بود) موسیقی ایرانی را با فلوت کارکرد و در اجرای آن کاملاً " از عهده برآمد .

اکتاو

هنگام ، در موسیقی فاصله بین دوت اول و هشتم که نسبت ارتعاشی $\frac{2}{1}$ و $\frac{1}{4}$ را داشته باشند اکتاو گویند . در لاتین اکتا بمعنی هشت و اکتاو بمعنی هشتم است .

امیر جاهد

آهنگساز مشهور معاصر که سرود های میهنی و ترانه های ملی بسیاری دارد ، آهنگ و شعر هریک از خود اوست ، دیوان امیر جاهد منتشر و در دسترس می باشد .

امیر قاسمی

سلیمان (متولد ۱۲۶۳ شمسی) از خوانندگان بنام همزمان نایب اسدالله و طاهرزاده که با تار تنهای درویش خان صفحاتی ضبط نموده است .

امیری

به شهابی نگاه کنید .

امیرزاده

بانوی هنرمندی که آوازی رسا و صوتی دلکش داشته و استادشهنازی او را به رسائی و دل انگیزی صوت ستوده است .

انتقال

تغییر دادن و نوشتن نتهای یک قطعه موسیقی در فاصله دیگر .

انتقال عملی

نوشتن نتهای یک قطعه موسیقی در فاصله دیگر . این عمل بوسیله علامات تغییر دهنده و یا با تغییر کلید انجام میگردد .

انتقال نظری

تغییر دادن نتهای یک قطعه موسیقی بداهتا " با نظر و فکر به فاصله دیگر .

انگبین

نام لحنی بوده است در موسیقی قدیم . در لغت بمعنی شهد و شیر ، انگبین نیز گفته میشود .

انگشت گذاری

برای سهولت در اجرای قطعات موسیقی علائمی بکار میرود که معرف اجرای نت با انگشت تعیین شده است . در سازهای آرشه ای و بادی انگشت سبابه را انگشت اول گویند و عدد ۱ معرف آن است ، انگشت وسطی ، (دوم) با عدد ۲ ، انگشت بنصر (سوم) با عدد ۳ و انگشت خنصر (چهارم) با عدد ۴ . و برای سازهایی چون ارگ و پیانو عدد ۱ معرف انگشت شست عدد ۲ انگشت سبابه عدد ۳ انگشت وسطی عدد ۴ انگشت بنصر و عدد ۵ انگشت خنصر است .

اوج

گوشه ایست در آوازهای دشتی ، اصفهان و بیات کرد و بعضی آنرا عشاق گویند در لغت بمعنی ضد حسیض ، بلندی ، بالا ، فراز ، و از جمله بیست و چهار شعبه موسیقی مورد بحث کتب قدیم است . به نیریز نگاه کنید . گویند لغت ریشه هندی دارد .

اوج و حسیض

در لغت بمعنی نشیب و فراز و بلندی و پستی ، گوشه ایست در دستگاه شور شبیه عزال (آوازشناسی علینقی وزیری فصلی از موسیقی نظری)

اورامَن

یکی از الحان موسیقی قدیم و نوعی از خوانندگی و گویندگی بوده که خاصه فارسیان ذکر شده و شعر آن به زبان پهلوی بوده است . اورامان و اورامه و اورامین نیز گفته شده است .
لحن اورامین و بیت پهلوی زخمه رود و سماع خسروی

اورنگی

یکی از الحان موسیقی قدیم و نام لحنی از سی لحن بارید که در برهان قاطع لحن سی ام ذکر شده است . مثال از نظامی :
چو ناقوسی و اورنگی زدی ساز شدی اورنگ چون ناقوس از آواز

ب

با خَرَد

نام گوشه ای از چهل و هشت گوشه موسیقی باستان بوده و نام قصه ای در خراسان است .

بادآور

نگاه کنید به گنج باد آورد .

بادِ نوروذ

بمعنی باد بهار است و نام لحنی باشد از موسیقی باستان .

باده^۱

پرده ایست از موسیقی باستان مثال از منوچهری :

پرده^۲ راست زند نارو^۲ بر شاخ چنار پرده^۱ باده زند قمری بر نار ونا

باربد

پهلبد ، برید ، پهلپیت ، پهلبد نیز آمده بمعنی بزرگِ بار (اجازه حضور) موسیقیدان معروف دربار خسرو پرویز گویند اصل او از جهرم از توابع فارس بوده و در فن بریط نوازی و در دانش موسیقی نظیر نداشته و گویند سرود مسجع از اختراعات اوست و آن سرود را خسروانی نام نهادند نثری بوده است مسجع ، مشتمل بر دعا و ثنای خسرو ، که گویند مطلقاً " نظم در آن بکار نرفته بود . سی لحن و سیصد و شصت دستان از ساخته های اوست . به پهلبدی نگاه کنید . مثال از فردوسی :

۱ - باده = در بعضی نسخ منوچهری ماده نیز ذکر شده

۲ - نارو = نام پرنده ایست .

بشد باربد شاه رامشگران	یکی نامداری شد از کهتران
مثال از حافظ :	
مغنی کجائی به گلبنگ رود	بیاد آوران خسروانی سرود
مثال از نظامی :	
ز صد دستان که اورا بود در ساز	گزیده کرد سی لحن خوش اواز

باروزنه

نام لحنی بوده است در موسیقی باستان در مجمع الادوار، باروزنه آمده است که شاید آهنگ کشتی بانان بوده است. به مثال سروستاه نگاه کنید.

بارینون

وسعت صدای متوسط در مردان می باشد.

باس

وسعت صدای بم در مردان.

باغ سیاوشان

نام لحنی در موسیقی باستان بوده است. مثال از منوچهری :
قمریان راه گل و نوش لبیناراندند صلصلان باغ سیاوشان با سرو ستاه

باغ شهریار

نام یکی از الحان موسیقی مربوط به زمان ساسانی. مثال از منوچهری :
بر بید، عندلیب زند باغ شهریار بر سرو، زندواف زند تخت اردشیر

باغ شیرین

نام لحنی از سی لحن باربد، و یکی از نواهای موسیقی پیش از اسلام در برهان قاطع لحن چهارم آمده است. گویند باربد این لحن را به خواست شیرین ساخت تا باغی راکه خسرو پرویز به شیرین وعده کرده و فراموش کرده بود با خواندن آهنگی بیاد خسرو آورد.
مثال از نظامی :

۱ - صلصلان = فاخته ها.

۲ - زندواف = بمعنی زندخوان است که در شعر منوچهری و بسیار موارد دیگر نوعی مرغ خوش الحان را به آن تشبیه کرده اند.

چو کردی باغ شیرین را شکر بار درخت تلخ را شیرین شدی بار

باقر خان رامشگر

متولد ۱۲۵۳ شمسی کمانچه‌کشی ماهر که شاگرد موسی کاشی بوده و ردیف موسیقی ایران را بطور کامل آموخته بود، اولین نوازنده کمانچه که برای ضبط صفحه با تفاق آقا حسینقلی با پاریس و همراه درویش خان به لندن و تفلیس سفر کرد کمانچه شش سیم او به تقلید از استادش بوده است.

بالا خان

پدر مرتضی نی‌داود، که نوازنده ماهر تمبک بوده است.

بالشتک

وسیله ایست پارچه‌ای که درون آن با اسفنج یا پارچه پر شده و در موقع نواختن ویلن بین ویلن و شانه بمنظور استواری بیشتر ساز قرار میگیرد.

بالِ کبوتر

فرد کوچک‌کی که از سه نت تشکیل شده و در پایان گوشه‌ها یا مقام اصلی می‌آید، معمولاً بین فواصل تنبیک و چهارم یا پنجم مقام است.

بامشاد

موسیقیدان دوره ساسانی که او نیز مانند باربد بنام بوده است. مثال از منوچهری: بلبل باغی به باغ، دوش نوائی بزد خوبتر از باربد، نغزتر از بامشاد

بانگِ عَنقا

نام پرده و لحنی در موسیقی دوره باستان بوده است.

باوی

نام گوشه ایست در دستگاه همایون.

باهار

نوعی از خوانندگی و گویندگی در موسیقی قدیم که آنرا پهلوی و رامندی هم گویند.

بَحر

نام گوشه ایست در قطار از ملحقات شور (از ردیف منتظم الحکما) در لغت بمعنی دریا.

بحر نور

نام گوشه ایست در دستگاههای راست پنجگاه و همایون بمعنی لغوی دریای نور.

بختیاری

نام گوشه ایست در دستگاه همایون.

بَدَر

نام گوشه ایست در دستگاه چهارگاه که علینقی وزیری اضافه نموده است.

بداهه خوانی

از خواص موسیقی ایرانی که در اجرای ردیفها بیشتر بکار میرود و آن پروراندن خط موسیقی بنا بموقعیت و حالات شخصی خواننده است. بدیهه خوانی نیز گفته میشود.

بداهه نوازی

بدیهه نوازی نیز گویند از اختصاصات موسیقی ایرانی که در اجرای ردیفها بیشتر بکار میرود بمعنی پروراندن خط موسیقی به ذوق و میل نوازنده.

بربط

یا عود نام سازيست کاسه بزرگ با دسته کوتاه که انواع مختلف آن در کشورهای دیگر چون ترکیه، عربستان و اروپا متداول است بوسیله مضربی از شاه پر پرندگان و انگشت گذاری بر روی پرده های آن بصدا درمی آید. به عود نگاه کنید. مثال از نظامی:
به بربط چون سر زخمه درآورد ز رود خشک بانگ تر برآورد

برمکی

شهباز، متولد ۱۲۷۵ شمسی نوازندهٔ ویلن که نخست نزد ابراهیم آژنگ و سپس نزد حسین خان اسمعیل زاده استاد کمانچه موسیقی را آموخت.

برگشت

یا رجعت، علامتی است که یک یا چندین میزان موسیقی را تکرار میکند.

برگردان

گوشه ایست در آواز دشتی (از ردیف منتظم الحکما)

بزرگ

گوشه ایست در دستگاه شور، و نام مقامی از دوازده مقام موسیقی مورد بحث کتب قدیم .
به اصفهانک نگاه کنید .

بستان شیرین

یکی از الحان موسیقی باستان مثال از رشیدی :
گه به بستان اندرون ، بستان شیرین برکشد گه بباغ اندرهمی ، باغ سیاووشان زند

بسکنه

یکی از الحان موسیقی دورهٔ پیش از اسلام بوده است . مثال از منوچهری :
گاه زیر قیصران و گاه تخت اردشیر گاه نوروز بزرگ و گاه نوای بسکنه

بسته

لحنی است از موسیقی قدیم که آنرا بسته نگار خوانند و آن مرکب بوده است از حصار و حجاز و سه گاه .

بسته نگار

که همان بسته است امروزه در ردیفهای مختلف در دستگاههای سه گاه ، راست پنج گاه ، چهارگاه نوا و آوازهای ابوعطا و افشاری آمده است .

بعد

در موسیقی قدیم فاصله را می گفتند .

بغدادی

گوشه ایست در آواز ابوعطا .

بقیه

که با اختصار "ب" علامت گذاری شده و نیم پردهٔ کوچک = (L) در گامهای موسیقی قدیم ایران بعد از اسلام ، دوم کوچک و کم کوچک را گویند .

بکار

یکی از علامات موسیقی است و صدای نت هائی را که بوسیلهء علامات تغییر دهندهء دیگر عوض شده بحالت اولیه برمیگرداند .

بمل

علامتی است که صداهاى طبیعى را نیم پرده کروماتیک پایین می‌آورد ، به دیز نگاه کنید .

بنان

غلامحسین ، فرزند بنان الدوله آوازخوان معروف که به ردیف موسیقی ایران آشنائی کامل دارد . بنان از شاگردان میرزا طاهر ضیاء رسانی (ضیاء الذاکرین) بوده است (سرگذشت موسیقی)

بندِ شهریار

نام لحنی در موسیقی باستان بوده است . به مثال افسر بهار نگاه کنید .

بوذری

ابراهیم ، از خوانندگانی که ردیف را از ابوالحسن اقبال آذرآموخته است همچنین ویرا از شاگردان شیخ حبیب الله شمس الذاکرین کاشی نیز نام برده اند . (سرگذشت موسیقی) .

بوسلیک

سلیک ، لحنی است از موسیقی قدیم و مقامی است از جمله دوازده مقام مورد بحث کتب قدیم . به اصفهانک نگاه کنید . و در موسیقی کنونی نام گوشه ایست که در دستگاه نوا آمده است . مثال از رسالهء وجیزه الباهره :
دو عینم بوسلیک است و حسینی بود نوروز اصلم زین دو عینی

بوق

آلتی است دمیدنی در موسیقی که از شاخ حیوانات ساخته میشده و بیشتر در رزم بکار میرفته است .

بهارِ بَشْکَنَه

نام لحنی بوده است از موسیقی باستان .

بهیهانی

گوشه ایست در دستگاه هما یون .

بهمن

نام پرده و لحنی از موسیقی باستان آمده است .

بَهْمَنَجَنَه

بمعنی پرده و نوا و لحنی در موسیقی قدیم و نام روز دوم از هر ماه شمسی ، در این روز چون نام روز و نام ماه با هم مطابق میشده ایرانیان را بر آن جشنی بود و سروری .
مثال از منوچهری :

بجوش اندرون دیگ بهمنجنه به گوش اندرون بهمن و قیصران

بِنَصِر

انگشت سوم و پرده سوم براسباهای معمول موسیقی قدیم (زمان فارابی) که انگشت برروی پرده^۴ هم نام خود قرار میگرفته است .

بیات

گوشه ای در دستگاه شور (از ردیف منتظم الحکما)

بیات

واژه ترکی است و نام طایفه ای از ترکهای آذربایجان ، بیاتی خواندن بمعنی خواندن دو بیتی های عاشقانه ، که در موسیقی ترکی هنوز هم مرسوم است .

بیات اصفهان

به اصفهان نگاه کنید .

بیات ترک

آوازی است از درجه^۴ سوم دستگاه شور ، در بسیاری از گوشه ها با دستگاه ماهور مشترک میباشد .

بیات راجع

گوشه ای که در نوا و اصفهان آمده و بیات راجه نیز گفته شده است ، راجع در لغت بمعنی بازگردنده ، برگشت کننده و راجه بمعنی شاهان محلی هند .

بیات زند

به آواز بیات ترک گفته میشود و بهر حال از شاخه های شور است . زند تفسیر و شرح کتاب اوستا است که به زبان پهلوی ساسانی نوشته شده و نیز نام تیره ای است از تیره های ایران

مثال از نظامی :

هم رود زنان به زخمه راندن هم فاختگان به زند خواندن

بیاتِ عجم

با نوروز عجم ، نام گوشه ایست در دستگاههای همایون و راست پنجگاه ، عجم به معنی غیرعرب و بیشتر ایرانی را گفته اند .

بیاتِ کرد

نام گوشه ای در دستگاه شور که کرد بیات نیز گفته شده است .

بیداد

گوشه ای در دستگاه همایون ، و آورده اند نام شهرست از ترکستان .

بیدگانی

نام گوشه ای در آواز دشتی است .

پ

پارسی

نام لحنی از موسیقی باستان بوده و در دیوان منوچهری بنام سرود و لفظ نیز آمده است .
مثال از منوچهری :

یک مرغ سرود پارسی گوید یک مرغ سرود ماورا النهری

پالیزبان

نام لحنی است از موسیقی قدیم ، پالیزوان و فالیزبان نیز آمده بمعنی باغبان و بستان بان
مثال از منوچهری :

این زند بر چنگهای سفدیان^۱ پالیزبان وان زند بر نای های لوریان آزادوار^۲

پرتو فرخار

لحنی است از موسیقی باستان که که انرا از پهلبد (باربد) موسیقیدان بنام دربار خسرو پرویز
دانسته اند (غررالخبار ثعالبی نیشابوری)

پر پرستو

کوشه ای در دستگاه سه گاه و چهارگاه پر پرستوک نیز آمده است .

پرده

فاصله بین دو نت موسیقی را گویند .

۱ - سُغد = کشوری قدیمی میان دو رود سیحون و جیحون .

۲ - لوریان = لولیان ، طایفه کولی ها .

پرده

مفتول روده که بفاصله های معین بر دستهء تار عود و نظیر آن می بندند و نیز بمعنی هریک از آوازاها و آهنگهای موسیقی قدیم و نیز بلفظ دستان آمده است. در لغت بمعنی پوشش و حجاب.

پرده تنگ

نام پرده ای بوده است در موسیقی قدیم مثال از نظامی :
نوا، بازیکنان در پردهء تنگ غزل گیسو کشان در دامن چنگ

پردهء چفانه

نام پرده ای در موسیقی قدیم و چفانه نام سازی بوده است. مثال از فخرالدین عراقی :
مطرب عشق میزند هر دم چنگ در پردهء چفانهء عشق

پردهء خرم

پرده و لحنی در موسیقی قدیم بوده است. مثال از مولوی :
افتد عطار در در و حل، آتش در افتد در زحل زهره نمائد زهره را تا پردهء خرم زند

پردهء دیرسال

کنایه از آسمان است و پرده ای بوده است در موسیقی قدیم. مثال از نظامی :
مغنی در این پردهء دیرسال نوائی بر انگیز و با او بنال
مگر بر نوای چنان ناله ای فروبارد از اشک من زاله ای

پردهء راست

نام پرده ای بوده است در موسیقی قدیم. مثال از نظامی :
نکیسا بر طریقی کان صنم خواست فرو گفت این غزل در پردهء راست

پردهء زنبور

نام پرده ای در موسیقی قدیم بوده است.

پردهء سرکش

نام پرده ای در موسیقی قدیم. مثال از منوچهری :
یکی نی بر سرکسری، دوم نی بر سرشیشم سه دیگر پردهء سرکش چهارم پردهء لیلی

پرده شناس

مطرب، نوازنده، رامشگر، موسیقیدان. مثال از نظامی :
پرده شناسان به نوا در شگرف پرده نشینان به وفا در شگرف

پرده قمری

نام پرده ای در موسیقی قدیم بوده است .

پرده بلبل

نام پرده ای در موسیقی قدیم بوده است (از فرهنگ معین)

پرده لیلی

نام پرده ای در موسیقی قدیم بوده است . به مثال پرده سرکش نگاه کنید .

پرده خراسان

نام پرده ایست در موسیقی قدیم (از فرهنگ معین)

پرده یاقوت

نام پرده ای بوده است در موسیقی قدیم .

پروانه

آوازخوان معروف همزمان حبیب سماعی که همراه ساز استاد صفحاتی از خوانندگی وی به یادگار مانده است .

پروانه

گوشه ای در دستگاه راست پنجگاه، در لغت حشره ای زیبا که شبها خود را به شعله شمع و چراغ میزند .

پس حصار

گوشه ایست در دستگاههای سه گاه و چهارگاه .

پُل

قطعه چوب کوچکی که بین صفحات زیر و روی بعضی سازها قرار میگیرد و فشار صفحه رو را متعادل می نماید اشکال استوانه ای و شانه ای آن بسیار معمول است .

پنجگاه

گوشه ایست در دستگاه راست پنجگاه، از جمله بیست و چهار شعبه موسیقی قدیم به نیریز نگاه کنید.

پنجه کبک دری

به کبک دری نگاه کنید.

پنجه گردی

گوشه ای است در دستگاه شور.

پنجه مویه

گوشه ای است در دستگاههای سه گاه و چهارگاه.

پوپتر

سه پایه، وسیله ایست از چوب یا فلز با سه پایه، دارای صفحه ای در قسمت بالا که نت روی آن قرار میگیرد.

پیانو

نام ساز است غربی مضربی معمولاً "به وسعت هفت اکتاو. در دوره ناصری به ایران آورده شد و جای خاصی در موسیقی ایرانی گشود با تغییر مختصری در کوک آن ردیفهای موسیقی ایرانی بر روی آن قابل اجراست.

پهلیدی

فهلبد، فهربد، فهلود نیز آمده، منسوب به پهلبد نوازنده بنام دربار خسرو پرویز که همان باربد باشد و نیز یکی از الحان موسیقی قدیم، در صفحه ۷۰۳ کتاب غرر الاخبار، ملوک الفرس و سیرهم از کتاب تاریخ شهرپاری نوشته محمد علی امام شوشتری صفحه ۷۴ چنین آمده: "چون شبذیز مرد هیچکس را یارائی نبود تا خبر مرگ آنرا به خسرو پرویز دهد تا بزرگ اخور سالار دست بدامن پهلبد شد تا برای این کار چاره ای اندیشد " و در همین کتاب صفحه ۶۹۶ از داستانهای پرتو فرخار و سبز اندر سبز "که پهلبد درباره آنکه در جامه سبز از میان شاخه های سبز درخت درآمده و سرود خوانده " نام برده شده است به باربد نگاه کنید.

پهلوی

گوشه ای در دستگاههای چهارگاه و سه گاه. منسوب به پهل که در قدیم به شهرهای ری،

همدان، اصفهان و نهاوند گفته می‌شده و خط و زبان ایرانیان در دوره ساسانیان (بین زبان باستان و فارسی امروز) پهلوی گفته می‌شده است، مثال از مجمع‌الادوار مخبر السلطنه هدایت: آنچه آید در سه گاه از بشنوی آن حدی است و پس از آن پهلوی

پیش درآمد

فورمی است از موسیقی ایرانی که در گوشه‌های اصلی آواز یا دستگاه در وزن‌های ساده و نسبتاً "سنگین" ساخته می‌شود و چون برای آمادگی شنونده پیش از درآمد آوازی بکار میرفته پیش درآمد خوانده می‌شده است. نامگذاری این فورم از موسیقی را به مشیر همایون شهردار نسبت داده‌اند. تا قبل از درویش خان (نوازنده تار) پیش درآمد قطعه مستقلی نبود و جزء ردیف بشمار میرفت و پیش درآمد به فورم امروز از ابتکارات درویش خان است، رکن الدین خان مختاری نیز از جمله هنرمندانی است که پیش درآمد‌های زیاد و زیبایی در دستگاه‌های مختلف ساخته است.

پیش زنگوله

گوشه‌ای ضربی که در دستگاه‌های سه گاه، چهارگاه و راست پنجگاه آمده است.

پیکارکرد

نام لحنی بوده است از موسیقی قدیم. مثال از فردوسی: که پیکار کردش همی خواندند چنین نام از آواز او رانددند

پیک گُرد

نام لحنی در موسیقی قدیم بوده است.

پیغوله

نام نواهی است از موسیقی قدیم. در فرهنگ شاهنامه بمعنی گوشه، کُنْج (پیغوله)

ت

تاج اصفهانی

آوازخوان توانا که به اجرای ردیفهای موسیقی ایران تسلط کامل دارد.

تار

سیم سازها را در قدیم می‌گفته‌اند.

تار

ساز، و شش تار نیز گفته شده بمعنی لغوی تارک و فرق سرو نیز آلتی است از موسیقی که معمولاً از چوب درخت توت می‌سازند یکی از اصیلترین و معمولترین سازهای ملی ایران است، سازی است چوبی، دوکاسه، با دسته بلند که بر آن پرده بسته میشود و با مضرابی کوچک فلزی به صدا درمی‌آید. کاسه بزرگ را کاسه و کاسه کوچک را نقاره گویند که بر روی آنها پوست کشیده میشود.

تبیره

تبیر، دهل، از جمله آلات کوبه‌ای، در لغت فارسی طبل است.

تحریر

غلط و چهچه را نیز گویند، حالتی است در آوازخوانی که بر روی سازها نیز تقلید میشود صوتی را گویند که بین فواصل نزدیک، پی‌درپی اجرا شود. در لغت بمعنی نوشتن، آزاد کردن.

تخت اردشیر

بخت اردشیر نیز آمده و نام لحنی بوده است در موسیقی قدیم، مثال از منوچهری:
چون مطربان زنند نوا تخت اردشیر گه مهرگان خردک و گاهی سپهبدان

تخت طاقدیس

تخت طاقدیس نیز آمده، نام لحنی از سی لحن یارید که در برهان قاطع لحن پنجم آمده و نام تختی بوده است چند طبقه که صور جمیع بروج و کواکب را بر آن نقش نموده بودند و از فریدون به خسرو پرویز رسیده بود گویند تمام عساگر خسرو در طبقات آن جا می شدند. و نام گوشه ایست که در نوا، افشاری و سه گاه آمده است. مثال از نظامی:

چو تخت طاقدیس ساز کردی بهشت از طاق ها در باز کردی

ترانه

به تصنیف نگاه کنید، در زبان فارسی بعد از اسلام عبارت است از دو بیتی های محلی، معمولاً "یازده سیلابی (بحر حزج) در بیشتر شهرستانهای ایران معمول بوده و بهترین نمونه، آن دو بیتی های باباطاهر است و نیز یکی از انواع شعر که در دوران ساسانیان نیز معمول بوده و ترانک گفته میشده و گفته اند تنها وزن شعری که از آن دوره بجا مانده مثال از دیوان شمس:

ای زده مطرب غمت در دل من ترانه ای در سرو در دماغ جان، جسته زتوفسانه ای

تسلسل

گوشه ای که در آخر دستگاه ماهور (از ردیف منتظم الحکا) آمده است.

تسلسل بمل ها

ترتیب پشت سرهم قرار گرفتن علامتهای بمل را گویند از این قرار:

سی - می - لا - ر - سل - دو - فا .

تسلسل دیزها

ترتیب پشت سرهم قرار گرفتن علامتهای دیز را گویند به این شرح:

فا - دو - سل - ر - لا - می - سی .

تصنیف

مجموع آهنگ و شعری است دارای وزن که مقصود و معنائی را بیان نماید این فورم را ترانه نیز گویند در گوشه های آواز یا دستگاه گردش میکند و بطور مستقل نیز در گوشه ای می آید.

تغییر مایه

اگر از مایه ای به مایه دیگری بروند که بر روی درجات اصلی (چهارم و پنجم) مایه اول باشد تغییر مایه (تن) است.

تغییر مقام

اگر از مایه‌ای به مایه دیگری بروند که بر روی نت‌های مقامی، مدال (درجات سوم و ششم) مایه اول باشد تغییر مقام (مد) است و مشابه آن در موسیقی غرب مدولاسیون است.

تکنوازی

بمعنی اجرای موسیقی با یک ساز تنها است.

تکیه

نت زینتی کوتاه مدت که بیکی از نت‌های اصلی تکیه می‌کند، تکیه معمولاً "با فاصله دوم بکار می‌رود و گاهی در فواصل سوم و چهارم هم بکار می‌رود تکیه در موسیقی ایرانی انواع مختلف دارد.

تَکاو

لحنی بوده است در موسیقی قدیم. تکاب نیز گفته شده در لغت قیف را نیزگویند و زمین نشیب پر سبزه و علف، و نام روستائی از ولایت گنجه. مثال از منوچهری:

وقت سحرکه چکاو خوش بزند در تکاو ساعتکی گنج‌گاو ساعتکی گنج‌باد

تمبک

تنبک، دنبک، به ضرب نگاه کنید. سازی^۱ است ملی، چوبی (انواع فلزی و سفالی آن نیز بکار رفته است) استوانه‌ای که بر دهانه بزرگ آن پوست قرار گرفته و با سرانگشتان دست به صدا در می‌آید و نوع بزرگتر آن با بدنه سفالی وسیله اصلی و ضروری زورخانه‌ها است در لغت بمعنی لغوی گرفتن چیزی خوردنی با انگشت‌های ابهام، سبابه و وسطی، یعنی با سرانگشت برداشتن و خوردن چیزی. این ساز ضربی که در قدیم برای همراهی و نگاه داشتن وزن موسیقی بکار می‌رفت، در سال‌های اخیر به سبب مهارت نوازندگان درخششی چشمگیر پیدا کرد و بعنوان یک ساز تنها نیز بکار می‌رود.

تمرین

نرم کردن، ورزش دادن، عادت دادن و آشنا کردن کسی بکاری.

تنبور

مغرب آن تنبور است یکی از متداولترین سازهای قدیمی و ایرانی، نام تنبور خراسانی و بغدادی در کتب قدیمی ذکر شده است.

۱ - در کشورهای غربی لفظ ساز Instrument برای این قبیل سازهای کوبه‌ای بکار رفته است.

تَنگ

نگاه کنید به پردهء تنگ .

تَنُور

وُسعت صدای زیر در مردان

تَنیک

درجهء اول هرگام را گویند که در واقع معرف گام است و از کلمهء فرانسوی "تن" گرفته شده است .

تَنافُر

نا مطبوع ، بعد التنافر . فاصلهء نا مطبوع را گویند .

تهرانی

حسین (۱۲۹۰ - ۱۳۵۲ شمسی) استاد زبردست تمبک ، نخستین استادش حسین خان اسمعیل زاده (استاد کمانچه) بود و نیز از مخضر رضا روانبخش ، مهدی قیاسی و کنگرلو بهره برده است ، اثری از نوازندگی استاد باقی مانده و نیز کتاب آموزش تمبک که بهمکاری وی بچاپ رسید .

تیزی با خَرز

نام لحنی در موسیقی قدیم بوده است .

تیزیِ راست

پرده و نیز نام لحنی در موسیقی قدیم بوده که آنرا گردانیه نیز خوانده اند و از جمله شش آواز مورد بحث کتب قدیم به سلمک نگاه کنید .

ج

جامه دران

گوشه ایست در همایون، اصفهان، افشاری، بیات ترک و نام لحنی است از جمله تصانیف نکیسا، گویند این صوت را چنان نواخت که حضار همه جامه ها را بر تن پاره کردند.

جفتائی

نام گوشه ای در دستگاه سه گاه است.

جعفر صنعت

صنعتگر ماهری که تارهای ساخت او معروف بوده است.

جلال قانونی

متولد ۱۲۸۵ شمسی نوازنده شیرازی ساز قانون که در مکتب پدرش رحیم قانونی پرورش یافت.

جمله

در موسیقی بمعنی نغمه کوتاه و مستقلى که در درون خود واحدی را تشکیل دهد. و در آخر آن سکوت قرار میگیرد در لغت بمعنی کوچکترین واحد کلام که معنی مفیدی داشته باشد.

جهانگیر مراد

ملقب به حسام السلطنه متولد ۱۲۶۰ شمسی فرزند حسام السلطنه فاتح هرات، وی ویلن می نواخت و به سازهای دیگر نیز آشنا بود. بعضی از تصانیفی که وی با شعر ملک الشعرای ساخته هنوز باقی و معروف است.

جنس

هر دانگ گامهای قدیم را گفته اند.

ج

چپ کوک

به راست کوک ، چپ کوک نگاه کنید .

چَفان

نام نغمه و پرده ای و سازی بوده در موسیقی قدیم ، به چفانه نگاه کنید .

چَفانیه

چفان نیز آمده ، نام نغمه و پرده ای بوده در موسیقی قدیم و نیز نام سازی چوبی بوده است مانند مشتۀ حلاجان که سر آنرا شکافته جلاجل و زنگله ای چند بر آن نصب نموده و بدان ضرب را نگاه میداشتند (آموزش تمبک) .

در برهان قاطع آمده سازيست شبیه قانون و در فرهنگ عمید آمده یکی از آلات موسیقی شبیه قاشق که چند زنگوله بآن آویخته و با دست حرکت میدهند . مثال از حافظ :
سحر گاهان که مخمور شبانه گرفتم باده با چنگ و چفانه

چَکاو

نام لحنی در موسیقی قدیم بوده که آنرا نوای چکاوک ، چکاک و چکاوه نیز گویند در لغت مرغی بزرگتر از گنجشک . مثال از فردوسی :
چو غورشید بر زد سراز چرخ گاو ز هامون بر آمد خروش چکاو

چَکاوک

گوشه ایست در دستگاه همایون و نیز نام لحنی از موسیقی در دوره ساسانیان به چکاو نگاه کنید مثال از منوچهری :
زده به بزم تو رامشگران به دولت تو گهی چکاوک و گه راهوی و گه قالوس

چَک

لحنی بوده است در موسیقی دوره ساسانیان ، به مثال شخج نگاه کنید .

چنگ

نام کهن ترین ساز تاردار ایرانی است و نام آن بیش از هر ساز دیگری در کتابها و نقشهای باستانی آمده . مثال از سوزنی :
پیران چنگ پشت و جوانان چنگ زلف در چنگ جام باده و در گوش بانگ چنگ

چنگ

یک هشتم ($\frac{1}{8}$) واحد موسیقی از نظر کشش یا سکوت یک نت (اگر واحد گرد فرض شود)

چنگی

علیرضا ، کمانچه کش معروف دربار مظفرالدین شاه و محمد علی شاه متولد به سال ۱۲۶۲ شمسی که ردیف موسیقی را نزد داود شیرازی نوازنده تار آموخت .

چوبانی

گوشه ای در آواز دشتی است .

چهار باغ

چهارپاره نیز گویند . در حجاز ابوعطا و ماهور آمده ، گوشه ایست ضربی با کلام و بی کلام آن نیز در ردیفها آمده است .

چهار چهارم

$\frac{4}{4}$ در موسیقی یکی از تقسیمات میزان است باین معنی که واحد کشش (اگر گرد فرض شود) بخش بر چهار شده و در هر میزان چهار قسمت از آن بکار رفته این کسر معرف میزان ساده چهار ضربی است یعنی چهار سیاه در هر میزان .

چهار دوم

$\frac{4}{2}$ در موسیقی یکی از تقسیمات میزان است باین معنی که واحد کشش (اگر گرد فرض شود) بخش بر دو شده و چهار قسمت از آن در هر میزان بکار رفته این کسر معرف میزان ساده چهار ضربی است یعنی چهار سفید در هر میزان .

چهارگاه

یکی از هفت دستگاه اصلی موسیقی و نام یکی از بیست و چهار شعبه موسیقی مورد بحث کتب قدیم به نیریز نگاه کنید .

چهار لا چنگ

یک شصت و چهارم ($\frac{1}{64}$) واحد موسیقی ، از نظر کشش یا سکوت یک نت (اگر واحد گرد فرض شود) .

چهار مضراب

فورمی است در موسیقی ایرانی که قدمت طولانی ندارد و در صفحات موسیقی وردیف قدما که باقی مانده بصورت مختصری از آن یاد شده ، حدود سی سال قبل منتهای اصالت و شایستگی این فورم نشان داده شده و در زمان ابوالحسن صبا کامل شده ، چهارمضرب قطعه ایست ضربی که در وزنها و میزان بندیهای مختلف نوشته شده ، نت پایه آواز یا گوشه مرتب شنیده میشود ، که ممکن است نت شاهد و یا ایست آن گوشه باشد چهارمضرب در درآمد و گوشه های مختلف ردیف گردش میکند ، برای اجتناب از نواختن چهار مضربهای طولانی کافی است هر گوشه که پایه یا پدال (واخون) مشخصی بماند بدهد مبنای قرار داده و چهار مضرب جداگانه ای برای همان گوشه نوشت . اجرای چهار مضرب : نواختن جملاتی که شروع و خاتمه آن با یک پایه مشخص باشد . برای اجرای پایه ها (معمولاً "در ساز های مضربی) باید چهار تا مضرب پی در پی به سیم های بم و زیر زده شود . امروزه انواع مختلف چهار مضرب متداول است .

چهار هشتم

$\frac{4}{8}$ در موسیقی یکی از تقسیمات میزان است باین معنی که واحد کشش (اگر واحد گرد فرض شود) بخش بر هشت شده و چهار قسمت از آن در هر میزان بکار رفته این کسر معرف میزان ساده چهار ضربی است یعنی چهار چنگ در هر میزان .

چینی

در دیوان منوچهری بنام سرود و لفظ و پرده ای در موسیقی آمده است . مثال از منوچهری :
به لفظ پارسی و چینی و خمأ خسرو به لحن مویه زال و قصیده لغزی^۱

۱ - لغز = معما ، چهستان .

ح

حاج آقا محمد

ایرانی مجرد، به ردیف موسیقی ایران تسلط کامل داشت و محفوظات وی مرجع و مآخذ ارزنده‌ای بشمار میرفت زمانی شاگرد سید حسین خلیفه بود و بعدها از مکتب میرزا عبدالله استفاده بسیار نمود و موسیقیدانان بسیاری از محضر وی بهره برده اند.

حاجیانی

گوشه ایست در آواز دشتی.

حاج حسنی

گوشه ای در دستگاههای سه گاه، چهارگاه، و ماهور است.

حاج خان عین الدوله

خواننده و نوازنده ماهر تمبک، از شاگردان معروف او میتوان عبدالله دوامی را نام برد. وی خواننده ویژه عین الدوله نخست وزیر پیش از دوره مشروطیت بوده است.

حاج طایر

در ساختن سه تار و کمانچه معروف بوده خصوصا "سه تارهای ساخت وی شهرت داشته است.

حاج محمد کریم خان

صنعتگر ماهری که در ساختن تار و سه تار و سنتور بنام بوده، خصوصا "کمانچه های ساخت او معروف بوده است.

حاشیه

گوشه ایست ضربی در دستگاه چهارگاه. مثال از مجمع الادوار:
حاشیه بگذار و بین در متن آن راحت روح من آن جامه دران

حالاتِ موسیقی

معرف کیفیت و چگونگی نواختن قطعات موسیقی است که علائم مختلفی برای نشان دادن آنها معین شده است.

حجاز

گوشه‌ایست در آواز ابوعطا، انواع آن حجازیغدادی و حجاز نایب اسدالهی نیز در ردیفها آمده و نام ولایتی است در عربستان و نام مقامی از جمله دوازده مقام موسیقی مورد بحث کتب قدیمی به اصفهانک نگاه کنید. مثال از مجمع الادوار:

حجاز آمد یکی نخل شمردار سه گاه است و حصار آن نخل را بار

حدا

راندن شتر به خواندن سرود و آواز و یا سرود و آواز ساریانان هنگام راندن شتر.

حدی

گوشه ایست که در دستگاههای سه گاه و چهارگاه آمده است.

حربی

گوشه ایست ضربی و قدیمی که در دستگاههای ماهور و راست پنجگاه آمده است.

حرکات موسیقی

معرف میزان تند و کند و قطعه موسیقی است و علائم مختلفی برای نشان دادن آنها معین شده است.

حزان

گوشه ایست که در دستگاههای سه گاه، چهارگاه و ماهور آمده. مثال از مجمع الادوار:

مخبر السلطنه هدایت:

از کرشمه بگذری سوی حزین رو به حزان آور و مویه گزین

حزین

گوشه ایست دارای فورم خاص که در ماهور، شور، سه گاه، چهارگاه، راست پنجگاه، نوا و اصفهان آمده است در لغت بمعنی اندوهگین و دلتنگ، مثال از نظامی:

به آواز حزین چون عذر خواهان روان کرد این غزل را در سپاهان

حسین خان اسمعیل زاده

فرزند اسمعیل خان کمانچه کش معروف دربار ناصری، حسین خان مهارت زیادی در نواختن کمانچه داشت در زمان او ویلن به ایران آمد و شاگردانی چون رکن الدین خان مختاری، ابوالحسن صبا، رضا محجوبی، ابراهیم منصوری از مکتب وی استفاده نمودند. به این ترتیب که استاد با کمانچه درس میداد و شاگردان بر روی ویلن فرا میگرفتند.

حسن لَبه

نوعی صمغ، شیره درخت، سقزی شبیه به کندر بسیار خوشبو و برنگهای سفید و مایل به سیاهی که در عربی آنرا حصی لبان گویند بجای کلیفون امروزی برای کمانه کمانچه (آرشه) بکار میرفته است. حسن لبه در لغت بمعنی درختی است از تیره جاوی ها.

حسین هنگ آفرین

نوازنده سه تار که به ردیف موسیقی ایران تسلط داشته و از شاگردان میرزا عبدالله بوده است. نواختن پیانو و سازهای بادی و ویلن را هم میدانست.

حسینی^۱

گوشه ایست که در دستگاه شور و نوا آمده است و نام مقامی از جمله دوازده مقام موسیقی مورد بحث کتب قدیم به اصفهانک نگاه کنید. در لغت منسوب به حسین و بمعنی خوب و نیکو، مثال از ابوالوفای خوارزمی: باز مر پرده حسینی را کن به وقت طلوع مهر آغاز

حشمت دفتر

نوازنده ویلن همزمان رکن الدین خان که شاگرد حسین خان اسمعیل زاده بوده است.

حصار

گوشه ایست که در دستگاههای سه گاه و چهارگاه آمده و نام شعبه ایست از جمله بیست و چهار شعبه موسیقی مورد بحث کتب قدیم به نیریز نگاه کنید. در لغت بمعنی دیوار، بارو.

حصار ابول

نام گوشه ایست در دستگاه ماهور.

حصار ماهور

گوشه ایست که در دستگاه ماهور آمده است.

حَقَّهْ کالوس

لحنی است از موسیقی قدیم ، در برهان قاطع نام لحن ششم از سی لحن بارید آمده و آن را حقه کالوس هم گفته اند . مثال از نظامی :

چو قند از حقه کالوس داری شکر کالای او را بوس دادی

خ

خادم میثاق

علی محمد (۱۳۳۷ - ۱۲۸۶ شمسی) از شاگردان ممتاز مدرسه موزیک بود و تحت نظر سالار معزز و نصراله خان مین باشیان تعلیم گرفت و در همین مدرسه در دوره ریاست استاد وزیر موسیقی ایرانی را نیز آموخت، از خادم میثاق آثاری بجا مانده که اهم آنها سرود های ملی است.

خارا

گوشه ایست در دستگاه شور، در لغت بمعنی نوعی سنگ سخت.

خارکش

به راه خارکش نگاه کنید.

خارکن

به راه خارکن نگاه کنید.

خالقی

روح الله (۱۳۴۴ - ۱۲۸۵ شمسی) موسیقیدان، مؤسس و اولین رئیس هنرستان موسیقی ملی بسال ۱۳۲۸ شمسی که آهنگها و کتب ارزنده ای در مبانی موسیقی از ایشان باقی مانده است. نامبرده از مفاخر موسیقی ایران است.

خانه عَنقا

نام لحنی است از موسیقی قدیم.

خاوران

نام گوشه ایست که در دستگاه ماهور آمده است .

خُجسته

گوشه ایست در دستگاه نوا ، در لغت بمعنی مبارک .

خَرک

وسیله ایست چوبی که بر روی سازها قرار میگیرد و سیمها و یا تارهای ساز از روی آن عبور میکند .

خَرگاه

نام لحنی است در موسیقی قدیم بمعنی لغوی خیمه و چادر . مثال از نظامی :
بر آن آواز خرگاهی پر از جوش سوی خرگاه شد بی صبر و بی هوش

خُرم

نگاه کنید به پرده خرم .

خروش مُغان

نام لحنی بوده است در موسیقی باستان ، و نام یک ترانه دینی یا عرفانی که در آغاز
بزمهای خواندند نیز ذکر شده (ص ۷۳ تاریخ شهریار در شاهنشاهی ایران) مثال از فردوسی :
زن چنگ زن، چنگ در بر گرفت نخستین ، خروش مغان بر گرفت

خَرنای

نام لحن و سرودی در موسیقی قدیم آمده است و نای بزرگ را گویند که کرنای باشد به کرنا
نگاه کنید .

خزانِه

شیخ محمود ، از خوانندگان مشهور دربار ناصری .

خسروانی

سرودی است از مصنفات باربد ، رجوع شود به باربد و نام گوشه ایست در آواز ترک و
دستگاههای ماهور و راست پنجگاه . مثال از مسعود سعد سلمان :
بشنو و نیکو شنو، نغمه خنیاگران به پهلوانی سماع ، به خسروانی سرود

خسرو شیرین
گوشه ایست در آواز ابو عطا .

خط اتحاد
خطی است منحنی که روی دو یا چند نت هم اسم و هم صدا گذارده میشود و کشش دو نت را با یکدیگر متحد میکند .

خط اتصال
خطی است منحنی که روی دو یا چند نت مختلف قرار میگیرد و صدای آنها را به یکدیگر متصل میکند .

خط میزان
خط قائمی است که تقسیمات میزانها را از یکدیگر جدا میکند .

خط میزان نقطه چین
خط قائم نقطه چینی است که تقسیمات دو میزان نا مساوی را از یکدیگر جدا میکند معمولا " در میزانهای لنگ بکار میرود .

خطوط اضافه
خطوطی کوچک و موازی با حامل ، که هرگاه تنها از حدود حامل تجاوز کنند بر روی آنها نوشته می شوند و خود حاملهای دیگری هستند با کلید های دیگر .

خُما خسرو
بنام سرود و لفظ و پرده ای از موسیقی دوره ساسانیان آمده است . بمثال چینی نگاه کنید .

خَمسه ای
شکرالله ، خواننده و ضربگیر ماهر که با صدا و ضرب خود تار غلامرضا شیرازی را همراهی میکرد است .

خَنصر
انگشت چهارم و پرده چهارم بر اسبابهای معمول موسیقی قدیم (زمان فارابی) که انگشت بر روی پرده همانا خود قرار میگرفته است .

خوارزمی

گوشه ایست در دستگاه ماهور.

خوارزمشاهی

گوشه ایست در دستگاه ماهور (از ردیف منتظم الحکما)

خوزی^۱

نام شعبه ایست از بیست و چهار شعبه موسیقی مورد بحث کتب قدیم به نیریز نگاه کنید.

خوشنواز

معروفترین کمانچه کش دوره ناصری که کنت دوگوبینو در کتاب سه سال در ایران از او نام برده است.

خوانساری

ادیب، آواز خوان که بردیف موسیقی ایران آشنائی کامل داشته است. و صفحاتی از خوانندگی وی در دست می باشد.

خنیاکر^۲

موسیقیدان، آواز خوان و نوازنده. مثال از منوچهری :
تو به قلب لشکر اندر، خون انگوران بدست ساقیان بر میسره^۱، خنیاکران بر میمنه^۲

۱ - میسره = طرف چپ.

۲ - میمنه = طرف راست.

د

دُخُول

بمعنی مقدمه و درآمد در بعضی ردیف قدما آمده است .

داد

گوشه ایست در دستگاه ماهور . در لغت بمعنی عدل و انصاف و نیز فریاد و فغان .

داد آفرید

لحنی است در موسیقی قدیم . داد آفرین نیز آمده ، یکی از نامهای خدایتعالی است .
مثال از فردوسی :

سرودی به آواز خوش بر کشید که اکنون تو خوانیش داد آفرید

دادور

عبدالله ، متولد ۱۲۷۳ شمسی ، نوازنده سه تار ، وی از مکتب استاد درویش خان و منتظم الحکا استفاده کرده است .

دانشور

تقی خان ، ملقب به اعلم السلطان متولد بسال ۱۲۵۸ شمسی نوازنده ویلن که می توان گفت اولین کسی بوده که موسیقی ایرانی را با ویلن نواخت ، ابتدا نزد حسین خان اسمعیل زاده و سپس نزد میرزا عبدالله ردیفها را آموخت .

دایره

یکی از آلات موسیقی ، به دف نگاه کنید .

دایره زنگی

نوعی دایرهء کوچک است و در چنبر چوبی آن قطعات مضاعف فلزی جای داده شده که به هنگام استفاده از این ساز صدا درمی آید .

دبیری

سید مهدی ، فرزند محمد خان مستوفی متولد ۱۲۷۳ شمسی از مکتب منتظم الحکما و میرزا عبدالله و نیز موسی معروفی کسب موسیقی نمود با اینکه تار بخوبی می نوازد ولی درنواختن سه تار مهارت بیشتری دارد .

درآمد احمد خانی

گوشه ای در آواز دشتی (از ردیف منتظم الحکما)

درآمد صادق خانی

گوشه ایست در آواز دشتی (از ردیف منتظم الحکما) منسوب به محمدصادق خان (سرورالملک) نوازندهء زبردست سنتور .

در دشتی

آواز خوان ، که در اجرای ردیف موسیقی ایران تسلط دارد .

در غم

یکی از الحان موسیقی قدیم و بمعنی لغوی موضعی که آنجا شراب خوب میشود و شراب در غمی منسوب به آنجاست و نام نغمه ای باشد در موسیقی که شنیدن آن غم و الم را از دل بیرون کند معنی ترکیبی آن در اندوه می باشد .

درگاهی

ارسلان ، متولد بسال ۱۲۸۱ شمسی که در نواختن سه تار مهارت بسیار داشت ، وی ابتدا در مکتب درویش خان نواختن تار را آموخت .

درویش حسن

قدیمی ترین خواننده ای که شناخته شده است و در آواز بمقام استادی رسید ، شاگردان بسیار و معروفی از استاد بجا مانده ، گوشه حاج حسنی در آواز اصفهان منسوب به اوست .

درویش خان

غلامحسین درویش (۱۳۰۵ - ۱۲۵۱ شمسی) نوازندهء چیره دست تار که شاگرد آقا حسینقلی

بوده است . درویش خان مبتکر فورم پیش درآمد به سبک امروز است چه پیش درآمد قبل از درویش خان قطعه مستقلی نبوده و جزعی از ردیف بشمار میرفت ، از استاد رنگها ، پیش درآمدها و تصانیف و قطعات متفرقه دیگری بجامانده همچنین صفحاتی که حاصل دوسافرت به لندن و تقلیس می باشد . ایرج میرزا در منظومه زهره و منوچهر چنین آورده :

تار دهم در کف درویش خان تا بدمد بر بدن مرده جان

دزفولی

گوشه ایست در دستگاه همایون .

دستان

پرده ، نهادن سرانگشتان بر دسته سازها می باشد که در فارسی نیز بهمین معنی آمده است و نیز بستن مفتول روده ای بر دسته سازهای تاردار . آهنگ سخن دار و ترانه رانیز گفته اند . مثال از نظامی :

چو بر دستان زدی دست شکر ریز بخواب اندر شدی مرغ شباویز

دستان نشانی

پرده بندی ساز را در موسیقی قدیم می گفته اند .

دستک زن

مطرب ، سازنده ، سرودگوی و خواننده را می گفته اند ، در لغت بمعنی نادم و پشیمان .

دستان عرب

به آواز ابوعطا اطلاق میشده ، به ابوعطا نگاه کنید .

دستگاه

در لغت بمعنی مجموع اجزائی که یک کل را تشکیل دهند ، و بمعنی یک مقام کامل موسیقی شامل گوشه ها ، دستگاه نیز گفته شده ، دستگاه مشخص کننده هر یک از هفت مقام اصلی موسیقی شامل (شور ، سه گاه ، چهارگاه ، همایون ، ماهور ، نوا ، راست پنجگاه) میباشد استاد وزیری در کتاب موسیقی نظری نوشته اند : شرط دستگاه بودن آنستکه از لحاظ گام دارای چهارم و پنجم درست بوده و فواصل بین درجات یک دستگاه شباهت به دستگاه دیگری نداشته باشد . به این ترتیب ایشان معتقدند که موسیقی ایران شامل پنج دستگاه است سه گاه ، چهارگاه ، شور ، همایون ، ماهور . شور با نوا و ماهور با راست پنجگاه بعلت شباهت در گام و اشتراک گوشه ها یکی هستند .

دشتستانی

گوشه ایست در آواز دشتی .

دشتی

آوازی از درجه پنجم گام شور می باشد .

دَف

دپ ، دایره ، باتره ، تبوراک نیز آمده یکی از آلات موسیقی دارای چنبر چوبی که بر یک دهانه آن پوستی نازک کشیده و با سرانگشتان نواخته میشود . مثال از حافظ :
شنیدم که چون غم رساند گزند خروشدن دف بود سودمند

دلکش

گوشه ایست در دستگاه ماهور ، در لغت بمعنی دلپذیر ، دلفریب . مثال از ابوالوفای خوارزمی :
وانگهی در میانه دو نماز دلکش آمد عظیم ، نوع حجاز

دلنواز

گوشه ای در دستگاه همایون ، در لغت بمعنی دلجو .

دنا سُرّی

دناصری ، گوشه ایست در دستگاه همایون .

دُنَبک

تنبک ، تمبک نیز گویند به تمبک نگاه کنید .

دَنه

لحنی بوده است در موسیقی قدیم بمعنی لغوی صدا و آواز خوانی زنان مطربه و نیز بمعنی شادی ، ندا ، زمزمه مثال از کمال اسماعیل :
حاش لله گر کند پیوند با طبع تو غم طبع غم را از نشاط تو پدید آید دَنه

دو

نام یکی از هفت نت موسیقی که در موسیقی غربی نوشته میشود و آن هفت نت عبارت است از : دو - ر - می - فا - سل - لا - سی . این اسامی در ایتالیا از ابتدای هر بیت از اشعار سرود مذهبی " سن ژان " گرفته شده توضیح آنکه در کشورهایی مانند ایتالیا ، فرانسه ،

بلژیک نتهای موسیقی با نامهای فوق استفاده میشوند و در کشورهایی چون آلمان ، امریکا و انگلستان از حروف استفاده میکنند باین ترتیب C – D – E – F – G – A – B که A مساوی با نت "لا" و بهمین ترتیب الی آخر... استثنائاً B در بعضی کشورها "سی" بکار و در بعضی سی بمل است و از حرف H برای "سی" بکار استفاده میشود .

دوازده چهارم

$\frac{12}{4}$ در موسیقی یکی از تقسیمات میزان است ، باین معنی که واحد کشش (اگر واحد فرض شود) بخش بر چهار شده و دوازده قسمت از آن در هر میزان بکار رفته این کسر معرف میزان ترکیبی چهار ضربی است یعنی دوازده سیاه در هر میزان .

دوازده شانزدهم

$\frac{12}{16}$ در موسیقی یکی از تقسیمات میزان است باین معنی که واحد کشش (اگر گرد فرض شود) بخش بر شانزده شده و دوازده قسمت از آن در هر میزان بکار رفته این کسر معرف میزان ترکیبی چهار ضربی است یعنی دوازده دولا چنگ در هر میزان .

دوازده هشتم

$\frac{12}{8}$ در موسیقی یکی از تقسیمات میزان است ، باین معنی که واحد کشش (اگر گرد فرض شود) بخش بر هشت شده و دوازده قسمت از آن در هر میزان بکار رفته این کسر میزان ترکیبی چهار ضربی است یعنی دوازده چنگ در هر میزان .

دو چهارم

$\frac{2}{4}$ در موسیقی یکی از تقسیمات میزان است ، باین معنی که واحد کشش (اگر واحد گرد فرض شود) بخش بر چهار شده در هر میزان دو قسمت از آن استفاده شده ، این کسر معرف میزان دو ضربی ساده است یعنی دو سفید در هر میزان .

دو هشتم

$\frac{2}{8}$ در موسیقی یکی از تقسیمات میزان است باین معنی که واحد کشش (اگر واحد گرد فرض شود) بخش بر هشت شده و در هر میزان دو قسمت از آن استفاده شده ، این کسر معرف میزان دو ضربی ساده است یعنی دو چنگ در هر میزان .

دور

در موسیقی قدیم گام را گفته اند .

دوامی

عبدالله، متولد بسال ۱۲۷۰ شمسی خواننده، موسیقی را از حاجی خان نوازنده ضرب آموخت و استعداد خاصی در پروراندن گوشه های آواز داشت چنانکه برخی گوشه ها را هم که سازی بود مانند نیشابورک در ماهور به وضع خوشی با شعر میخواند. دوامی در سفر درویش خان به تغلیس همراه هنرمندان بود و صفحاتی خواند که موجود است.

دوبل بمل

بمل مکرر، علامتی است که صدا های طبیعی را دو نیم پرده کروماتیک پائین می آورد (بمل تر میکند) به دیز نگاه کنید.

دوبل دیز

دیز مکرر، علامتی است که صدا های طبیعی را دو نیم پرده کروماتیک بالا می برد (زیرتر میکند) به دیز نگاه کنید.

دل انگیزان

لحنی در موسیقی قدیم دوره ساسانیان بوده است. مثال از منوچهری :
در باغ به نوروز درم ریزانست بر نارونان، لحن دل انگیزانست

دو بیتنی

گوشه ایست که در شور و ابوعطا آمده است. در ادبیات بمعنی شعری دارای دوبیت یا چهار مصراع که مصراعهای اول و دوم و چهارم با هم مقفی باشد فرق آن با رباعی در وزن آن است در فرهنگ معین نام گوشه ای در چهارگاه، شور و سهگاه نیز آمده است.

دو تار

نام ساز یست محلی از خانواده تنبور و شبیه سه تار که فقط دو سیم روی آن بسته میشود.

دو تا یکی

گوشه ایست سازی که در دستگاه چهارگاه و ماهور آمده است.

دوتائی

دثوله، هر یک ضرب از میزان ترکیبی که به ساده آن تبدیل شود.

دو ضربی

قطعه ضربی نشاط انگیز معمولاً " در وزن دو چهارم ساده بدون آنکه حالت مارش پیدا کند

با استفاده از گوشه های آواز بجای پیش درآمد قبل از آواز اجرا میشود (اگر پیش درآمد را در وزن تندتر اجرا کنیم دو ضربی نخواهد بود) در موارد نادر دو ضربی در وزن سه چهارم ساده نوشته شده که در آن صورت سه ضربی خوانده میشود .

دو گاه

گوشه ایست در آواز بیات ترک و نام پرده ای بوده قدیمی در راست پنجگاه و یکی از جمله بیست و چهار شعبه موسیقی مورد بحث کتب قدیم به نیریز نگاه کنید . از یک گاه تا هشتگاه نیز در کتب قدیمی ذکر شده .

دولا چنگ

یک شانزدهم ($\frac{1}{16}$) واحد موسیقی از نظر کشش یا سکوت تنها (اگر واحد گرد فرض شود)

دولا خط

علامتی است عبارت از دو خط قائم و موازی که در پایان یک قطعه موسیقی گذارده میشود و به معنی پایان است .

دو مضراب

نواختن نغمه هایی دارای وزن در گوشه های یک دستگاه یا آواز که دارای پایه ای باشد (در سازهای مضربی دو مضراب در سیم بم و دو مضراب در سیم زیر یا بالعکس زده میشود)

دیر سال

نگاه کنید به پردهء دیر سال .

دیز

علامتی است که صدا های طبیعی را نیم پردهء کروماتیک بالا می برد (زیرتر میکند) توضیح آنکه این فواصل به نسبت سیستم تامپره شده (اعتدال) در نظر گرفته شده چه در موسیقی غربی و چه در موسیقی ایرانی تفاوت های زیادی (از نظر فاصله) بین نتهای سری دار و کرن دار و دیز دار و بمل دار در مدهای مختلف وجود دارد و این فواصل دقیقاً " پرده پا نیم پرده یا ربع پرده نیستند .

دیف رخس

دیو رخس نیز آمده ، لحنی بوده است در موسیقی قدیم دورهء ساسانیان . مثال از منوچهری :
که نوای هفت گنج و که نوای گنج گاو که نوای دیف رخس و که نوای ارجنه

دیلمان

گوشه ای در آواز دشتی ، منسوب به دیلم شهری از گیلان .

دهل

طبل بزرگ دارای چنبر بزرگ و پهن چوبی که بر دو دهانهٔ آن پوست گاو یا گاو میش میکشند و باد و چوب نا مساوی که کلفت تر را چنگال و نازکتر را دینک گویند بصدا در می آید این آلت ضربی موسیقی را با رشته ای از گردن می آویزند . مثال از نظامی :
دهل زن چوزد بر دهل داغ چرم هوای شب سرد را کرد گرم

دیپازون

وسیله ایست برای اندازه گیری و تعیین تقسیمات ارتعاشی اصوات موسیقی و تعیین کنندهٔ واحد ارتعاشات بین فواصل نت ها .

دیگته موسیقی

نوشتن اصوات موسیقی از نظر صدا ، وزن و سکوت و ویژگیهای دیگر از راه گوش . در لغت بمعنی آنکه مطلبی را کسی املاء کند و دیگری بنویسد .

ذ

ذوات النفخ

به سازهای بادی در موسیقی قدیم گفته میشده است .

ذوات الاوتار

سازهای سیمی و زهی را در موسیقی قدیم گفته اند .

ذوالکل

فاصله هنگام درست را در موسیقی قدیم گفته اند .

ذوالکل و الاربع

فاصله یازدهم درست در موسیقی قدیم .

ذوالکل و الخمس

فاصله دوازدهم درست در موسیقی قدیم .

ذوالاربع

فاصله چهارم درست در موسیقی قدیم .

ذوالکل مرتین

فاصله پانزدهم یا فاصله دواکتاو درست در موسیقی قدیم .



د

نام یکی از هفت موسیقی به دو نگاه کنید . در موسیقی غرب D نوشته میشود .

راج

لحنی بوده است در موسیقی قدیم بمعنی لغوی نشاط و شادی و نیز بمعنی می و شراب .

راج روح

راه روح نیز آمده ، گوشه ایست در دستگاه شور و یکی از الحان موسیقی قدیم . در برهان قاطع لحن هفتم از سی لحن بارید ذکر شده .

راد مرد

حسن ، متولد بسال ۱۲۸۵ تا ۱۳۵۷ شمسی از شاگردان مدرسه موزیک بود وزیر نظر سالار معزز به تحصیل موسیقی پرداخت و نیز ردیفهای ایرانی را از اسمعیل زاده استاد کمانچه و درویش خان استاد تار آموخت . راد مرد مصنفات بسیاری دارد میتوان از سرود های معروف او نام برد .

راز و نیاز

گوشه ایست در دستگاه همایون .

راست

یکی از الحان موسیقی قدیم دوره ساسانیان از جمله دوازده مقام موسیقی مورد بحث کتب قدیمی به اصفهانک نگاه کنید .

راست کوک و چپ کوک

اصطلاحی متداول برای نوعی کوک در موسیقی ایرانی، راست کوک را معادل صدای مرد و چپ کوک را معادل صدای زن برای همراهی آواز در نظر میگرفته اند. (گویند وقتی گوشی تار را که متداولترین ساز آن زمان بوده به راست میگردانند سیمها شل و صدا بم تر میشد وقتی به چپ میگردانند سیمها کشیده و صدا نازکتر میشد و کوکهای چپ و راست از آنجا آمده است).

راست پنجگاه

یکی از هفت مقام اصلی موسیقی، بعضی از صاحب نظران که دستگاههای موسیقی ایران را پنج دستگاه دانسته اند راست پنجگاه را به علت یکی بودن فواصل گام آن با ماهور در ماهور دانسته اند، به دستگاه نگاه کنید.

راک

از واژه هندی راکا بمعنی نغمه و سرود گرفته شده گوشه ایست مفصل شامل راک هندی، راک کشمیر، راک عبدالله، نغمه راک و صغیر راک که در دستگاههای ماهور و راست پنجگاه آمده است.

رامش جان

نام یکی از سی لحن باربد و لحنی بوده است در موسیقی قدیم در برهان قاطع لحن هشتم از سی لحن باربد ذکر شده بمعنی آرامش جان. مثال از نظامی:

مغنی ره رامش جان بساز نوازش کنم زان ره دلنواز

رامشگر

خنیاکر، نوازنده. مثال از منوچهری:

ز رامشگران رامشی کن طلب که رامش بود نزد رامشگران

رامشی

سازنده آهنگ، خواننده، در لغت مخفف آرامش.

رامکلی

گوشه ایست در ابوعطا.

رامتین

چنگ نواز مشهور که رامین نیز آمده.

راوندی

گوشه ایست در دستگاههای راست پنجگاه و همایون . در لغت بمعنی نوعی گیاه .

راه

ره نیز آمده بمعنی پرده ، دستان و مقام موسیقی و اصول خوانندگی و نوازندگی را نیز گویند در لغت بمعنی هوش و طریق . مثال از نظامی :
ملک دل داده تا مطرب چه سازد
کدامین راه و دستان را نوازد

راه خارکش

یکی از الحان موسیقی قدیم .

راه پهلوانی

ره پهلوانی ، بمعنی نغمه و سرودی در موسیقی قدیم که خاص بزرگان و پیشروان آئین بهی و مزدیستی بوده است و سرود پهلوانی را از ساخته های باربد آورده اند .

راه خارکن

نام لحنی بوده است در موسیقی قدیم .

راه خسروانی

لحنی بوده است در موسیقی قدیم و سرودی مسجع از جمله تصانیف باربد ، سرود خسروانی نیز آمده ، به باربد نگاه کنید .

راه روح

راح روح ، لحنی بوده است در موسیقی قدیم و نام لحن هفتم از سی لحن باربد نیز آمده است .

راه زن

مطرب و سرودگو ، به راه نگاه کنید . مثال از حافظ :
چه راه میزند این مطرب مقام شناس
که در میان غزل قول آشنا آورد

راه شب‌دیز

به شب‌دیز نگاه کنید .

راه قلندر

لحنی بوده است در موسیقی قدیم ، کنایه از ترک و تجرد دنیا .

راه گل

یکی از الحان موسیقی قدیم دوره ساسانیان . مثال از منوچهری :
قمریان راه گل و نوش لبینا راندند صلصلان باغ سیاوشان با سرو و ستاه

راه ماوراءالنهری

لحنی بوده است در موسیقی قدیم . مثال از منوچهری :
هر که که زند قمری راه ماوراءالنهری گوید به گل حمری باده بستان بلبل

راهوی

گوشه ایست در دستگاههای نوا و سه گاه و یکی از الحان موسیقی قدیم و از جمله دوازده مقام مورد بحث کتب قدیم به اصفهانک نگاه کنید . راهوی و رهاوی نیز گفته شده . مثال از نظامی :
نکیسا در ترنم جادوئی ساخت پس آنکه این غزل در راهوی ساخت

رباب

به ضم اول ، سازبست بزرگ ، تنبور مانند انواع آن در کشورهای مختلف متداول است دارای شکمی بزرگ ، دسته ای کوتاه و برکاسه آن پوست آهو کشند بوسیله کمان (آرشه) نواخته می شده و امروزه آنرا با مضراب می نوازند مثالها از دیوان شمس :
فریاد رباب عشق از زخمه اوست ز نهار مگو همین ربابست رباب
هشیار ، ز من فسانه ناید مانند رباب بی کمانه

رَجَز

گوشه ایست در دستگاه چهارگاه ، ارجوزه نیز آمده بمعنی لغوی شعری که در هنگام جنگ در مقام مفاخرت و خودستایی خوانند و نام یکی از بحور شعر .

رحیم قانونی

(۱۳۲۴ - ۱۲۵۴ شمسی) نوازنده قانون که در پانزده سالگی به شام سفر کرد و در آنجا به آموختن قانون پرداخت و هشت سال بعد که به ایران بازگشت این ساز را همراه آورد و شهرت زیادی یافت . توضیح آنکه این ساز در ایران معمول بوده از این نظر اختراع آن را به فارابی نسبت میدهند .

ردیف

به مجموع گوشه های هر یک از مقامات موسیقی گفته میشود و نیز به ترتیب قرار دادن (از

نظر درجه بندی) گوشه های یک دستگاه را گویند و نیز مجموع مقامات ایرانی را گویند.

رضوی

گوشه ایست در دستگاه شور.

رُکُب

از جمله بیست و چهار شعبه موسیقی مورد بحث کتب قدیم، به نیریز نگاه کنید.

رنگ

آهنگ ضربی تند و یاسنگین که برای همراهی رقص بکار میرفته فورمی است ایرانی که معمولاً "در وزن $\frac{6}{8}$ می آید رنگ جزعی از ردیف بوده که معمولاً "در پایان ردیف می آمده و اکنون بطور مستقل نیز استفاده میشود.

رنگ دلگشا

قطعه ایست ضربی به فورم رنگ که در پایان دستگاه سه گاه بمعنی خاتمه آمده است.

رنگ شلخو

قطعه ایست ضربی به فورم رنگ که در پایان دستگاه چهارگاه آمده است.

رنگ شهر آشوب

قطعه ایست به فورم رنگ و بسیار مفصل که در دستگاههای شور، ماهور، همایون، چهارگاه و راست پنجگاه آمده. مثال از مجمع الادوار:

من ز شهر آشوب و از ضرب اصول می نگویم کان ترا باشد قبول

رنگ فرح

قطعه ایست ضربی به فورم رنگ که در دستگاه همایون آمده است.

رنگ فرح انگیز

قطعه ایست ضربی به فورم رنگ که در پایان آواز اصفهان آمده است.

رواشین

آهنگهای ضربی بی سخن که هر کدام نامی ویژه داشته است این واژه در عربی به چهرهء رواسین بکاررفته که مفرد آن راوسین و راوشین (راوشن نیز) آمده است، این لغت در کتابهای

المدخل الى الموسيقى نوشته ابونصر بن فارابی و الکافی فی الموسيقى نوشته ابی منصور حسین پور زیله اصفهانی که در قاهره چاپ شده بکار رفته (ص ۱۲۳ - ۱۲۶ هنر موسیقی روزگار اسلامی).

روتینیک

درجه دوم هر گام را گویند، در موسیقی غرب Sus Tonique گفته میشود.

روح الارواح

کوشه ایست در آواز بیات ترک.

روح افزا

کوشه ایست در دستگاه راست پنجهگاه.

روح انگیز

آوازخوان معروف که ردیف موسیقی رانزدعلینقی وزیر و حسین سنجری آموخت و صفحاتی از خوانندگی وی در دست می باشد.

رود

سازی است قدیمی که نام آن در کتب و اشعار قدما بسیار آمده و نیز بمعنی تارهای ساز، مثال از نظامی :
مغنی دگر باره بنواز رود پیاد آرز از آن خفتگان در سرود

رود ساز

مطرب و سازنده را گفته اند.

رودکی

ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی . وفات بسال ۳۲۹ هجری شاعر نابینای عهد سامانی که در نواختن چنگ و خوانندگی و آهنگسازی مهارت داشته است .
در یک مجلس شاعر چنگ بر میدارد و غزلی با این مطلع میخواند :
بوی جوی مولیان آید همی پیاد یار مهربان آید همی
و آن مجلس در پیشگاه امیر خراسان بوده که مدتی در کوچ و لشکرکشی های خویش از بخارا دور افتاده بود و یاد زیباییهای کنار جوی مولیان را زنده میکند و امیر نصر را (بموجب روایات) موزه بر پای نکرده و بی خودانه به بخارا میفرستد . مثال از رودکی :
رودکی چنگ بر گرفت و نواخت باده انداز کو سرود انداخت

روشن چراغ

یکی از الحان موسیقی دوره ساسانیان بوده است . مثال از منوچهری :
نوبتی پالیزبان و نوبتی سروسهی نوبتی روشن چراغ و نوبتی کاویزنه

ره

به راه نگاه کنید .

رُهاب

گوشه ایست در دستگاه شور ، در آواز اصفهان نیز آمده است .

ره باستان

راه و نغمه ای قدیمی ، در موسیقی قدیم . مثال از نظامی :
مغانه نوای مغانی بزن مغانی ره باستانی بزن

ره جامه دران

لحنی است از موسیقی قدیم . به جامه دران نگاه کنید .

ره راست

پرده و راهی در موسیقی قدیم ذکر شده است . مثال از خسرو شیرین نظامی :
نوا را پرده عشاق آراست در افکند این غزل را در ره راست

ره زن

به راه زن نگاه کنید . مثال از دیوان شمس :
مطربا این پرده زن ، کز ره زنان فریاد و داد خاصه آن ره زن که مارا اینچنین بر باد داد
مطربا این ره زدن ، زان ره زنان آموختی زانک از شاگرد آید شیوه های اوستاد

رو نمایان

درجه ششم هر گام را گویند که در موسیقی غرب Sus Dominante گویند

روی عراق

از جمله بیست و چهار شعبه موسیقی مورد بحث کتب قدیم . به تیریز نگاه کنید .

۱ - مغانی = منسوب به مغان ، شرابی که زردشتیان عمل آورده باشند .

ریتم

به ضرب نگاه کنید .

ویز

(در سازهای مضرابی) زخمه یا مضراب های پی در پی چپ و راست بدون درنگ . چنانکه
نغمه مسلسل افتد .

ز

زابل

گوشه ایست که در دستگاههای سه گاه، چهارگاه، همایون و راست پنجگاه آمده است. مثال
از بهجت الروح :
مقام تو اگر عشاق خیزد ز وی هم زابل و هم اوج ریزد

زابلی

نام یکی از بیست و چهار شعبه موسیقی مورد بحث کتب قدیم. به نیریز نگاه کنید.

زابل گبری

گوشه ایست که در دستگاه چهارگاه آمده است.

زادور

ارمنی یزدی، در ساختن سنتور، سه تار استاد بوده است. Tsatoar

زار و نزار

گوشه ایست در آواز دشتی، در تعزیه بسیار بکار رفته است (آواز رقیه خاتون).

زاغ

لحنی و قولی در موسیقی قدیم آمده است.

زاول

لحنی بوده است در موسیقی قدیم، زابل را هم گفته اند و نیز نام قوم و طایفه ای آمده
است مثال از بهجت الروح :
چو سازی پردهء عشاق را ساز نغم در زاول و در اوج پرداز

زائد

فاصله نیم پرده در موسیقی قدیم زمان فارابی .

زخمه

نواختن یک مضرب با سر انگشت یا دیگر چیزها بر ساز . مثال از دیوان شمس :
میزنی تو زخمه و بر میرود تا بگردون زیر و زارم روز و شب

زَکَش

و نیز زرکشی یکی از الحان موسیقی قدیم و نام آوازیست از جمله شش آواز موسیقی قدیم . به سلمک نگاه کنید .

زریاب

سراینده و نوازنده زبردست دربار هارون الرشید شاگرد اسحق موصلی .

زَلَزَل

منصور ، یکی از نوازندگان مشهور بریط از پیشروان کانون موسیقی عراق .

زنگ شتر

و زنگ شتر قدیم گوشه ایست دارای وزن ، که در دستگاههای سه گاه و چهارگاه آمده است .

زنگوله

گوشه ایست ضربی که در دستگاههای سه گاه ، چهارگاه ، راست پنجگاه آمده و از جمله دوازده مقام موسیقی مورد بحث کتب قدیم به اصفهانک نگاه کنید . زنگله نیز آمده و گویند نام پهلوانی بوده است تورانی .

زنگوله کبیر و زنگوله صغیر

کنایه از کوچک و بزرگ ، گوشه ایست ضربی که در دستگاه راست پنجگاه آمده است .

زنبور

نگاه کنید به پرده زنبور .

زیر افکن

گوشه ایست که در دستگاه ماهر نوازند ، زیر افکنند نیز آمده و مقامی از جمله دوازده مقام

مورد بحث کتب قدیم که آنرا کوچک نیز گفته اند به اصفهانک نگاه کنید .

زیر بزرگان

لحنی بوده است در موسیقی قدیم .

زیر چانه ای

وسیله ایست چوبی که در مواقع نواختن ویلن بین ویلن و صورت بمنظور ثابت قرار گرفتن ساز بکار میرود به بالشتک نگاه کنید .

زیر خرد

یکی از الحان موسیقی قدیم .

زیر قیصران

لحنی بوده است در موسیقی دوره ساسانیان . مثال از منوچهری :
گاه زیر قیصران و گاه تخت اردشیر گاه نوروز بزرگ و گاه نوای بسکینه

زیر کش سلمک

زیرکشهای سلمک گوشه های کوچکی هستند که در دستگاه شور ذکر شده اند .

زیر نمایان

درجه چهارم هر گام را گویند در موسیقی مغرب Sous Dominante است .

زیر و بم

در لغت بم بمعنی کلفت ترین تار بربط و زیر نازکترین تار آن و چون بربط (عود) مهمترین ساز موسیقی قبل از اسلام بوده نامگذاری آهنگها و نغمه ها بر پایه تارهای این ساز نهاده شده . مثال از دیوان شمس :
من بس کنم اما تو ، ای مطرب روشندل از زیر چو سیر آئی بر زمزمه بم زن

زیروستا

نام لحنی و سازی در موسیقی قدیم بوده است . مثال از منوچهری :
هر فاخته ای ساخته نائی دارد هر بلبلکی زیر و ستائی دارد

زنگانه

نام پرده و لحنی در موسیقی قدیم آمده است . در لغت نام رودخانه ای .

س

ساربانک

گوشه ایست در دستگاه چهارگاه .

سارنج

گوشه ایست در آواز ابوعطا ، سارنج نیز گفته شده بخود آواز ابوعطا نیز اطلاق شده .

ساز

کلیه آلاتی را که در موسیقی نوازند گویند . مثال از نظامی :

مغنی مدار از غنا دست باز	که این کار بی ساز ناید بساز
کسی را که این ساز یاری کند	طرب با دلش سازگاری کند

سازگری

نام پرده و لحنی بوده است در موسیقی قدیم که مرکب از عراق و صفاهان ذکر شده .

ساز نوروز

به ناز نوروز نگاه کنید .

ساقی نامه

فورمی است از موسیقی که با وزن اشعار ساقی نامه خوانده و نواخته میشود و از درآمدشروع شده و در گوشه های اصلی مقام گردش میکند و دارای ریتم دو چهارم سنگین می باشد در دستگاه ماهرآمده و بعضی صوفی نامه اصفهان را نیز میگویند (دیوان بعضی از شعرا قسمتی اشعار ساقی نامه دارد) .

سالار معزز

غلامرضا مین‌باشیان (۱۳۱۴ - ۱۳۴۰ شمسی) بعد از محمد صادق خان (رجوع شود به محمد صادق خان) سالار معزز، علاوه بر تحصیلاتی که در موسیقی غربی داشت ردیفهای موسیقی را آموخت و آهنگهای زیادی برای پیانو تنظیم و تصنیف نمود همچنین مارشها و سرودهای وطنی که تعدادی از آنها در دست می‌باشد مین‌باشیان از شاگردان لومر بود و بعد از وی مقام ریاست شعبه موزیک مدرسه دارالفنون را بدست آورد که بعد بنام مدرسه موزیک برای تعلیمات موسیقی به روش علمی فعالیت داشت.

ساوه‌ای

آقا جان، از آواز خوانهای قدیمی است که بمقام استادی رسید و استاد ملاکریم قزوینی بود.

سبز بهار

یکی از الحان موسیقی دورهٔ ساسانیان بوده است.

سبز در سبز

سبز اندر سبز - سبزه در سبزه نیز آمده، یکی از الحان سی لحن باربد که در برهان قاطع لحن نهم ذکر شده است و ثعالبی نیشابوری در غرر الاخبار ملوک الفرس و سیرهم ص ۶۹۶ منسوب به پهلبد آورده است. مثال از فردوسی:

همی سبز در سبز خوانی کنون بدین گونه سازند مردان فنون

سبزه بهار

افسر بهار نیز گفته شده، یکی از الحان موسیقی دورهٔ ساسانیان. مثال از منوچهری دامغانی:

بر سبزه بهار نشینی و مطربت بر سبزه بهار زند سبزه بهار

سبک

شیوه، روش خاص در ارائه کاری را گویند.

سپاهان

صفاهان، اصباهان، اصفهان نیز آمده، به اصفهان نگاه کنید.

سپرانو

وسعت صدای زیر در زنان.

سپهبدان

یکی از الحان موسیقی دوره ساسانیان. مثال از منوچهری :
چون مطربان نوازند نوا تخت اردشیر گه مهرگان خردک و گاهی سپهبدان

سپهر

گوشه ایست در دستگاه راست پنجگاه.

ستا

سازی است قدیمی مشهور به سه تار و نیز نام لحنی از موسیقی دوره ساسانیان آمده که
زیروستا گفته شده، به زیروستا نگاه کنید. مثال از نظامی :
ستای بارید آواز در داد سماغ ارغنون را ساز در داد

سر انداز

لحنی بوده است در موسیقی قدیم و نام اصولی است از جمله هفده بحر اصول موسیقی
قدیم که آنرا صوفیانه نیز خوانند.

سرایش

سلفژ، خواندن نت ها توام با اسم و آهنگ و کشش های تعیین شده آنها.

سرکب

نوازنده معروف دوره ساسانیان. مثال از فرخی :
شاعرانت چو رودکی و شهید مطربانت چو سرکش و سرکب

سرکش^۱

نوازنده بنام دوره ساسانیان و نیز نام لحن و پرده در موسیقی دوره ساسانیان در
دیوان منوچهری ذکر شده، به پرده سرکش نگاه کنید. مثال از فردوسی :
یکی مطربی بود سرکش بنام به رامشگری در، شده شاد کام

سُرنا

سورنایی است که در نقاره خانه و روزهای جشن و سور نوازند، ساز است دمیدنی دارای دو
زبانۀ مضاعف و آنرا نای رومی نیز گفته اند در لغت مرکب از دو کلمه سور بمعنی شادی و

۱ - سرکش، در مجمع الادوار آمده که شاید ایرانی الاصل نبوده و همان سرکیوس یونانی باشد.

نای که همان نی باشد . مثال از مولوی :
تو چو سرنای منی بی لب من ناله مکن
تا چو چنگت ننوازم ، ز نوا هیچ مگو

سرودستان
یکی از الحان موسیقی قدیم بوده است .

سرود
بمعنی نغمه و آواز طرب انگیز که چند نفر باهم بیک آهنگ بخوانند و این زمان نوعی
موسیقی محرک حماسی را گویند . مثال از نظامی :
مغنی سماعی بر انگیز گرم
سرودی بر آور به آواز نرم

سرود پاریسی
به پاریسی نگاه کنید .

سروستان
لحنی است از سی لحن باربد که در برهان قاطع لحن دهم آمده است . مثال از نظامی :
چو بر دستان سروستان گذشتی
صبا سالی به سروستان نگشتی

سروشهی
یکی از الحان موسیقی قدیم و نام لحنی از الحان باربد که در برهان قاطع لحن یازدهم
ذکر شده در لغت بمعنی سروی با شاخه های راست . مثال از نظامی :
و گر سرو سهی را ساز دادی
سهی سروش ، به خون خط باز داری

سروستاه
لحنی بوده است در موسیقی دوره ساسانیان . مثال از منوچهری :
ساعتی سیوار تیرو ساعتی کبک دری
ساعتی سروستاه و ساعتی با روزنه

سروش
گوشه ایست در دستگاه ماهور .

سروناز
یکی از الحان موسیقی قدیم بوده است .

سُری

علامتی است در موسیقی ایرانی که صداها را طبیعی را ربع پرده بالا میبرد. به دیز نگاه کنید. وجه تسمیه آنرا به گرن نگاه کنید.

سفید

یک دوم $\frac{1}{4}$ واحد موسیقی از نظر کشش یا سکوت نت (اگر واحد گرد فرض شود)

سکوت

برابر کشش اصوات موسیقی علاماتی بکار میرود که سکوت نام دارد و زمان اصوات را در سکوت میگذرانند.

سُل

یکی از هفت نت موسیقی. به دو نگاه کنید در موسیقی غربی G نوشته میشود.

سُلو

تک نوازی، تک خوانی.

سلمک

گوشه ایست در دستگاه شور و نام آوازیست از جمله شش آواز مورد بحث کتب قدیم که آن شهرناز، کردانیه، گوشت، مایه، نوروز و سلمک بوده است که بجای مایه و کردانیه، زرکشی و حجاز نیز آورده اند و این شش آواز را آوازه نیز گفته اند.

سلیمان اصفهانی

اولین نوازنده ماهر نی که در عصر حاضر از او نام برده شده است.

سلطان خانم

بانوی هنرمندی که در اندرون ناصرالدینشاه نوازنده تار و سه تار و مایه دان بوده است. تصنیف بتابنا در چهارگاه از ساخته های اوست.

سَماع

واژه عربی است بمعنی شنیدن، سماع مربوط به خانقاههای صوفیه است که در آنجا بدست افشانی و پایکوبی و خواندن آوازه های عرفانی می پردازند همچنین آورده اند: سماع بافتح اول در زبان فارسی بمعنی خاص سرود شنیدن است و مجازاً بمعنی وجد و حالت خاص

مشایخ است (حافظ خراباتی جلد چهارم)

سَماع حضور

حبیب ، نوازنده بنام سنتور که شاگرد محمد صادق خان بوده است و سالهای اولیه همراه ساز استاد ضرب می‌نواخته .

سَماعی

حبیب (۱۳۲۵ - ۱۳۸۰ شمسی) فرزند سماع حضور نوازنده ، ارزنده ، سنتور که بعدها بحق جانشین پدر شد شاگردان بسیاری از محضر موسیقی وی استفاده کردند و صفحاتی از نوازندگی او باقی مانده است .

سَمَلی

گوشه ایست در آواز دشتی .

سِن

صحنه ، به نمایش گذاردن هنر های نمایشی (رقص ، موسیقی ، تاتر)

سنتور

در عربی صنطور و سنطیر آمده ، ساز یست قدیمی که آورده اند ابونصر فارابی آنرا ساخته ، از جمله سازهای مضرابی که معمولا " از چوب گردو ساخته میشود سنتور ایرانی ساز یست محبوب و متداول دارای ۷۲ سیم که هر چهار سیم آن باهم یک صدا کوک میشود و نزدیک به ده نوع دیگر آن در کشورهای دیگر معمول است بوسیله دو مضراب چوبی بصدا در می آید . در کتب قدیمی از سنتور نام برده شده و در تورات بکرات از سازی بنام سینفونیاد اسم برده شده که آنرا سنتور ترجمه کرده اند . مثال از منوچهری :

کیک ناقوس زن و شارک سنتور زنست
فاخته نای زن و بط شده تنبور زنا

سنتور خان

محمد حسن ، حسن خان قدیمی ترین استاد سنتور که از او نام برده شده در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه از نوازندگان دربار بوده است . محمد صادق خان نوازنده زیر دست سنتور از شاگردان وی میباشد از نوازندگی وی صفحاتی در دست می باشد .

سنج

از جمله سازهای کوبه ای ، دو صفحه ، بزرگ فلزی مضاعف که بهم کوبیده میشود و در موزیک

نظام و عزاداریهای مذهبی بکار میرفته است و ضرب را بدان مراعات میکرده اند. معرب سنگ، که در ابتداء اولیه دو سنگ را برهم میزده اند.

سنجری

حسین، موسیقیدان ایرانی که به خطنیت آشنا بود و تار را در مکتب درویش خان آموخت و از محضر مرتضی نی داود استفاده نمود.

سوز و گداز

گوشه ایست در بیات راجع اصفهان که چنانچه راجع در همایون هم زده شود سوز و گداز را هم میشود آورد.

سنگپ

خطی است منحنی که ضرب ضعیف را به ضرب قوی وصل میکند و بر روی دو نت هم اسم و همصدا قرار میگیرد و بر دو نوع است سنگپ ساده که خط منحنی روی دو نت که دارای یک امتداد باشند گذارده میشود و سنگپ شکسته که خط منحنی روی دو نت که از حیث امتداد متفاوت باشند گذارده میشود.

سه تار

که بصورت ستاه در نوشته های عربی آمده است سازبست قدیمی ملی و مضرابی دارای کاسه کوچک و دسته باریک و بلند که بر آن پرده بسته میشود و با ناخن انگشت سبابه بصدا در می آید.

سه تائی

تریوله، هر یک ضرب از میزان ساده که به ترکیبی آن تبدیل شود.

سه چهارم

$\frac{3}{4}$ یکی از تقسیمات میزان در موسیقی است باین معنی که واحد کشش (اگر گرد فرض شود) بخش بر چهار شده و در هر میزان سه قسمت از آن بکار برده شده این کسر معرف میزان ساده سه ضربی است یعنی سه سیاه در هر میزان.

سه دوم

$\frac{3}{2}$ در موسیقی یکی از تقسیمات میزان است. به این معنی که واحد کشش (اگر گرد فرض شود) بخش بر دو شده و در هر میزان سه قسمت از آن بکار رفته، این کسر معرف میزان ساده سه ضربی است یعنی سه سفید در هر میزان.

سه گاه

یکی از هفت مقام اصلی موسیقی و نام پرده‌ای قدیمی بوده از دستگاه راست پنجگاه، سیگاه نیز آمده و یکی از جمله بیست و چهار شعبه موسیقی مورد بحث کتب قدیم به نیریزنگاه کنید.

سه لا چنگ

یک سی و دوم $\frac{1}{3}$ واحد موسیقی از نظر کشش یا سکوت نت (اگر واحد گرد فرض شود)

سه مضراب

فورمی است ضربی که در درآمد یا گوشه‌های ردیف میشود نواخت پایهء مشخص سه مضراب از نواختن سه مضراب پی در پی معمولاً "در سیمهای بم و زیر (در سازهای مضربی) بوجود می‌آید.

سه هشتم

$\frac{3}{8}$ یکی از تقسیمات میزان است در موسیقی، باین معنی که واحد کشش (اگر گرد فرض شود) بخش بر هشت شده و در هر میزان سه قسمت از آن استفاده شده این کسر معرف میزان ساده سه ضربی است یعنی سه چنگ در هر میزان.

سی

یکی از هفت نت موسیقی، به دو نگاه کنید در بعضی کشورهای غربی H و در بعضی C نوشته میشود.

سیاه

یک چهارم $\frac{1}{4}$ واحد موسیقی از نظر کشش یا سکوت یک نت (اگر واحد گرد فرض شود).

سیخی

گوشه ایست در آواز ابوعطا منسوب به سیخ‌ها که طایفه‌ای مذهبی از هندوها بوده اند.

سید جلال

صنعتگر ماهری که تارهای ساخت او معروف بوده است، سه تار نیز میساخته است.

سیگاه

به سه گاه نگاه کنید.

سیم گیر

قطعه کوچک چوب یا فلز در سازها که یک سر ثابت سیم و یا تارهای ساز بآن بسته میشود .

سینه مال

به مالش نگاه کنید .

سیوارتیر

یکی از الحان موسیقی دورهٔ ساسانیان مثال از منوچهری :
ساعتی سیوار تیر و ساعتی کبک دری ساعتی سرو ستاه و ساعتی با روزنه

ش

شاد باد

لحنی بوده است در موسیقی قدیم .

شادرُوان مروارید

یکی از الحان موسیقی قدیم و لحنی از سی لحن یارید که در برهان قاطع لحن دوازدهم آمده است . شادرُوان بمعنی سایبان و سراپرده ای که پیش ایوان سلاطین می کشیدند ، چون زیر شادرُوان این لحن ساخته و نواخته شده چنین نام گرفت وقتی خسرو پرویز این لحن را شنید ، فرمود طبقی مروارید بر سر یارید نثار کردند و بعد از آن شادرُوان مروارید نام گرفت .
مثال از نظامی :

چو شادرُوان مروارید گفتی لبش گفتی که مروارید سفتی

شادورد

نام پرده و لحنی در موسیقی قدیم آمده است و نام گنج هفتم است از جمله هفت گنج خسرو پرویز ، بمعنی لغوی طوق ، هاله و خرمن ماه ، به گنج سوخته نگاه کنید .

شاه ختائی

کوشه ایست که در دستگاههای سه گاه ، چهارگاه و نوا آمده و نیز در اصفهان گفته شده است . (شاه ختائی نوعی مثنوی خوانی است زیرا سیلابها کاملاً " با طرز مثنوی خوانی مطابق است . از آواز شناسی علینقی وزیر) .

شاوَرک

نام آوازیست قدیمی که آنرا نیشابورک هم گفته اند .

شاهرخ

رمضان، از صنعتگران ماهری که تارهای خوش صدائی میساخته است.

شاه رود

نام سازيست مانند نای که اغلب رومیان دارند و در بزم و رزم نوازند و تاریمی را نیز گفته اند که در اکثر سازها بندند و آن مقابل تار زیر است و شه تار نیز آمده به شهرود نگاه کنید.

شاهی

لحنی بوده است در موسیقی قدیم.

شاه یدی

یدالله میرزا، نوازنده نای که در نواختن قره نی نیز مهارت داشت.

شای ورد

به شاد ورد نگاه کنید.

شباب

نام پرده و لحنی بوده است در موسیقی قدیم.

شبدیز

نام لحن و نوائی در موسیقی قدیم آمده و نام لحنی از سی لحن بارید که در برهان قاطع لحن سیردهم ذکر شده بمعنی شبرنگ، سیاه رنگ و نام اسب خسرو پرویز. مثال از نظامی: چو در شب بر گزفتی راه شبدیز شدندی حمله آفاق شب خیز

شب فرخ

نام لحن و نوائی در موسیقی قدیم و نام لحنی از سی لحن بارید که در برهان قاطع لحن چهاردهم آمده است. مثال از نظامی: چو بر دستان شب فرخ کشیدی از آن فرخنده تر شب کس ندیدی

شَخج

نام لحنی بوده است در موسیقی دوره ساسانیان شاید واژه محلی بوده است. مثال از منوچهری: بامدادان بر چکک چون چاشتگان بر شخج نیمروزان با لبینا شامگاهان بر دنه

شش دانگ

اصطلاحی است در آوازخوانی، بمعنی اجرای کامل یک ردیف بین فواصل درآمد تا اوج بدون تغییر اکتاو بمعنی زیر و نازک خوانی هم آمده، دو دانگ خوانی و چهار دانگ خوانی بمعنی بم و نرم خوانی نیز اصطلاحات متداولی است.

ششگاه

پرده ای بوده است قدیمی که در راست پنجگاه نواخته میشده.

شش چهارم

$\frac{6}{4}$ در موسیقی یکی از تقسیمات میزان است به این معنی که واحد کشش (اگر کرد فرض شود) بخش بر چهار شده و شش قسمت از آن در هر میزان بکار رفته این کسر معرف میزان ترکیبی دو ضربی است یعنی شش سیاه در هر میزان.

شش شانزدهم

$\frac{6}{16}$ یکی از تقسیمات میزان در موسیقی است به این معنی که واحد کشش (اگر کرد فرض شود) بخش بر شانزده شده و شش قسمت از آن در هر میزان بکار رفته، این کسر معرف میزان ترکیبی دو ضربی است یعنی شش دو لا چنگ در هر میزان.

شش هشتم

$\frac{6}{8}$ در موسیقی یکی از تقسیمات میزان است باین معنی که واحد کشش (اگر کرد فرض شود) بخش بر هشت شده و شش قسمت از آن در هر میزان بکار رفته، این کسر معرف میزان ترکیبی دو ضربی است یعنی شش چنگ در هر میزان.

شکر توین

لحنی بوده است در موسیقی قدیم. مثال از منوچهری :
آخته چنگ و چلب، ساخته چنگ و رباب دیده به شکر لبان گوش به شکر تسوین

شکر ساز

یکی از الحان موسیقی قدیم بوده است.

شکسته

گوشه ایست در دستگاه ماهرور و نیز در آواز بیات ترک آمده است.

شمالی

گوشه ایست در آواز ابوعطا .

شور

یکی از هفت مقام اصلی موسیقی ایران . آوازهای ابوعطا ، افشاری ، دشتی ، بیات ترک از متعلقات این دستگاه هستند مقام شور سابقه ای کهن دارد در موسیقی یونان قدیم نظیر گام آن آمده شاید کهنه ترین نوای ما باشد (سرگذشت موسیقی جلد دوم) .

شوشتری

گوشه ایست در دستگاه هما یون .

شوشک

در دیوان فرخی نام سازی آمده است .

شهابی

گوشه ایست در آواز بیات ترک که امری هم گفته شده است .

شهر آشوب

به رنگ شهر آشوب نگاه کنید .

شهرود

شاهرود ، سازی بوده است مضرابی بسیار قدیمی ، فارابی درباره آن چنین گفته است ، شاهرود در زمان ما اختراع شده و بیش از این شناخته نبود و یکی از مردم سمرقند که حکیم پوراحوص نام داشت آنرا ساخت ، نخست به سرزمین ماد و سپس به سرزمین سفد و بابل و بغداد و شام و مصر برده شد و همه آهنگهای این کشورها را با آن زدند و کسی هیچکدام را ناهنجار ندانست .

شهناز

گوشه ایست در دستگاه شور و نام آوازی از جمله شش آواز مورد بحث کتب قدیم به سلمک نگاه کنید . مثال :

قوم در ناقوس دادندی نظر من به شهناز است رویم بیشتر

شهنازی

علی اکبر ، متولد بسال ۱۲۷۶ شمسی در خانواده ای که بیش از صد سال در ایران

به هنرمندی معروف بوده است متولد شده، وی فرزند بزرگ آقا حسینقلی استاد تار است و موسیقی را از مکتب پدر آغاز نمود و در ۱۸ سالگی نوازندهٔ ماهری بود شهنازی آهنگها و تصنیف‌هایی ساخته همچنین در تمام دستگاهها پیش درآمد و رنگ‌هایی ساخته است، صفحات بسیاری از نوازندگی استاد در دست می‌باشد همچنین صفحه افشاری با آواز جناب دماوندی که در ۱۲۹۰ شمسی در سن چهارده سالگی وی ضبط شده است.

شیشاک

رباب چهار تار (فرهنگ معین)

شیپور

سازيست بادی، فلزی که از آلات موسیقی جنگی بوده است.

شیدا

علی اکبر، تصنیف ساز قدیمی که شعر و آهنگ را خود میسرآید و بسیاری از آثارش در دسترس می‌باشد.

شیرازی

قطب‌الدین، اهل شیراز وفات بسال ۷۱۰ هـ موسیقی شناس که قسمتی از کتاب اودره‌التاج در مبانئ موسیقی است.

شیرازی

داود، از نوازندگان خوب تار که در نواختن سه تار نیز مهارت داشت.

شیشم

نوعی ساز بوده و نام قول و لحنی از مصنفاًت باربد آمده است. مثال از منوچهری :
دُرَاج اَکشد شیشم و قالوس همی بی پرده تنبور و نی ورشته چنگ

۱ - دُرَاج نام پرنده‌ای بوده است.

ص

صبا

ابوالحسن نوازندهٔ ماهر ویلن متولد ۱۲۸۱ شمسی فرزند کمال السلطنه، نخست سه تار را از میرزا عبدالله و درویش خان آموخت و چون علاقهٔ خاصی به موسیقی داشت، سنتور را از علی اکبر شاهی، ضرب را از حاجی خان، کمانچه را از حسین خان اسمعیل زاده و ویلن را از هنگ آفرین آموخت. صبا از شاگردان ممتاز مدرسهٔ وزیری بود، صبا شاگردان بسیاری تعلیم داد از وی آثار چاپ شده و صفحات موسیقی بسیاری بجا مانده است.

صبا

حسین، نوازندهٔ سنتور از شاگردان هنرستان عالی موسیقی که پیانو نیز بخوبی مینواخت کتاب خود آموز سنتور از تألیفات وی می باشد آهنگها و آثاری از نوازندگی وی در دست است. فوت صبا بسال ۱۳۳۹ بوده است.

صبا به

انگشت اول و پردهٔ اول بر اسبابهای معمول موسیقی قدیم (زمان فارابی) که انگشت بر روی پردهٔ همانم خود قرار میگرفته است.

صدا

آواز، بانگ.

صد داستان

شمارهٔ الحان باربد در بعضی کتب صد و در بعضی سیصد و شصت آمده. مثال از نظامی: چنان زن نوا از یکی تا به صد که در بزم خسرو زدی باربد

صدری

نام گوشه ایست در دستگاه شور که در آواز افشاری نیز آمده است.

صفا

گوشه ایست در دستگاه شور.

صفائی

یوسف، معروف به یوسف خان ظهیرالدوله ای نوازنده تار که از شاگردان آقا غلامحسین بوده است.

صفی الدین ارموی

(۶۹۳ - ۶۱۳ هـ) نوازنده عود، و موسیقی شناس نامی که در ارومیه بدنیا آمد و در بغداد فوت کرد. از کتب معروف او در مبانی موسیقی شرفیه والادوار می باشد.

صِفار

فواصل نامطبوع، اصطلاحی از موسیقی قدیم.

صُلحی

دکتر مهدی صلحی، ملقب به منتظم الحکما نوازنده تار از شاگردان خوب میرزا عبدالله که بمقام استادی رسید و بعضی او را جانشین میرزا عبدالله دانسته اند. سه تار را نیز نزد محمد صادق خان فراگرفت و بکمک مهدیقلی هدایت کتابی از ردیف موسیقی میرزا عبدالله تهیه کرد که تحریر آن هفت سال طول کشید و اکنون موجود است.

صوت

بانگ، آواز، آوازه، که جمع آن اصوات است. سرعت سیر صوت در هر ثانیه ۳۳۳ متر است

صوفی نامه

فورمی است از موسیقی ایران دارای وزن که با اشعار ساقی نامه خوانده میشود، در آواز اصفهان و دستگاه ماهور آمده است.



ض

ضد ضرب

سکوت بر روی قسمت قوی ضرب را گویند.

ضرابی

ملوک، آواز خوان.

ضرب

ریتم، یکی از تقسیمات میزان است، بمعنی زمان معینی که برای اجرای نتها در نظر گرفته شود. مثال از سعدی:

همچو چنگم سر تسلیم و ارادت در پیش تو بهر ضرب که خواهی بزن و بنوازم

ضرب

چون اصول وزن را در موسیقی ایرانی با تمبک نگاه میدارند لذا کلمه ضرب به معنی تمبک نیز اطلاق شده به تمبک نگاه کنید. مثال از مولوی:

خدایا مطربان را انگبین ده برای ضرب دستی آهنین ده

ضرب اصول

رنگ اصول نیز آمده وزن خاصی بوده به فورم رنگ (در ردیف منتظم الحکا $\frac{12}{8}$ نوشته شده) که سابقه بسیار قدیمی دارد و در دستگاه شور می آمده و در ردیفهای کنونی نیز در شور آمده. مثال از حافظ:

که بار غم بر زمین دوخت پای به ضرب اصولم بر آور ز جای

مثال از سعدی:

بدوستی که ز دست تو ضربت شمشیر چنان موافق طبعم آید که ضرب اصول

و در ردیف نورعلی خان برومند گفته شده که این رنگ خاص مجلس اعیان و نجبا بوده است.

ضربی

فورمی است در موسیقی ایران که بر روی وزن شعر بداهتا "خوانده و نواخته میشود ، و به گوشه های مختلف میرود معمولا " در وزن $\frac{6}{8}$ سنگین است .

ط

طبل

سازيست کوبه ای و رزمی که در ایران و خاورمیانه متداول است دارای چنبر چوبی بزرگ که بر دو دهانه آن پوست کشیده میشود و با تسمه هائی که در اطراف دارد میشود پوست را کمی محکم تر و یا شل تر نمود و باین طریق در زیر و بمی صدا تغییراتی داد بوسیله دوچوب مساوی و باریک به صدا درمی آید .

طرب انگیز

گوشه ایست در دستگاه ماهرور . مثال :
گر ترا جام از صفا لبریز نیست
نغمه ام بی شک طرب انگیز نیست

طرز

گوشه ایست که در دستگاههای ماهرور ، راست پنجگاه و همایون آمده است در لغت بمعنی قانون و روش .

طریق

بمعنی راه ، به راه نگاه کنید .

طنبور

به تنبور نگاه کنید .

طوسی

گوشه ایست در دستگاه ماهرور ، بعضی نصیر خوانی را نیز گفته اند .

طاهرزاده

سید حسین (۱۳۳۴ - ۱۲۶۱ شمسی) تنها کسی است که در میان خوانندگان قدیم که دارای سبکی ممتاز بوده است، تحریرهای متنوع و توجه کامل به درست ادا کردن اشعار داشته، چند نمونه از صفحاتش که با تار درویش خان همراه بوده هنوز موجود است.

طنینی

که با اختصار "ط" نشانه گذاری شده پردهء بزرگ = $(2L + C)$ در گامهای موسیقی قدیم ایران بعد از اسلام فاصلهء دوم بزرگ را گویند.

ظ

ظلی

رضا قلی میرزا، از خوانندگان بنام موسیقی ایران (۱۳۲۴ - ۱۲۸۵ شمسی) ظلی شاگرد اقبال اذر بود از وی صفحات بسیاری همراه ویلن صبا و پیانوی مشیر همایون شهردار باقی مانده است.

ع

عارف قزوینی

(متولد ۱۲۵۹ شمسی) شاعر تصنیف ساز حماسی که آهنگ و شعر تصانیف را خود میسرود
عارف اولین تصنیف ساز است که مضامین اجتماعی و افکار سیاسی را در قالب شعر و آهنگ
مجسم کرده و موسیقی را وسیله نشر و تبلیغ عقاید انقلابی نموده ، میتوان وی را پیشرو
این سبک در ایران دانست دیوان عارف شامل کلیه آثار و سرگذشت وی در دسترس میباشد .

عاشق کش

گوشه ایست در دستگاه شور که عقده گشا نیز گفته شده .

عبادت

یک نوع مثنوی در اصفهان ذکر شده است (آوازشناسی وزیری)

عبادی

احمد ، بسال ۱۲۸۵ شمسی در خانواده ای متولد شد که بیش از صد سال به هنرمندی
معروف بوده اند عبادی فرزند میرزا عبدالله استاد تار است اصول نوازندگی را نزد خواهران
خود که از تعلیمات پدر برخوردار بودند آموخت گویند در ۱۸ سالگی سازش شنیدنی بود
عبادی نه تنها از لحاظ ذوق نوازندگی جانشین پدر شد بلکه از جهت حسن خلق و ادب
و مهربانی بهترین یادگار میرزا عبدالله است .

عبدالخالق اصفهانی

از شاگردان نایب اسدالله که در نواختن نی مهارت داشت .

عبدالقادر مراغه ای

مراغی ، وفات ۸۳۸ هـ ، موسیقی شناس معروف که کتب بسیاری در مبانی موسیقی نوشته از

جمله: مقاصدالالحان، جامع الالحان، شرح الادوار، کتاب الادوار، تفاوت الادوار، و کتاب کنزالالحان که از بین رفته است.

عباس صنعت

صنعتگر ماهری که تارهای خوش صدائی میساخته است.

عجب روز

عجب رود هم آمده یکی از سازهاست که می نوازند و گویند از نوع دمیدنی است و بعضی صدا و آواز نی را عجب رود گویند.

عذری

لحنی است قدیمی که در دایره^۱ ملایم آوازا ذکر شده، کنایه از معشوقه وامق که داستانی است مشهور.

عراق

گوشه ایست که در دستگاههای نوا، ماهور، راست پنجگاه و آواز افشاری آمده است و لحنی است قدیمی در موسیقی و یکی از جمله دوازده مقام موسیقی قدیم به اصفهانک نگاه کنید. مثال از نظامی:

عراقی وار بانگ از چرخ بگذاشت به آهنگ عراق این بانگ برداشت

عشاق

گوشه ایست که در دستگاههای راست پنجگاه و نوا آمده، اوج بعضی آوازا را نیز گفته اند عشاق نام لحنی است قدیمی و مقامی از جمله دوازده مقام مورد بحث کتب قدیمی. به اصفهانک نگاه کنید. مثال از منوچهری:

بر سر سرو زند پرده^۲ عشاق تذرو^۱ وُرشان^۱ نای زند بر سر هر مغروسی^۲

عزال

گوشه ایست در دستگاههای شور و همایون، از جمله بیست و چهار شعبه موسیقی مورد بحث کتب قدیم. به تهریز نگاه کنید. مثال از کتاب مجمع الادوار:

پس از زنگوله اندر نغمه قوال بخواند چارگاه آنگاه عزال

۱ - نوعی کبوتر صحرایی که آنرا مرغ الهی نیز گویند.

۲ - درخت.

عشقی

صنعتگر ماهری که سه تار ساز خوبی بوده است.

عشیران

گوشه ایست در دستگاه نوا. در لغت جمع عشیره بمعنی قبایل، طوایف از جمله بیست و چهار شعبه موسیقی قدیم به نیریز نگاه کنید. مثال از کتاب مجمع الادوار:

چو آمد بو سلیک از پردهٔ راز عشیران و صبا را گشت دمساز

عقده گشا

گوشه ایست در دستگاه شور، عاشق کش نیز گفته اند.

علامت ترکیبی

علاماتی را گویند که اول قطعه بعد از کلید بر روی خطوط حامل گذارده میشود و در طول اجرای قطعه صدای نت ها را متغیر نگه میدارد.

علامت عرضی

علاماتی هستند که قبل از انتها طرف چپ آنها قرار میگیرند و موقتا " صدای آنرا نیم پرده و یا دو نیم پردهٔ کروماتیک بالا یا پائین میبرند این علامت برای تغییرات موقتی ربع پرده ای نیز بکار میرود.

علامت میزان

عدد کسری که اول قطعه موسیقی بعد از کلید میگذارند و نشان دهندهٔ تقسیمات واحد ضرب در هر میزان است.

علی اکبر شاهی

(۱۳۵۲ - ۱۲۳۶ شمسی) فرزند حسنعلی خان ملقب به امیرخان (که سنتور را از شخصی که اهل هندوستان و نوازندهٔ دربار ناصری بود فرا گرفته بود) علی اکبر نیز سنتور را از پدر اموخت و پس از فوت وی از تعلیمات استادانهٔ محمد صادق خان استفاده نمود و نوازندهٔ درباری شد وی بسال ۱۳۵۲ شمسی در سن شصت و شش سالگی بدرواحیات گفت وی در نواختن تار نیز دست داشته و در سنتور از سه خرک اضافه استفاده میکرده و با دوازده خرک نوازندگی میکرده است.

علی خان

معروف به نایب السلطنه که نوازندهٔ نی و در دورهٔ ناصری اوازخوان بنامی بوده است.

علی محمد صفائی

(۱۳۱۸ - ۱۲۷۶ شمسی) صنعتگر ماهری که در ساختن سه تار سرآمد همه سه تارسازان بوده و سه تار را با قطعات متعدد کوچک بطرز زیبایی میساخته و درویش خان بهمین سبب مدالی بوی داد.

عندلیب

نام سازيست قدیمی که در کتب قدیم ذکرش بسیار آمده بمعنی بلبل.

عَنقا

نام سازی بوده که بگفتهٔ ابن سینا شبیه قانون بوده است، این بیت منسوب است به فرخی سیستانی:

گهی سماع زنی گاه بربط و گه چنگ
گهی چغانه و طنبور و شوشک و عنقا

عود

این ساز که در اصل همان بربط ایرانی است از سازهای بسیار قدیمی است، اول دفعه فارابی بشرح آن پرداخت و چون آنرا از سایر سازهای معمول زمان خود کاملتر دانسته آن را مورد آزمایش قرار داد و سایرین نیز از او پیروی کردند باصطلاح قدما عود دارای چهار سیم بوده و بعد سیم پنجمی بآن اضافه شده در ابتدا سیمهای عود فرد بوده ولی بعد ها برای آنکه صدای آن قویتر شود هر یک راجفت بسته اند. به بربط نگاه کنید. مثال از نظامی:

ز دود دل گره بر عود میزد
که عودش بانگ بر داود میزد

عیسی آقا باشی

آواز خوان ماهری که به ردیف موسیقی تسلط کامل داشته و تمک را بخوبی مینواخته است.

غ

غلامحسین خان

صنعتگر ماهری که تارهای ساخت او معروف بوده است .

غم انگیز

گوشه ایست در آواز دشتی .

غنا

بمعنی آواز و صوت خوش . مثال از نظامی :

معنی غنا را در آور بجوش که در باغ بلبل نباید خموش

غنا ساز

خواننده ، آواز خوان .

غنچه

لحن و نوائی بوده است در موسیقی قدیم .

غیچک

قیچک و غژک نیز آمده ، نام سازبست محلی ، زهی که بوسیله کمان بصدا درمی آید و در بیشتر نقاط ایران بخصوص در نواحی جنوب استفاده میشود . این ساز را غالبا " از چوب درخت توت می سازند دارای شکم بزرگ و دسته کوتاه روی قسمتی از آن پوست می کشند و خرک بر روی پوست قرار دارد و مانند کمانچه بدست میگیرند .

غنچه کبک دری

نواهی در موسیقی قدیم ذکر گردیده، نظامی آنرا لحن بیست و ششم از سی لحن باریسد آورده، کبک دری و پنجه کبک دری نیز گفته شده، در لغت بمعنی کبکی درشت تر که در کوه و دره بسر میبرد. مثال از نظامی:

چو کردی غنچه کبک دری تیز ببردی غنچه کبک دلاویز

ف

فا

یکی از هفت نت موسیقی، به دو نگاه کنید در موسیقی غربی F نوشته میشود.

فارابی

ابونصر محمد بن فارابی اهل فاراب خراسان (۳۳۹ – ۲۵۹ هـ ق) فیلسوف ایرانی که عود بخوبی می‌نواخت. فارابی اولین کسی است که در دورهٔ اسلام کتب موسیقی علمی بزبان عربی نوشته معروفترین آن الموسیقی الکبیر می‌باشد کتاب فوق در قوانین صداها و نسبت آنها از نظر ریاضی بوده و دربارهٔ کلیه سازهای معمول آن زمان شرح داده شده است. (کتاب موسیقی فارابی دکتر مهدی برکشلی).

فاصله

نسبت صدای بین دو نت از نظر زیر و بمی را گویند.

فاصله افزوده

اگر به فواصل درست و بزرگ نیم پردهٔ کروماتیک اضافه شود فاصله افزوده میشود.

فاصله بزرگ

فواصل بین درجات دوم، سوم، ششم و هفتم گامهای بزرگ و دوم و هفتم گامهای کوچک نسبت به تنیک فواصل بزرگ هستند. و نیز دوم بزرگ یک پرده – سوم بزرگ دو پرده – ششم بزرگ چهار پرده و یک نیم پرده و هفتم بزرگ پنج پرده و یک نیم پرده می‌باشد.

فاصله بیش افزوده

هرگاه به فاصله افزوده ای ربع پرده اضافه شود آن فاصله بیش افزوده است.

فاصله بیش بزرگ

هرگاه به فاصله بزرگی ربع پرده افزوده گردد آن فاصله را بیش بزرگ نامند .

فاصله بیش درست

هرگاه به یک فاصله درست ربع پرده اضافه شود آن فاصله بیش درست است .

فاصله ترکیبی

فاصله بین دو نت که از حد اکتاو تجاوز نماید .

فاصله درست

فواصل بین درجات چهارم ، پنجم و اکتاو گامهای بزرگ و کوچک نسبت به تنیک فواصل درست هستند . هم صداها جزء فواصل درست هستند .

فاصله دولا افزوده

دو نیم پرده^۶ کروماتیک از فواصل بزرگ و درست بیشتر است .

فاصله دولا کاسته

دو نیم پرده^۶ کروماتیک از فواصل کوچک و درست کمتر است .

فاصله^۷ ساده

فاصله^۷ بین دو نت که از حدود اکتاو تجاوز نکند .

فاصله کاسته

اگر از فواصل کوچک و درست نیم پرده^۶ کروماتیک کم شود کاسته میشوند .

فاصله کم کاسته

هرگاه از فاصله^۷ کاسته ای ربع پرده کم شود آن فاصله کم کاسته میشود .

فاصله^۸ نیم بزرگ

هرگاه از یک فاصله^۷ بزرگ ربع پرده کم شود آن فاصله نیم بزرگ (کم بزرگ) است . و چون این فاصله مترادف با فاصله^۷ بیش کوچک می باشد و فاصله^۷ بیش کوچک بعلت مترادف بودن جزء سه فاصله محذوف (کم افزوده - بیش کوچک - بیش کاسته) می باشد و برای آنکه در معکوس آن از نظر نام دچار اشکال نشویم آنرا نیم بزرگ نامیده اند .

فاصله کم درست

هرگاه از یک فاصله درست، ربع پرده کم شود، آن فاصله کم درست است.

فاصله کوچک

فاصله بین درجات سوم و ششم گامهای کوچک نسبت به تنیک فواصل کوچک هستند و نیز دوم کوچک نیم پرده - سوم کوچک یک پرده و یک نیم پرده - ششم کوچک سه پرده و دو نیم پرده و هفتم کوچک چهار پرده و دو نیم پرده می باشد.

فاصله کم کوچک

هرگاه از یک فاصله کوچک ربع پرده کم شود فاصله کم کوچک میشود.

فاصله متصل

پیوسته، فاصله بین دو نت پی در پی را متصل گویند. مانند "سل" تا "لا"

فاصله منفصل

کسسته، دو نت دور از هم که بین آنها نتهای دیگری واقع شوند را فاصله منفصل گویند. مانند "ر" تا "لا".

فاصله نفمکی

ملودیک، فاصله بین دو نت که پی در پی شنیده شوند. مانند "دو" تا "ر"

فاصله هماهنگ

آرمونیک، دو نت فاصله که باهم شنیده شوند. مثل "دو" و "می" که باهم شنیده شوند.

فرخ روز

یکی از الحان موسیقی قدیم است. و نام لحنی از سی لحن یارید در نظامی، در برهان قاطع لحن بیست و هفتم آمده است. مثال از نظامی:
چو یارش راء فرخ روز گشتی*
زمانه فرخ و فیروز گشتی

فرصت شیرازی

میرزا نصیر، موسیقی شناس و مؤلف کتاب بحورالالحان که در رابطه شعر و موسیقی از نظر وزن و بیان است. که بسال ۱۲۹۳ شمسی بچاپ رسید.

فَرَنگ

گوشه ایست در دستگاههای همایون و راست پنجگاه .

فروتَن راد

احمد ، موسیقیدان ، که از شاگردان مدرسهٔ موزیک بوده است و آهنگها و تاءلیفاتی از وی بجا مانده . همچنین تاءلیفاتی در مبانی موسیقی .

فِرود

بازگشت از گوشه ها (که در درجات مختلف نواخته میشوند) به مقام اصلی .

فلوت

از جمله سازهای دمیدنی ، لوله ای استوانه ای شکل باریک که فلزی و چوبی آن مورد استفاده است . این ساز در اواخر دورهٔ ناصری برای استفاده در موزیک نظام به ایران آمد و بعدها نوازندگان ایرانی با سانی و بطور کامل موسیقی ایران را با آن نواختند انواع آن در پرده های مختلف در موسیقی غربی متداول است .

فِیلی

گوشه ایست که در دستگاه ماهور و اواز بیات ترک آمده است .

ق

قاشقک

نوعی ساز کوبه ای است ، کوچک و جویی که در یک دست گرفته میشود و با تکان دادن آن دو چوب کوچک مضاعف که در طرفین سر آن واقع شده بهم خورده و بصدا درمی آید .

قالوسی

یکی از الحان موسیقی قدیم است . قالوسی نیز آمده . مثال از منوچهری :
برزند نارو بر سروسهی ، سروسهی
برزند بلبل بر تارک گل قالوسی

قانون

سازپست بسیار قدیمی که هنوز متداول است اختراع این ساز را به ابونصر فارابی نسبت میدهند انواع مختلف قانون در کشورهای دیگر چون ترکیه ، مصر ، بغداد معمول است سازپست مضرابی که تارهای آن از زه است و بوسیله دو مضراب کوچک که به دو انگشت سبابه بسته میشود بصدا در می آید این ساز از چوب ساخته میشود و خرک آن بر روی پوست (معمولاً پوست اهو یا ماهی) قرار میگیرد .

قَجَر

گوشه ایست در دستگاه شور .

قَرچِه

گوشه ایست که در دستگاههای شور و راست پنجهگاه آمده است .

قُرَاب

سید حسین ، خواننده فرزند سید زین العابدین قراب که خواننده دربار ناصری بود . در

نواختن تمبک مهارت داشت به اجرای ردیف موسیقی آشنا بود و تصنیفهای عارف را که تازه معمول شده بود اجرا میکرد.

قَرائی

گوشه ایست که در آواز افشاری آمده است.

قره نی

از جمله سازهای بادی چوبی لولهء استوانه باریک، سازبست غربی که در دورهء ناصری به ایران آمد و در موزیک نظام بکار رفت بعدها نوازندگان ایرانی ردیف موسیقی ایران را با آن بخوبی اجرا کردند. انواع آن در پرده های مختلف در موسیقی غربی متداول است وازه ترکی است بمعنی نی سیاه.

قزویی

ملاکریم، آواز خوان زبردستی که سمت استادی اقبال آذر را داشت.

قزویی

جواد خان کمانچه کش معروف دربار ناصری، وی تعزیه خوان بوده و آواز خوشی داشته وقتی بهمراهی ساز خود میخوانده بسیار مطلوب و دلنشین بوده است.

قطار

گوشه ایست در آواز بیات ترک، در ایلات کرد بسیار معمول است و اغلب با اشعار باطاهر و یا دوبیتی هائی همراه است.

قطعه

بیک آهنگ کامل موسیقی با کلام و بدون کلام اطلاق میشود.

قفلِ رومی

نام لحن و نوائی در موسیقی قدیم آمده است و لحنی از سی لحن بارید که در برهان قاطع لحن پانزدهم آمده. مثال از نظامی:

چو قفلِ رو می آوردی در آهنگ گشادی قفل گنج از روم و از زنگ

قَلندر

به راه قلندر نگاه کنید و نیز نام تار معروف استاد آقا علی اکبر فراهانی بوده است.

قلی خان

نوازندهٔ ماهر کمانچه دربار ناصری .

قلی خان شاهی

تعزیه خوان معروفی که صدای نازکی داشته و بسیار مؤثر میخوانده بخصوص آواز دشتی را در نقش زینب خوب از عهده بر میآوده . وی از خوانندگان بنام اواخر دورهٔ ناصری و دورهٔ مظفرالدین شاه بود صفحاتی از وی بجا مانده که در آنها آواز و قطعات ضربی خوانده است مانند مخالف سه گاه همراه سنتور میرزا علی اکبرخان .

قلی خان یاور

نوازندهٔ قره‌نی ایرانی که افسر موزیک بود صفحاتی از نوازندگی او باقی است از جمله : تکنوازی در همایون که بخوبی از عهده برآمد .

قمری

نگاه کنید به پردهٔ قمری .

قوامی

حسین ، ملقب به فاخته ، آواز خوان که به ردیف موسیقی ایران آشنائی کامل دارد .

قمیش

واژه ترکی است و در موسیقی ایرانی زبانه آمده قطعه نی کوچک ساخته و پرداخته ایست که برای ایجاد صدای مخصوص (تن) سازهای زبانه دار در آنها بکار میرود بطورتنها و مضاعف در سازهای مختلف بادی (سرنا) استفاده میشود .

قول کاسه گر

قول و نواژی در موسیقی قدیم آمده است ، کاسه گری نیز گفته شده ، به کاسه نگاه کنید .

قهرمانی

اسماعیل فرزند ابراهیم متولد ۱۲۵۸ شمسی از نوازندگان خوب تار بوده است ، تار را نزد سیدحسین خلیفه آغاز نمود و بمدت دوازده سال در مکتب میرزا عبدالله بآموختن ردیفهای موسیقی پرداخت از شاگردان بنام او میتوان نورعلی خان برومند را نام برد .

قیصران

یکی از الحان موسیقی قدیم . مثال از منوچهری :

به جوش اندرون دیگ بهمنجنه بگوش اندرون بهمن و قیصران

ک

کاسه

بمعنی طبل و کوس و نقارهٔ بزرگ آمده و کاسه گاه بمعنی نقاره خانه، کاسه گرمعنی نقاره نواز و نیز کاسه نواز آمده.

کاویزنه

یکی از الحان موسیقی قدیم. به مثال روشن چراغ نگاه کنید.

کبک دری

به غنچهٔ کبک دری نگاه کنید.

کُر

آواز دسته جمعی چهار بخشی که دو بخش زنان و دو بخش مردان تواما "می خوانند و نیز نام سازبست بادی غربی.

گردان

به گردانیه نگاه کنید.

کُرد بیات

به بیات کرد نگاه کنید.

کرشمه

فورمی است در موسیقی ایران دارای وزن معمولاً "سه ضربی که با کلام و بدون کلام در درآمد و گوشه ها آمده، اصیلترین فورم آن بر روی وزن شعر (هزار مرتبه بهبه) است.

کُرُن

علامتی است در موسیقی که صداهاى طبیعى را ربع پرده پائین می‌آورد ، به دیزنگاه کنید لازم به توضیح است که اصطلاحات کرن و سُرِى هر کدام بحروف ابجد برابر عدد ۲۷۰ است که علینقی (نام کوچک استاد وزیری) نیز به ابجد برابر همین عدد است و پیدایش این دو لفظ در ایران منسوب به وی میباشد .

کَرِنَا

سازيست دمی‌دنی بزرگ بدون هیچگونه انگشت گذاری تقریباً " بطول چهار متر که در عزاداریهای مذهبی استفاده میشده ، خرناى نیز گفته شده که خر بمعنی بزرگ است . مثال از فردوسی :

خروشیدن کوس با کرناى همان زنگ زرین و هندی درای

کَسَائِی

حسن ، فرزند سید جواد نوازندهٔ زبردست نی که مدت دوازده سال از مکتب استاد خود نوائی کسب موسیقی نمود و بمقام استادى رسید از کسائی شاگردان بسیار و نیز آثاری از نوازندگی وی در دست می‌باشد .

کَسْرِی

یکی از الحان موسیقی قدیم .

کُشته

گوشه ایست در دستگاه ماهور که کشته مرده هم آمده است .

کُشور خانم

ملقب به فرخ لقا ، خواهر بزرگ حسین یاحقی ، بانوی هنرمندی که آوازی خوش داشت و کمانچه را نزد حسین خان اسمعیل زاده و سنتور را نزد سماع حضور فرا گرفت که کمانچه را بهتر می‌نواخت .

کُلِیفُون

به حسن لبه نگاه کنید .

کمانچه

سازيست زهی و قدیمی که با کمان به صدا درمی‌آید و بعلت وسعت صدای زیادش بیش از

سایر سازهای زهی ایرانی مورد استفاده قرار گرفته، این ساز را از چوب می‌سازند و بر روی کاسه آن پوست می‌کشند کمانچه را عمودی به دست میگیرند و کمان را بطور افقی بر آن می‌کشند کمانچه دارای سه سیم بوده که دو سیم اول از ابریشم تابیده و سیم سوم را فلزی می‌انداختند بعد از آمدن ویلن به ایران سه سیم اول را فتری کردند و برای سیم چهارم از سیم ماندولین استفاده میکردند. در دیوان عارف آمده:

کمانچه مانده و سنتور و تار تا زود است به حکم شرع پرهر سه باز کنید

کمانه

جوبی کمان شکل که موی دم اسب بر آن بندند و بعضی سازها چون غیچک و کمانچه را با آن بصدا درمی‌آورند چون در زمان مظفرالدینشاه ویلن به ایران آمد کمانه موقعیت خود را از دست داد و بجای آن بیشتر از آرشه استفاده میشود.

کوچک

در بعضی کتب آنرا از جمله دوازده مقام موسیقی قدیم دانسته اند به اصفهانک نگاه کنید.

کوچه باغی

گوشه ایست در آواز دشتی

کور اوغلی

گوشه ایست ضربی در مقدمه دستگاه ماهور که بجای پیش درآمد نیز زده میشده. مثال از مجمع الادوار:

کر نداری شور دوری از مقام در کراوغلی نیست ما را خود کلام

کوس

در لغت بمعنی کوفتن طبل بزرگ را گویند، از جمله سازهای کوبه ای.

کوک

بسامان کردن تارهای ساز.

کهکیلویه

گوشه ایست در دستگاه چهارگاه.

کلید

علامتی است که برای تعیین سطح و اسم نت (زیر ویمی صداها) بکار میرود کلیدهای

موسیقی بر سه قسمند کلید سل، کلید دو، کلید فا و امروزه در موسیقی از هفت کلید استفاده میشود.

کلید

وسیله ایست که برای کوک کردن بعضی سازها (سنتور، پیانو) بکار میرود.

کلید دو

کلید هائی هستند که برای صدا های وسط موسیقی بکار میروند کلید دوی خط اول که بر روی خط اول حامل نوشته میشود و نام خود را به نت خط اول میدهد و کلیدهای دوی خط دوم و سوم و چهارم که بهمین ترتیب هستند کلید دوی خط پنجم نیز معمول بوده که امروزه بجای آن از کلید فای خط سوم استفاده میشود. رجوع شود به کلید فا.

کلید سل

کلیدی است که برای صدا های زیر موسیقی بکار میرود از روی خط دوم حامل شروع میشود و نام خود را به نت خط دوم میدهد کلید سل خط اول نیز مرسوم بوده که امروزه بکار نمیروند.

کلید فا

کلید هائی هستند که برای صدا های بم موسیقی بکار میروند. کلید فای خط سوم که روی خط سوم حامل نوشته میشود و نام خود را به نت خط سوم میدهد و کلید فا خط چهارم که بهمین ترتیب عمل میشود.

کیخسروی

یکی از الحان موسیقی قدیم، مثال از نظامی:

چو بر کیخسروی آواز دادی به کیخسرو روان را باز دادی

کین ایرج

نام لحنی از سی لحن باربد که در برهان قاطع لحن نودزدهم آمده و نیز نوائی از موسیقی قدیم آمده، کینه ایرج نیز گفته شده توضیح آنکه ایرج یکی از سه پسر فریدون (ایرج، سلم، تور) بوده است و فریدون مملکت خود را بین این سه قسمت نمود دو برادر علیه ایرج با یکدیگر پیمان بستند و او را نا جوانمردانه کشتند در تاریخ بخارا آمده مردم در سوگ این شاهزاده عزاداریها میکردند و آهنگهایی میخواندند که بعدها به کین ایرج موسوم گردید. مثال از نظامی:

چو کردی کین ایرج را سر آغاز جهان را کین ایرج نوشدی باز

کین سیاوش

نام لحنی از سی لحن بارید که در برهان قاطع لحن بیستم آمده و نیز نوائی از موسیقی قدیم .
کینهء سیاوش نیز گفته شده ، توضیح آنکه سیاوش پسر کیکاوس در ترکستان به امر افراسیاب
و به توطئه گرسیوز ناجوانمردانه کشته شد در تاریخ بخارا آمده است که همه سال در روز
معینی مردم آن شهر بیاد مرگ سیاوش عزاداری میکردند و آهنگهایی مخصوص می خواندند
که به کین سیاوش موسوم گشت . مثال از نظامی :
چو زخمه راندی از کین سیاوش پر از خون سیاوشان شدی گوش

گ

گام

ردیف نت هائیکه بطور متصل مابین فواصل اول تا اکتاو قرار دارند ماءخود از لغت یونانی گاما .

گام بالا رونده

نتها وقتی بطرف بالای حامل حرکت می نمایند نسبت بهم زیرتر می شوند این سلسله نت را که بطرف بالای حامل میرود و بهمین ترتیب هر نتی از ماقبل خود زیرتر میشود گام بالا رونده یا برشو گویند .

گام بزرگ

ماژور، گامی است که فواصل درجات آن نسبت به تنیک به ترتیب دوم و سوم بزرگ ، چهارم و پنجم درست ، ششم و هفتم بزرگ و هشتم درست باشد دارای دو دانگ (قسمت) مساوی است و دو نیم پردهء دیاتنیک بین فواصل سوم و چهارم و فواصل هفتم و هشتم دارد باقی فواصل یک پردهء دیاتنیک هستند .

گام پائین رونده

وقتی تنها بطرف پائین حامل حرکت می نماید و هر نتی نسبت به ماقبل خود بم تر میشود گام پائین رونده است و آنرا فروشو نیز گفته اند . توضیح آنکه تا قبل از فارابی کلیه گامهای موسیقی پائین رونده محسوب میشد و فارابی اولین کسی است که در تشریح موسیقی زمان خود گامها را بصورت بالا رونده نیز ذکر کرده است .

گام دیاتنیک

از نیم پرده و پردهء دیاتنیک تشکیل میشود .

گام کروماتیک

از نیم پرده های کروماتیک تشکیل میشود .

گام کوچک

هماهنگ ، مینور هارمونیک ، که فواصل درجات آن به نسبت تنیک به ترتیب دوم بزرگ ، سوم کوچک ، چهارم و پنجم درست ، ششم کوچک ، هفتم بزرگ و هنگام درست است . دو دانگ (قسمت) گام کوچک باهم برابر نیست گام کوچک هارمونیک سه نیم پرده دیاتنیک بین فواصل دوم و سوم ، پنجم و ششم ، هفتم و هشتم دارد بقیه فواصل پرده دیاتنیک هستند ، در موسیقی غربی گام کوچک نظری (مینور تئوریک) و گام کوچک نغمگی (مینور ملودیک) نیز وجود دارد .

گام نسبی

هر گام بزرگ دارای گام نسبی کوچک است که از یک سوم کوچک پائین تر (یا از درجه ششم) آن شروع میشود و دارای تمام خواصی است که بیک گام کوچک تعلق میگیرد به گام کوچک نگاه کنید .

گامهای مترادف

هماهنگ ، دو گام که هم اسم نبوده ولی صدایشان یکی باشد مانند گامهای سی ماژور و دو بمل ماژور .

گامهای مشابه

دو گام که درجاتشان هم اسم بوده ولی صدایشان بوسیلهء علامات تغییر دهنده تغییر کرده باشد مانند گام دو و دو دیز و دو بمل .

کبری

گوشه ایست در دستگاه چهارگاه و آواز ابوعطا ، گوری هم گویند .

گرایلی شستی

گوشه ایست دارای وزن که در دستگاه شور و ملحقاتش ذکر شده است .

کیرد

واحد موسیقی از نظر تعیین امتداد کشش یا سکوت نت .

کُردانیه

گوشه ایست در دستگاههای شور و نوا، که همان کردانیه باشد از جمله شش آواز مورد بحث کتب قدیم به سلمک نگاه کنید. گردانیا و کردان نیز آمده.

کرایلی

گوشه ایست در دستگاه شور در پردهٔ سه‌ناز. کرایلی نیز گفته شده.

کُریز

گوشه ایست در دستگاه شور.

کُورِکِه

سازيست کوبه‌ای از آلات موسیقی نقاره‌خانه. نوعی طبل است از نقاره بزرگتر که پوستی نازکتر بر دهانهٔ آن کشیده میشود.

کوشی

وسیله ایست چوبی یا فلزی در سازها، که یک سر سیم بآن بسته میشود و برای کوک کردن تارهای ساز بکار میرود.

کشایش

گوشه ایست در دستگاه ماهور.

کُل

لطفاً "به راه گل نگاه کنید."

کلبانگ پهلوی

نام گونه‌ای از ترانه‌های عرفانی که در آغاز بزمها میخواندند ذکر شده است (تاریخ شهریار) مثال از حافظ:
بلبل ز شاخ سرو به کلبانگ پهلوی میخواند دوش درس مقامات معنوی

کُزار

یکی از الحان موسیقی قدیم. بمعنی گلستان.

گنج باد

به گنج بادآور. نگاه کنید. مثال از منوچهری:

وقت سحر که چکاو خوش بزند در تگاه
ساعتگی گنج گاو ساعتگی گنج باد

گل نوش

لحنی بوده است در موسیقی قدیم . مثال از منوچهری :
تا بر بزم و بر زیر نوای گل نوش است تا بر کل پر خار خروش و رشانست

گنج باد آورد

نوائی در موسیقی قدیم ، و نام لحنی از سی لحن بارید که گنج باد آور ، گنج باد ، گنج شایگان نیز گفته شده که گنج دوم است از جمله هفت گنج معروف خسرو پرویز . به گنج سوخته نگاه کنید . گویند : فوکاس قیصر روم اموال بی قیاس خویش را از بیم دستبرد مخالفان در هزار کشتی نهاد و بسوی یکی از مواضع حصین فرستاد و بادی مخالف کشتی ها را بسوی اردوگاه ایرانیان برد و خسرو پرویز این گنج را گنج باد آور نامید (ریشه های تاریخی امثال و حکم) و لحن و نوائی بر این شادی آمد که همان نام را گرفت . روایات دیگری نیز موجود است . مثال از نظامی :
چو باد از گنج باد آور رانسی ز هر بادش لبش گنجی فشانسی

گنج دار

نام نوا و لحنی از موسیقی قدیم آمده است .

گنج سوخته

لحنی از سی لحن بارید و نام نوائی در موسیقی ذکر شده . گنج سنجیده نیز آمده . نام گنج پنجم از جمله هفت گنج معروف خسرو پرویز که بر بعضی از آنها الحانی آمده است نام هفت گنج به ترتیب چنین آمده : گنج عروس ، گنج باد آور (گنج شایگان) گنج دیبه (دیبه خسروی) گنج افراسیاب ، گنج سوخته ، گنج خضراء ، گنج شاد آور (گنج شادورد) مثال از نظامی :
ز گنج سوخته چون ساختی راه ز گرمی سوختی صد گنج را آه

گنج فریدون

یکی از الحان موسیقی قدیم . مثال از منوچهری :
بر گل تر عنده لب گنج فریدون زده است لشکر چین در بهار خیمه به هامون زده است

گنج کاروان

نام لحنی در موسیقی قدیم آمده است .

گنج گاو

لحنی است از سی لحن بارید در برهان قاطع لحن هفدهم آمده ، گنج گاوان ، گنج گاو میش

گنج کاوس نیز گفته شده، نام گنجی است از گنجهای جمشید که در زمان بهرام گور ظاهر شد. گویند دهقانی زراعت آب میداد ناگاه سوراخی بهم رسید و آنها تمام به آن سوراخ میرفت و صدائی عجیب برمی آمد دهقان نزد بهرام آمد و احوال گفت: بهرام به آنجا رفته و فرمود زمین را کنند عمارتی پیدا شد بس عالی، اشاره به موبد کرد که به این خانه وارد شو، موبد وارد شد، دو گاو میش دید از طلا ساخته، چشمهای آنها از یاقوت و شکمهایشان پر از نار و سیب زرین و درون میوه های زرین پر از مروارید و پیش آنان آخوری از طلا پر از جواهرات و برگاو میش ها نام جمشید کنده و در اطراف آن اقسام جانوران مرصع. خبر به بهرام آورد، فرمود تمام آن گنج را به مستحقین و مردمان کم بضاعت دادند و در ممالک او مستحق و پریشان نماند که صاحب سامان نشد و بر این شادی لحنی در موسیقی آمد که گنج گاو خوانده شد. مثال از نظامی:

چو گنج گاو را کردی نوا سنج
برافشاندی زمین هم گاو و هم گنج

گوشت

گوشه ایست در دستگاه نوا، با سه گاه نیز بی رابطه نیست و شباهت به درآمد آن دارد. در لغت به معنی گویش و گفتن و آوازیست قدیمی از جمله شش آواز مورد بحث کتب قدیم به سلمک نگاه کنید. مثال از رساله وجیزه الباهره:

مطرب بر سه چو نغمه را ساز کند
نوروز و گوشت و سلمک آغاز کند

گوشه

جزئی از دستگاه و یا آوازهای متعلقه، هر دستگاه یا آواز تشکیل میشود از تعدادی گوشه. گوشه دارای تقسیمات جزء نیست و وسعت آن از حدود چند نت تجاوز نمی کند.

کیلکی

گوشه ایست در آواز دشتی.

ل

لا

نام یکی از هفت نت موسیقی، به دو نگاه کنید در موسیقی غربی A نوشته میشود.

لَبینا

لَبینان نیز آمده، یکی از الحان موسیقی قدیم. مثال از برهان قاطع :
تا مطربان زنند لبینا و هفت خوان در پردهء عراق سر، زیر و سلمکی

لحن

بمعنی آواز و آهنگ خوش، نغمه، در بعضی کتب الحان را آواز، آهنگ و نوا آورده اند.
مثال از نظامی :
چنان بر ساختی الحان موزون که زهره چرخ میزد گرد گردون

لرزی

گوشه ایست ضربی که در دستگاه چهارگاه آمده است.

لیلی

نگاه کنید به پردهء لیلی.

لیلی و مجنون

گوشه ایست که در دستگاههای راست پنجگاه و همایون آمده است.

م

ماده

باده نیز آمده، به باده نگاه کنید.

مارش عثمانی

گوشه ایست دارای وزن که در دستگاههای ماهور و همایون آمده (از ردیف منتظم الحکا)

مارکار

صنعتگر ماهر اصفهانی که سنتورهای ساخت او معروف بوده و ساز حبیب سماعی استاد سنتور ساخت وی بوده است.

مالش

آن لغزاندن انگشت است بروی پرده که حرکتی به صدای نت ساکن دهد و اجرای آن در سازهای مختلف علائم قراردادی مختلفی دارد.

ماورالنهری

یکی از الحان موسیقی قدیم، راه ماورالنهری و سرود ماورالنهری و ماورالنهر هم گفته شده به راه ماورالنهری نگاه کنید. گوشه ایست در دستگاه راست پنجگاه، بمثال پارسی نگاه کنید.

ماه بر کوهان

لحنی از سی لحن باربد در برهان قاطع لحن بیست و یکم است مفرد آن کوهه است که در شاهنامه فردوسی بسیار آمده بمعنی لغوی زین اسب که الف و نون آن مخصوص نسبت است نه جمع، و همین کلمه است که در مورد کوهان شتر نیز آمده است به تعبیری گفته اند مقصود از ماه بر کوهان معنی قرار گرفتن شیرین بر زین اسب. مثال از نظامی:

چو لحن ماه بر کوهان گشادی زبانش ماه بر کوهان نشاندی

ماه‌ور

یکی از هفت مقام اصلی، ماخوری نیز آمده به معنی آوازهای قدیمی طرب انگیز که در میخانه‌ها خوانده می‌شده. از جمله بیست و چهار شعبه موسیقی قدیم، به نیریز نگاه کنید.

ماه‌ور صغیر

گوشه ایست در دستگاه ماه‌ور.

مایه

مایه نیز آمده، از جمله شش آواز مورد بحث کتب قدیم، به سلمک نگاه کنید مثال از مجمع الادوار: چون رسیدی تو به مایه هان به ایست زانکه بالا تر ز مایه نغمه نیست

مایه

تن، غیر منظم قرار گرفتن نتهای گام به دنبال هم را گویند، معمولاً "مایه های ایرانی با نت اول گام شروع و ختم میشود.

مایه شناسی

شناسایی کردن مایه ای که در آن یک قطعه موسیقی اجرا میشود این عمل از طریق علامات ترکیبی انجام میشود.

مَبْرَق

گوشه ایست در دستگاه راست پنجگاه و یکی از جمله بیست و چهار شعبه موسیقی مورد بحث کتب قدیم. به نیریز نگاه کنید. مثال از کتاب مجمع الادوار: مقام راست دل را گنج گاه است مبرق لازمش با پنجگاه است

مَتَن

گوشه ایست در دستگاه چهارگاه.

مترونوم

وسیله ایست که برای تنظیم و تعیین سرعت قطعات موسیقی بکار میرود. مخترع مترونوم Metronom مائزل Maelzel (۱۷۷۲ - ۱۸۳۸ میلادی) می باشد.

مثنوی

فورمی است از موسیقی ایران که با وزن اشعار مثنوی و بر روی چنین اشعاری خوانده میشود

در کلیه مقامات قابل اجراست .

مثنوی پیچ

نوعی مثنوی ، دارای وزن مشخص که معرف نام آن می باشد و اغلب با اشعار مولوی خوانده میشود . در آواز افشاری آمده و از درجه هفتم گام شور از طرف بم ، آغاز میگردد . نت شاهد آن درجه چهارم و نت ایست آن درجه دوم گام شورا است . (ردیف موسیقی ایران)

مجلسی

کوشه ایست در دستگاه نوا ، به فتح میم نیز گفته شده است .

مجلس افروز

کوشه ایست که در دستگاههای شور و ماهور آمده و نوائی در موسیقی قدیم ذکر شده است .

مجنب

که باختصار "ج" نشانه گذاری شده شامل پرده کوچک = (2L) و نیم پرده بزرگ (L+C) در گامهای موسیقی قدیم ایران بعد از اسلام ، فاصله ای نزدیک به دو نیم بزرگ را گویند .

محبوبی

رضا ، متولد ۱۲۷۷ شمسی نوازنده زبردست ویلن ، نخستین استاد او حسین خان هنگ آفرین بود سپس نزد حسین خان اسمعیل زاده اموختن موسیقی را ادامه داد و او چنانکه گویند در شانزده سالگی سازش شنیدنی بود . از رضا محبوبی آثاری چون پیش درآمدها و رنگها و تصانیف بجای مانده و آثاری از نوازندگی وی در دست می باشد .

محبوبی

مرتضی ، متولد ۱۲۷۹ شمسی نوازنده زبردست پیانو ، آموزش موسیقی را نزد حسین خان هنگ آفرین شروع کرد و نواختن پیانو را نزد مفخم ، اولین بار در سن ده سالگی باتفاق جمعی از هنرمندان آن زمان کنسرت داد که عارف تصنیف سرای معروف آواز میخوانده از استاد رنگها ، پیش درآمدها و تصانیف و آثاری از نوازندگی وی بجای مانده است .

محسوس

درجه هفتم هر گام را گویند که در موسیقی غرب Sensibl گویند .

محمد صادق خان

نوازنده بنام سنتور فرزند مطلب خان کمانچه کش که کمانچه را نزد پدر و بعد سنتور را

نزد سنتور خان فراگرفت ، نوازنده دربار ناصری بود و لقب سرورالملک گرفت و چون سمت ریاست نوازندگان دربار و نقاره خانه را داشت به او رئیس نیز می گفتند وقتی در زمان ناصرالدینشاه پیانو به ایران آمد اولین کسی که به این ساز آشنا شد و آنرا اموخت و به بعضی از خانمهای درباری تعلیم داد محمد صادق خان بود و در سفری که ناصرالدینشاه به فرنگ رفت از همراهان وی بود محمد صادق خان در نواختن سه تار نیز استاد زبر دستی بوده است .

محمد صادق خانی

گوشه ایست که در دستگاه شور و آواز بیات ترک آمده است منسوب به محمدصادق خان استاد سنتور .

و ر ت محیر

گوشه ایست که در دستگاههای راست پنجگاه ، ماهر و همایون آمده است . و از جمله بیست و چهار شعبه موسیقی قدیم ، به نیزیز نگاه کنید . در کتاب مجمع الادوار آمده :
حسینی کز مقامات است برتر دو گاه آمد قرینش با محیر

مخالف

گوشه ایست در دستگاههای سه گاه و چهارگاه ، در لغت بمعنی ضد . مثال از اوقات نواگری ابوالوفای خوارزمی :
شام را پرده مخالف ساز با حریف موافق دمساز

مختار

رکن الدین خان (مختاری) نوازنده ویلن ، شاگرد حسین خان اسمعیل زاده استاد کمانچه در آهنگسازی نیز مهارت داشت و پیش درآمدها و تصانیف بسیاری ساخته که معمول است .

مَداین

گوشه ایست در دستگاه سه گاه .

مُد گردی

به تغییر مقام و یا تغییر مایه نیز گفته میشود که معادل آن در موسیقی غرب مدولاسیون است .

مدولاسیون

به مد گردی نگاه کنید .

مراد خانی

گوشه ایست در دستگاه ماهور .

مرکب خوانی

در خواندن و نواختن به تغییر مقامهای پی در پی و در خاتمه فرود به مایه اصلی را میگویند .

مُرّوای نیک

لحنی بیست و دوم از سی لحن باربد که در برهان قاطع نیز با همین شماره ذکر شده در لغت بمعنای فال نیک ، دعای خیر . اصل آنرا برخی ملوا دانسته اند یعنی صدائی که به هنگام ریختن مل^۱ از آن خیزد بمعنی آوای شادی ، ضد مرغوا که بمعنی صدای شوم و فال بد است . مثال از نظامی :

چو بر مروای نیک انداختی فال همه نیک آمدی مروای آن سال

مَرودشتی

گوشه ایست در دستگاه همایون .

مُردخای کلیمی

نوازنده زبردست ضرب دوره ناصری که کمانچه را خوب می نواخت . واژه عبری است بمعنی پیشوا و مبلغ مذهبی .

مِزمر

مزمار ، نوعی ساز بادی . مثال از فرخی :

به شادگامی در کاخ نو نشسته به عیش ز کاخ بر شده تا زهره ناله مزمر

مِزمار

به مزمر نگاه کنید . مثال از دیوان شمس :

نه آن مطرب که در مجلس نشیند گهی نوشد گهی کوشد به مزمار

مستوفی

محمد علی ، نوازنده تار که شاگرد آقا غلامحسین بوده است .

مسیحی

گوشه ایست که در دستگاههای سه گاه، نوا، و آواز افشاری آمده است.

موسیقار

موسقار، موسیقار نام سازبست، آلتی است از مطلقات آلات ذوات النغخ. سازبست که اروپائیان آنرا فلوت پان گویند و امروز به ساز دهنی مشهور است. ساختمان این ساز از نایهای کوچک و بزرگ که درکنار هم نهاده اند تشکیل شده است (حسینعلی ملاح) نام مرغی است افسانه ای که در منقارش سوراخهای بسیار است و از آن اصوات گوناگون برون آید و گویند حکیمان، موسیقی را از آن صداها استخراج کرده اند.

موسیقی

ماءخود از یونانی بمعنی فن آواز خواندن و نواختن ساز که موجد حزن یا نشاط و محرک احساسات باشد موسیقی هنریان احساسات بوسیله اصوات است. مثال از منطق الطیر (عطار) گردد از جان، مرد موسیقی شناس لحن موسیقی خلقت را سیاس فن ترکیب اصوات بنحوی که بگوش خوشایند باشد. ارسطو موسیقی را یکی از شعب ریاضی دانسته و فیلسوفان اسلامی نیز این قول را پذیرفته اند ولی از آنجا که همه قواعد موسیقی مانند ریاضی مسلم و غیرقابل تغییر نیست. بلکه ذوق و قریحه سازنده و نوازنده هم در آن دخالت دارد آنرا هنر نیز محسوب داشته اند.

مُشک دانه

یکی از الحان سی لحن باربد. در برهان قاطع لحن بیست و دوم است.

مثال از نظامی:

چو بر گشتی نوای مشک دانه ختن گشتی ز بوی مشک خانه

مُشک مالی

نام لحنی از سی لحن باربد که در برهان قاطع لحن بیست و چهارم آمده است.

مثال از نظامی:

چو بر مشکویه کردی مشک مالی همه مشکو شدی پر مشک مالی

مشیر همایون

حبیب الله شهردار، متولد ۱۲۶۵ نوازنده پیانو فرزند نصرالله خان سپه سالاری که نزد آقا بزرگ خان صاحب منصب قزاقخانه و آقا حسینقلی و حسین خان کمانچه کش و محمدصادق خان تعلیم یافت در بیست و چهار سالگی برای پر کردن صفحه با دیگر نوازندگان معروف

آن زمان به لندن سفر کرد ، آهنگها و آثاری از نوازندگی وی در دست می‌باشد . فورم‌پیش درآمد را بنابه پیشنهاد مشیر همایون بمناسبت اینکه پیش از درآمد آواز زده میشد . چنین نامی داده اند .

مُشکویه

یکی از الحان موسیقی قدیم . بمعنی بیتخانه و حرمسرای سلاطین و خلوتگاه خسرو شیرین را نیز گفته اند .

مُشکونی

لحنی بوده است از موسیقی قدیم . به مشکویه نگاه کنید .

مطرب

به خواننده و نوازنده اطلاق میشده است . مثال از دیوان شمس :
ای ساقی جان مطرب ما را چه شدست چون می نزند رهی ، ره او که ز دست

مطلق

دست باز سیم در اسبابهای معمول موسیقی قدیم (زمان فارابی)

مضرب

آلتی که بوسیله آن بعضی سازها را بصدا درمی‌آورند . در فارسی زخمه ، سکافه ، شکافه و سکافره نیز میگفته اند .

مضرب گذاری

برای سهولت در اجرای قطعات موسیقی علائمی بکار میرود که معرف اجرای نت با مضرب تعیین شده است در کلیه سازهای مضربی ایرانی (تار ، سنتور ، عود . . .) علامت ۸ معرف مضرب راست و علامت ۷ معرف مضرب چپ است . در سازهای زهی هم متداول است و آن را آرشه گذاری گویند . به آرشه گذاری نگاه کنید .

مَعْرِید

گوشه ایست که در دستگاههای سه گاه و چهارگاه آمده بمعنی لغوی بدخو و جنگجو . مثال :
گر بگوش تو معرید خوش بود مر مرا عقده کشا دلکش بود

معروفی

موسی، (۱۳۳۳ - ۱۲۶۸ شمسی) فرزند محمد اسماعیل امین الملک. وی تار را نزد درویش خان آموخت و به دریافت مدال طلای تبریزین و تصدیق نامه کتبی نائل آمد و موسیقی علمی را نزد حسین خان هنگ آفرین آموخت، معروفی بهترین حافظ و نگهبان موسیقی ملی ما بوده و تمام آموخته خود را روی کاغذ آورده از نتیجه زحمات او می توان کتاب ردیف موسیقی ایران را که بکوشش وی به چاپ رسیده نام برد و نیز صفحاتی از تکنوازی تار وی در دست می باشد.

معکوس فواصل

اگر نت بم تر یک فاصله، یک هنگام بالاتر برده شود و یا اگر نت زیرتر فاصله یک هنگام پائین تر نوشته شود فاصله معکوس میشود.

مغلوب

گوشه ایست که در دستگاههای سه گاه و چهارگاه آمده و یکی از نواهای موسیقی قدیم. در لغت بمعنی شکست خورده مثال از مجمع الادوار: عراقت عشرت افروز است و مطلوب گهی روی عراق و گاه مغلوب

مغنی

غناساز، آواز خوان، نوازنده، مثال از نظامی: مغنی بدان ساز غمگین نواز درین سوزش جان مرا چاره ساز

مفتح آهنگ

ابوالقاسم اعتمادی، ملقب به مفتح السلطان، شاگرد استاد عباس صنعت، صنعتگر ماهری که همه گونه ساز ایرانی را بخوبی می ساخته.

مفخم

محمود، نوازنده پیانو، تار نیز می نواخت که از شاگردان آقا حسینقلی بود.

مقام

مد، اگر فواصل بین درجات یک گام بوسیله علامات تغییر دهنده عوض شود آنرا مقام گویند.

مقامات هم اسم

دو گام را که نتهای آنها هم اسم باشند ولی فاصله درجات آنها نسبت به تنیک متفاوت باشند هم اسم گویند. مانند دو ماژور و دو مینور.

مقدمه

امادگی سازی کوتاهی برای شروع موسیقی و آواز اصلی .

مِگردیچ

صنعتگر ماهر اصفهانی که تارهای ساخت او شهرت داشته است .

ملا موسی

از آواز خوانهای قدیمی که بنام مرد رشتی موسوم بوده است .

ملا نازی

کوشه ایست در دستگاه شور ، ملانیازی نیز گفته میشود .

ملکوم

ارمنی ، صنعتگر ماهری که تارها و سه تارهای ساخت او معروف بوده است .

ملک حسینی

کوشه ایست در دستگاه نوا .

ملودی

به آهنگ نگاه کنید .

منصوری

کوشه ایست در دستگاههای چهارگاه و همایون .

مؤالف

کوشه ایست در دستگاه همایون . مثال :

چون مؤالف یافت گردد آشکار داشت نتوان راز را اندر حصار

مَوالیان

کوشه ایست در دستگاه همایون .

مسوره

کوشه ایست در دستگاههای راست پنجگاه و همایون .

موسی کاشی

کمانچه کش بنام دستگاه ظل السلطان ، وی کلیمی بوده و بیشتر در کاشان میزیسته است ، آوازه شهرتش به گوش ظل السلطان میرسد و او را به اصفهان میخواند و در دستگاه وی جزء نوازندگان مخصوص بوده است . کمانچه او شش سیم داشت باین ترتیب که سیمهای اول و دوم مضاعف بودند و سیم چهارم هم از زمان او معمول گشت زیرا تا قبل از آن کمانچه فقط سه سیم داشت .

موزیک

موسیقی سازی بدون کلام .

مویه

گوشه ایست در دستگاههای سه گاه و چهارگاه بمعنی لغوی زاری ، گریه ، نوحه .

مویه زال

یکی از الحان موسیقی قدیم بوده است به مثال چینی نگاه کنید .

مویه صغیر

گوشه ایست که در دستگاه چهارگاه آمده است .

مویه کبیر

گوشه ایست که در دستگاه چهارگاه آمده است .

مهدی ضرابی

گوشه ایست در آواز بیات ترک .

مهربانی

گوشه ایست در آواز بیات ترک ، به مهرگانی نگاه کنید .

مهرگانی

هم وزن و هم معنی مهربانی ، مهرمانی نیز آمده ، نام لحنی است از سی لحن باربد در برهان قاطع لحن بیست و پنجم آمده و نیز نام نوائی از موسیقی قدیم ذکر شده است . مثال از نظامی :

چو نو کردی نوای مهرگانی بپردی هوش خلق از مهربانی

مهرگان بزرگ

نام مقام و لحنی بوده است در موسیقی قدیم که آنرا بزرگ نیز گفته اند.

مهرگان خردک

نام مقامی است از موسیقی قدیم که آنرا کوچک نیز گفته اند و نام لحنی از موسیقی دوره ساسانیان. به مثال سپهدان نگاه کنید.

مهرگان کوچک

به مهرگان خردک نگاه کنید.

می

نام یکی از هفت نت موسیقی. به دو نگاه کنید در موسیقی غربی E نوشته میشود.

میانی

درجه سوم هر گام را گویند، در موسیقی غرب Mediante گویند.

میرزا حسن

فرزند آقا علی اکبر فراهانی که از تعلیمات پدر برخوردار شد در نواختن تار و سه تار مهارت داشت و در سلک نوازندگان دربار درآمد.

میگلی

نام گوشه ایست در دستگاه همایون

میرزائی

نام گوشه ایست در دستگاه ماهور.

میرزا عبدالله

فرزند آقا علی اکبر فراهانی نوازنده بنام تار در دربار ناصرالدین شاه که در مکتب پسر عموی خود آقا غلامحسین پرورش یافت وی به حسن خوی و سخاوتی که در آموختن دانسته ها به شاگردانش روا میداشت شهرت زیادی داشت.

از کسانی که از محضر میرزا عبدالله استفاده کردند و هریک مقامی در موسیقی یافتند، سید حسین خلیفه، دکتر مهدی صلیحی (منتظم الحکما) مهدیقلی هدایت (مخبر السلطنه) اسماعیل قهرمانی، علی محمد مستوفی، ابوالحسن صبا، حاج آقا محمد ایرانی را میتوان نام برد، فوت استاد به سال ۱۲۹۷ شمسی در سن ۷۵ سالگی بوده است.

میرزا غلامرضا شیرازی

نوازندهٔ تار معروف به عموجان که شاگردان بسیاری تربیت کرد .

میزان

تقسیمات موسیقی از نظر زمان را گویند .

میزان ترکیبی

میزانی است که هر ضرب آن بطور طبیعی قابل قسمت به اعداد سه ، شش و دوازده باشد .

میزان ساده

میزانی است که هر ضرب آن بطور طبیعی قابل قسمت به اعداد دو ، چهار ، هشت باشد .

میزانهای لنگ

مجموع دو یا چند میزان نا مساوی را گویند .

ن

نازِ نوروژ

لحنی است از سی لحن باربد که در برهان قاطع لحن دوم آمده است ، ساز نوروژ و تار نوروژ نیز آمده . مثال از نظامی :

چو در پرده کشیدی نازِ نوروژ به نوروژی نشستی دولت آن روز

ناظمی

مهدی فرزند حسین متولد سال ۱۲۸۴ شمسی ، صنعتگر ماهر و توانای معاصر که سنتورهای ساخت او تاکنون نظیر و عدیل نداشته است و ساخته هایش الگوی صنعتگران دیگر است ، وی نزدیک چهار سال از مکتب موسیقی حبیب سماعی استفاده کرده و به تشویق استاد به ساختن سنتور اقدام نموده است .

ناقوسی

کوشه ایست در دستگاههای سه گاه و نوا و نام لحنی از سی لحن باربد که در برهان قاطع لحن بیست و ششم است . ناقوس نیز آمده . مثال از منوچهری :

چون صغیری بزند کبک دری در هر نای بزند لقلق ، بر کنگره بر ، ناقوسی

نایب اسدالله

علی خان ، نوازنده چیره دست نی که همردیف بزرگترین اساتید زمان خود چون سماع حضور و آقا حسینقلی نامش برده شده ، صفحاتی از نوازندگی وی همراه آواز آقا حسین تعزیه خوان در دست می باشد .

نُت

علامتی است که برای نشان دادن و مشخص کردن صداها و موسیقی بر روی خط های حامل و بالا و یا بین خطوط بکار میرود . (نت با خطوط اضافه در بالا و پائین حامل ، خود بر روی حاملهای دیگری با کلید های دیگری هستند) .

نت ایست

نتی است معمولاً "غیر از تنیک مایه اصلی و در دستگاهها، آوازها، و گوشه‌ها برای فرود موقت بکار میرود.

نت خوانی

خواندن نت‌ها با نام و کشش تعیین شده بدون اهنگ و صدای موسیقی.

نت متغیر

نتی است که فاصله‌اش به نسبت مایه اصلی متغیر است. در موسیقی ایرانی از این تغییر برای رفتن به گوشه‌های مختلف استفاده زیادی میشود.

نت شاهد

نتی است که در آوازها و گوشه‌ها بیش از سایرنتها بصدا درآمده و در واقع محور اصلی آن آواز یا گوشه است. گاه ممکن است که شاهد و ایست، یک نت باشند.

نت‌های مایگی

تنال، درجات اول، چهارم، پنجم و اکتاو نتهای مایگی محسوب میشوند و معرف مایه (تن) می‌باشند.

نتهای مقامی

مدال، درجات دوم و سوم و ششم و هفتم کام را نتهای مقامی گویند چون فواصل آنها نسبت به تنیک در تغییر مقامها متغیر است و مقام را مشخص مینماید.

نتهای مترادف

آنارمونیک، دو نت که هم اسم نبوده ولی صدایشان یکی باشد مانند دودیز و ر بمل.

نتهای نغمگی

ملودیک، دو نت که پی در پی شنیده شوند مانند دو تا ر.

نتهای هماهنگ

هارمونیک نتهائی که باهم در یک زمان شنیده شوند مانند دو و می که باهم شنیده شوند.

نجیب

گوشه‌ای بوده است در راست پنجگاه.

یکی از الحان موسیقی قدیم .

نخچیرگان

نخچیرگان نیز آمده ، لحنی است از سی لحن باربد که در برهان قاطع لحن سی ام آمده .
مثال از نظامی :

چو بر نخچیرگان تدبیر کردی بسی چون زهره را نخچیر کردی

نزهت

به قول قدما یکی از سازهای کثیرالوتار مانند قانون و سنتور که هر سیمی صدائی خاص داشته ، اختراع این ساز را به صفی الدین عبدالوہد من ارموی نسبت میدهند . این ساز شبیه قانون و به شکل مربع مستطیل بوده است . مثال از فرخی :

هر روز یکی دولت و هر روز یکی غر هر روز یکی نزهت و هر روز یکی تار

نرم و تیز

اصطلاحی بوده است در موسیقی قدیم . در لغت بمعنی بم و زیر . مثال از نظامی :

به زیر و بم ناله رود خیز گهی نرم زد زخمه و گاه تیز

نستاری

گوشه ایست دارای وزن که در دستگاه نوا آمده ، نستری و نستوری نیز گفته شده . و نیز از رنگهای قدیمی سه گاه ذکر شده .

نشابورک

گوشه ایست در دستگاههای ماهور و نوا و لفظی قدیمی در موسیقی ، نشابورک نیز آمده .

نشیب و فراز

گوشه ای در دستگاه شور ذکر گردیده است .

نصیر خوانی

گوشه ایست در دستگاه ماهور ، بعضی طوسی را نیز گفته اند .

نغمه

گوشه ایست در دستگاههای سه گاه و چهارگاه و شور (ضربی آن نیز آمده)

نغمه عَنقا

نام لحنی است از موسیقی قدیم .

نفیر

گوشه ایست در دستگاههای راست پنجگاه و همایون ، نوع کوچک کرنا را نیز گفته اند ، و دهانه کوچک تمبک را که صدا از آن خارج میشود را نیز گفته اند و نام نوعی سازدمیدنی بمعنی ناله و فغان .

نقاره

یکی از مهمترین سازهای کوبه ایست ، سازبست رزمی که بر گردن آویخته و با دو چوب به نام چوب نقاره و با دو دست بصدا درمی آید متشکل است از دو طبل کوچک متصل بهم ، یکی بزرگتر که بم تر است و یکی کوچکتر که زیرتر . در اشکال مختلف چون استوانه ، مخروط و گروی ساخته شده و فلزی و چوبی آنرا ساخته اند و بر دهانه آن پوستی کلفت می کشند اختراع نقاره را به هارث از اهالی یمن نسبت داده اند ، به کاسه کوچکتر از هم گفته شده .

نقطه

علامتی است چون اثر نوک مداد بر روی کاغذ ، در موسیقی نقطه اگر پهلوی راست نت یا سکوت قرارگیرد نصف بر ارزش آن می افزاید و اگر زیر یا بالای نت قرار گیرد نصف از ارزش آن می کاهد .

نقطه توقف

علامتی است که وقتی بر روی نت یا سکوت قرار گیرد کشش آنرا بیش از زمان تعیین شده و به ذوق اجرا کننده میگذارد .

نمایان

درجه پنجم هر گام را گویند که در موسیقی غرب Dominante است .

نکیسا

نوازنده و خواننده بنام دربار خسرو پرویز . مثال از نظامی :

نکیسا نام مردی بود چنگی	ندیمی خاص ، امیری سخت سنگی
کزو خوشگوتری در لحن آواز	ندید این چنگ پشت ارغنون ساز

نکیسا

حسینعلی، که تعزیه خوان بوده و در آواز خوانی به سبک بزم نیز مهارت داشته و چند صفحه از خوانندگی وی در دست می باشد.

نوا

نغمه و آهنگ و آواز و نیز ناله را گویند. مثال از نظامی :
نواهایی چنان چالاک میزد که مرغ از درد پر بر خاک میزد

نوا

یکی از هفت مقام اصلی موسیقی، بعضی از صاحب نظران که دستگاههای اصلی موسیقی را پنج دستگاه دانسته اند نوا را بعزت یکی بودن فواصل گام آن با شور در شور دانسته اند به دستگاه نگاه کنید. و نام یکی از دوازده مقام موسیقی مورد بحث کتب قدیمی، به اصفهانک نگاه کنید. مثال از بهجت الروح عبدالموء من صفی الدین :
بزرگ آمد چو کوچک ساز کرده همایون و نوا اندر دو پرده

نوائی

اهل اصفهان نوازنده معروفی که از شاگردان نایب اسدالله بوده است از بهترین شاگردانش میتوان حسن کسائی را نام برد.

نوبهاری

یکی از الحان موسیقی قدیم بوده است که برهان قاطع لحن بیست و هفتم از سی لحن بارید آورده.

نوش لنینا

نام لحنی بوده است در موسیقی قدیم، نوش لنینان نیز آمده است به مثال راه گل نگاه کنید.

نوشین باده

لحنی است از سی لحن بارید در برهان قاطع لحن بیست و هشتم آمده، نوش باده، نوش باد هم گفته شده و نام نوائی در موسیقی قدیم آمده که پرده ای بوده است از نوای چکاوک.
مثال از نظامی :

چونوشین باده را در پرده بستی خمار باده نوشین شکستی

نوروز

یکی از الحان موسیقی قدیم و آوازیست از جمله شش آواز مورد بحث کتب قدیمی، به سلمک نگاه کنید. نوروز بزرگ، بزرگ و نوروز خاصه (روز ششم از ماه فروردین) نیز گفته شده. مثال از منوچهری:

نوروز بزرگم بزن ای مطرب، امروز
زیرا که بود نوبت نو روز به نو روز

نوروز الصباح

یکی از الحان موسیقی قدیم که نوروز خردک نیز گفته شده.

نوروز بیاتی

یکی از الحان موسیقی قدیم و از جمله بیست و چهار شعبه موسیقی مورد بحث کتب قدیم به نیریز نگاه کنید.

نوروز خارا

کوشایست دردستگاههای همایون و راست پنجگاه و شعبه ای از بیست و چهار شعبه موسیقی مورد بحث کتب قدیمی به نیریز نگاه کنید. مثال از مجمع الادوار:
نوا را کز وی افتد در جهان شور
بود نوروز خارا فرع و ماهور

نوروز خُردک

به نوروز الصباح نگاه کنید.

نوروز صبا

کوشه ایست در دستگاههای راست پنجگاه و همایون و از جمله بیست و چهار شعبه موسیقی مورد بحث کتب قدیم. به نیریز نگاه کنید.

نوروز عجم

کوشه ایست در دستگاه راست پنجگاه که بیات عجم نیز گفته شده است.

نوروز عرب

کوشه ایست در دستگاههای راست پنجگاه و همایون و شعبه ای از بیست و چهار شعبه موسیقی قدیم. به نیریز نگاه کنید. مثال از مجمع الادوار:
رهاوی شد به نوروز عرب رام
به نوروز عجم برد از دل آرام

نوروز کیقبادی

یکی از الحان موسیقی قدیم بوده است . به مثال آزادوار نگاه کنید .

نهادندی

لحنی است از جمله بیست و چهار شعبه موسیقی مورد بحث کتب قدیم . به نیریز نگاه کنید ، نهادند نیز آمده است . مثال از اوقات نواگری ابوالوفای خوارزمی :

استوا پرده نهادندی
و در قصیده ای از انوری :

غزلک های خود همی خواندم در نهادند و راهوی و عراق

نه چهارم

$\frac{9}{4}$ در موسیقی یکی از تقسیمات میزان است به این معنی که واحد کشش (اگر گرد فرض شود) بخش بر چهار شده و نه قسمت از آن در هر میزان بکار رفته ، این کسر معرف میزان ترکیبی سه ضربی است یعنی نه سیاه در هر میزان .

نهفت

گوشه ایست در دستگاه نوا و نام لحنی است قدیمی و از جمله بیست و چهار شعبه موسیقی مورد بحث کتب قدیم . به نیریز نگاه کنید بمعنی پوشیده و پنهان . مثال از بهجت الروح :

همایون شد ز هفتم نغمه حاصل نهفت آنکه ز هشتم نغمه ایدل

نه شانزدهم

$\frac{9}{16}$ در موسیقی یکی از تقسیمات میزان است به این معنی که واحد کشش (اگر گرد فرض شود) بخش بر شانزده شده و نه قسمت از آن در هر میزان بکار رفته این کسر معرف میزان ترکیبی سه ضربی است یعنی نه دولا چنگ در هر میزان .

نه هشتم

$\frac{9}{8}$ در موسیقی یکی از تقسیمات میزان است به این معنی که واحد کشش (اگر گرد فرض شود) بخش بر هشت شده و نه قسمت از آن در هر میزان بکار رفته این کسر معرف میزان ترکیبی سه ضربی است یعنی نه چنگ در هر میزان .

نهیب

گوشه ایست که در دستگاههای ماهور ، راست پنجگاه و نیز آواز افشاری آمده ، نهیب هم آمده که عربی است بمعنی ترس و بیم .

نی

نای نیز آمده، سازيست دمی‌دنی استوانه شکل که قدیمی ترین آلت موسیقی گفته شده و از گیاهی دارای شاخه های بلند و بندبند که در زمینهای باطلاقی میروید به دست می آید معروفترین آن نی هفت بند است به عربی مزار خوانده شده. مثال از بهجت الروح :

آن زمزمه و نوای نی را دم از اوست
در تار طرب نغمه زیر و بم از اوست

نی انبان

نوعی ساز دمی‌دنی است که از دو نی متصل بهم و مخزن (انبان) هوایی از چرم تشکیل شده و نوازنده نفس را از طریق انبان به داخل نی میراند.

نی بر سر بهار

یکی از الحان موسیقی قدیم بوده است، نی بر سر چنار نیز آمده. مثال از منوچهری :

بلبل به زخمه گیرد نی بر سر بهار
چون خواجه خطیر برد دست را به می

نی بر سر شیشم

نام لحنی بوده است در موسیقی قدیم، می بر سر شیشم نیز آمده است. به مثال پردهء سرکش نگاه کنید.

نی بر سر کسری

لحنی بوده است در موسیقی قدیم، به مثال پردهء سرکش نگاه کنید.

نی داود

گوشه ایست در دستگاه همایون.

نی داود

مرتضی نوازنده تار پسر بالاخان یهودی متولد بسال ۱۲۸۰ شمسی که شاگرد آقا حسینقلی بوده است، در مکتب درویش خان نیز بوده و موفق به دریافت مدال طلای تبریزین گشت، از استاد صفحاتی همراه آواز قمرالملوک باقی مانده است.

نیریز

گوشه ایست که در دستگاههای همایون، ماهور، راست پنجگاه آمده است و یکی از بیست و چهار شعبه موسیقی مورد بحث کتب قدیم، که چنین بوده است: دوگاه، نوروز بیاتی، اوج، اصفهانک، سه گاه، نوروز عرب، نیریز، نهاوند، چهارگاه، نوروز صبا، مبرقع، محیر،

پنجگاه، حصار، ماهور، خوزی، عشیران، نهفت، همایون، ركب، نوروز خارا، عزال، زابلی، روی عراق.

نیریز کبیر و نیریز صغیر
گوشه ای در دستگاه نوا.

نیمروز

نام لحنی از سی لحن یاربد که در برهان قاطع لحن بیست و نهم ذکر شده است.
مثال از نظامی:
چو گفתי نیمروز مجلس افروز خرد بیخود بدی تا نیمه روز

نیم پرده دیاتنیک

دونت که هم اسم نباشند و نیم پرده فاصله داشته باشند مانند می بکار تا فا بکار.

نیم پرده کروماتیک

دونت هم اسم که نیم پرده فاصله داشته باشند مانند فا بکار تا فادیز.

و

واخون

بمعنی کشیدن ممتد یکی از انتهای اصلی مایه در زیر یک یا چند جمله موسیقی . در موسیقی غرب پدال میگویند .

وامیق

نام لحنی بوده است در موسیقی قدیم و نیز کنایه از عاشق عذرا که داستانی است معروف .

وتر

سیم ساز (ساز هائی چون عود) را در موسیقی قدیم میگفته اند .

وزن

ریتم ، ضرب ، نظم و تناسب بین کشش نتها را گویند .

وزن خوانی

خواندن نتها بنام خود یا با یک سیلاب واحد از نظر تقسیمات زمانی بدون آهنگ .

وزیری

علینقی ، استاد تار فرزند موسی متولد بسال ۱۲۶۶ شمسی اولین تعلیمات موسیقی را از دای خود حسینعلی خان فراگرفت استاد به موسیقی علمی آشنائی کامل داشت وردیفهای میرزا عبدالله را در هفت دستگاه بخت موسیقی نوشت استاد خدمات بسیار و ارزنده ای به موسیقی ایران نموده . صفحاتی از نوازندگی و آهنگهای وی در دست میباشد همچنین تالیفات زیر : دستور تار ، دستور ویلن ، دستور جدید تار و کتاب موسیقی نظری در سه جزء ، سرود های مدارس ، سرود های آموزشگاهها . ریاست مدرسه موزیک در سال ۱۳۰۷ شمسی به وزیری محول شد .

وزیری

قمرالملوک، که بسال ۱۳۳۸ شمسی فوت نمود آوازخوان معروف، ردیف موسیقی را از مرتضی نی‌داود آموخت، از هنرمند فقید صفحات بسیاری همراه ساز حبیب سماعی و حسین‌خان یاحقی و نی‌داود باقی مانده است.

وزیری

عبدالعلی، آوازخوان پسر عموی علینقی وزیری که از دوازده سالگی در مکتب‌استادوزیری به آموزش آواز و تار پرداخت.

وزیری تبار

حسینعلی (۱۲۸۵ - ۱۳۳۷ شمسی) فرزند مبصر همایون و شاگرد مدرسه موزیک که نوازندهٔ قره‌نی (ایرانی‌وفرنگی) بود و موفق به دریافت مدال درجه اول علمی از طرف وزارت فرهنگ وقت و مدال درجه سه علمی از طرف اداره کل موسیقی کشور گردید، وزیری تبار موفق‌ترین نوازندهٔ قره‌نی بوده است که ردیف‌های ایرانی را بروی این ساز اجرا میکرده است. قطعات و آثاری از نوازندگی وی بجای مانده است.

وسطی

انگشت دوم و پردهٔ دوم بر اسباب‌های معمول موسیقی قدیم (زمان فارابی) که انگشت بر روی پردهٔ همنام خود قرار میگرفته است.

ویلن

از جمله سازهای زهی که در دورهٔ ناصری به ایران آمد و تا اندازه ای جانشین کمانچه شد و شاگردان موسیقی ردیف موسیقی ایران را نزد استادان کمانچه به روی ویلن می‌آموختند، امروز در موسیقی ایران بسیار مرسوم و متداول است که نغمات ایرانی بر روی این ساز شنیده شود.



هدایت

مهدیقلی ملقب به مخبرالسلطنه از رجال سیاسی ایران که موسیقی شناس نیز بوده و بخط
نت آشنائی کامل داشته، کتاب مجمع الادوار که در مبانی موسیقی قدیم است تألیف
وی می باشد. همچنین ردیف موسیقی میرزا عبدالله که به کمک منتظم الحکا از سال ۱۲۹۴
– ۱۳۰۱ نوشتن آن بطول انجامید، این کتاب خطی در سال ۱۳۲۲ به کتابخانه هنرستان
عالی موسیقی اهدا گشت.

هزارک

یکی از الحان موسیقی قدیم.

هشتری

گوشه ایست دارای وزن در دستگاه شور.

هشتگاه

پرده ای بوده است در موسیقی قدیم که در راست پنجگاه میآمده است.

هفتگاه

پرده ای بوده است در موسیقی قدیم که در راست پنجگاه بکار میرفته است.

هفت گنج

یکی از الحان موسیقی قدیم، تیف گنج نیز آمده. مثال از منوچهری:
که نوای هفت گنج و که نوای گنج گاو که نوای دیف رخس و که نوای ارجنه

همایون

یکی از هفت مقام اصلی موسیقی، آواز اصفهان از متعلقات این دستگاه می باشد و نام شعبه ای از بیست و چهار شعبه موسیقی مورد بحث کتب قدیم، به نیریز نگاه کنید.

هماهنگی

آرمونی، علم ترکیب اصوات.

هم صدا

دو نت که اسم و صدایشان یکی باشد همصدا جزء فواصل درست است که میتواند افزوده یا کاسته و بیش افزوده و یا کم کاسته شود که آن مترادف با فواصل دیگر میشود.

هنر

صنعت، پیشه، فن، کارنمایان و برجسته، مراد نخستین از هنر تفسیر رویدادهای زیستی و تلطیف غرائز انسانی و تنفیذ از تبعیضات اجتماعی و تناقضات آن بوده است. هنر نباید بخدمت عوامل و منظورهایی خاص و انحرافی گرفته شود.

هنرآموز

شاگرد هنرستان، کسی که هنری فرا میگیرد.

هنرجو

شاگرد هنرستان عالی که هنری فرا میگیرد.

هنرستان

آموزشگاهی که در آنجا هنرهای ظریفه از قبیل نقاشی، موسیقی، و امثال آن تعلیم داده میشود.

هنر سرا

بمعنی هنرستان، به هنرستان نگاه کنید.

هنرکده

آموزشگاه عالی که در آنجا هنر و صنعت آن تعلیم داده میشود.

هنرمند

با هنر، هنرور، دارای هنر، متخصص در یکی از فنون ظریفه.

هنگام

فاصلهء یک هشتم درست به اکتا و نگاه کنید .

ی

یا حقی

حسین یا حقی، به سال ۱۲۸۲ شمسی متولد شد، کمانچه را نخست نزد خواهرش (به کشور خانم نگاه کنید) سپس نزد استاد کمانچه حسین خان آموخت. یا حقی بیش از شانزده سال نداشت که سازش شنیدنی بود و کلاس کمانچه دایر نمود صفحاتی همراه آواز تاج اصفهانی، قمر، ادیب خوانساری دارد که در آنها ویلن زده و آهنگها و تصنیف‌هایی از یا حقی در دست است.

یا قوت

نگاه کنید به پردهٔ یا قوت.

یحیی

فرزند خاجیک صنعتگر ارمنی ماهر که کارهای استاد فرج الله را الگو قرار میداده و تارهای خوش صدائی میساخته چنانکه هنوز هم تار سازان نمونه های او را سرمشق کار خود قرار میدهند.

یحیی قدیم

سازندهٔ سه تارهای ممتازی بوده است.

یحیائیان

ملقب به معتمد الملک، فرزند مشیرالدوله، نوازندهٔ پیانو که شاگرد سالار معزز بود.

یک گاه

پرده ای بوده است در موسیقی قدیم که در راست پنجگاه آمده است.

یزدان آفرید

ثعالبی نیشابوری این لحن را نام نخستین ترانه‌ای دانسته که پهلبد (باربد) نوازنده بنام دربار خسرو پرویز در جامه سبز از میان درختان سرو خوانده است .
و نام سرودی مذهبی نیز گفته شده است .

یقولونَه

گوشه ایست در ابوعطا دنبالهٔ حجاز که در ردیف نورعلی خان برومند ذکر شده است .

ضمیمه

توضیح :

بعد از صفحه بندی کتاب به از قلم افتادگی لغات زیر پی بردم و باین ترتیب با پوزش ،
به متن کتاب اضافه میگردد .

آفرین

نام نوائی در موسیقی قدیم ، مثال از دیوان شمس :
در باغ مجلسی چو نهاد آفریدگار مرغان چو مطربان سرایند آفرین

جعبه

یکی از آلات موسیقی . (فرهنگ معین)

جعبه زن

نوازنده جعبه . (فرهنگ معین)

جعد

به جعد پر خم نگاه کنید . مثال از خاقانی :
جعد نشان بر جبین ساده و بنشین نغمه کنان زخمه زن ، چه جعد و چه ساده

جعد پُر خم

جعد ساده در اصطلاح موسیقی ساده خواندن و جعد پر خم تحریر دادن آواز بوده است .
(در شرح خاقانی و حاشیه متعلق به کتابخانه ملی پاریس ، از خاقانی ضیاءالدین سجادی
ص . ۹۷۴) و چنانکه در دیوان فوق الذکر بنظر میرسد این دو اصطلاح (جعد و جعد پر خم)
بهمان معنی ساده و جعد هم بوده است .

جَرَه

در دیوان نظامی نام نوعی ساز آمده است . مثال از نظامی :
مغنی بدان جرهء جان نواز بر آهنگ ما نالهء نو بساز

جعد ساده

به جعد پر خم نگاه کنید .

زهره

ناهید ، خدای هنر ، ربه النوع موسیقی ، همردیف ونوس و آفرودیت . مثال از دیوان شمس :
وان زهره نوای خوش بر آورد کو مطربه ایست آسمانی
زهره نام یکی از ایزدان زرتشتی است که یشت پنجم یعنی آبان پنجم به نام اوست و
زیبائی او در اوستا توصیف شده است . و نام دومین سیارهء منظومهء شمسی ، که آن پس از
عطارد و پیش از زمین قرار دارد .

سناده

به جعد پر خم نگاه کنید . مثال از خاقانی :
چه خوش حیات چه ناخوش ، چو آخرست زوال چه جعد زخمه چه ساده ، خارجست نوا

ناهید

زهره ، به زهره نگاه کنید . مثال از شمس تبریزی :
مطرب ناهید بر بط می نواخت هر چه میگفت آنچنان آمد ، بلی

ماخذی که مورد استفاده بوده است

- ۱ - قسمتهائی از لغت نامه دهخدا
- ۲ - فرهنگ معین
- ۳ - برهان قاطع
- ۴ - شاهنامه فردوسی (جلد چهارم)
- ۵ - دیوان منوچهری دامغانی
- ۶ - دیوان نظامی گنجوی (خسرو شیرین - اقبالنامه)
- ۷ - دیوان حافظ
- ۸ - مجمع الادوار (مهدیقلی هدایت)
- ۹ - بهجت الروح (عبدالرحمن بن صفی الدین)
- ۱۰ - مقاصد الحان (عبدالقادر مراغی)
- ۱۱ - بحور الحان (میرزا نصیر فرصت الدوله شیرازی)
- ۱۲ - موسیقی نظری (علینقی وزیری)
- ۱۳ - سرگذشت موسیقی ایران (جلد اول - روح الله خالقی)
- ۱۴ - نظری به موسیقی (جلد اول و دوم - روح الله خالقی)
- ۱۵ - ردیف موسیقی ایران (موسی معروفی و مقدمه آقای دکتر برگشلی بر این کتاب)
- ۱۶ - ردیف علی اکبر خان شهنازی
- ۱۷ - ردیف خطی میرزا عبدالله (به گوش منتظم الحکما و مخبر السلطنه هدایت)
- ۱۸ - تألیفات ابوالحسن صبا (سنتور و ویلن)
- ۱۹ - ردیف آوازی محمود کریمی (باستناد ردیفهای حاج آقا محمدایرانی مجرد و عبدالله خان دوام)
- ۲۰ - ردیف نورعلی خان برومند
- ۲۱ - هنر روزگار اسلامی و تاریخ شهریار در شاهنشاهی ایران (محمد علی امام شوشتری)
- ۲۲ - تنویری موسیقی (مصطفی پورتراب)

انتشارات کانون موسیقی جنگ

منتشر کرده است :

- ۱- تئوری موسیقی مصطفی پورتراب
- ۲- ارکستراسیون (جزوه دوم) شارل کوکلن مرتضی حنانه
- ۳- دستور مقدماتی تار و سه تار (جلد اول)
- ۴- دستور مقدماتی تار و سه تار (جلد دوم)
- ۵- دفتر نت
- ۶- تکنیک گیتار صادق موذن
- ۷- گامهای گیتار باقر موذن
- ۸- ترانه های خلق آذربایجان داود محمد بیگف منیژه علیپور
- ۹- کاوشی در قلمرو موسیقی ایران پرویز منصوری
- ۱۰- کتاب پیانوی
- ۱۱- پوزولی (کتاب سلفژ) جلد اول
- ۱۲- کاغذ پاتیتور
- ۱۳- کاغذ نت معمولی و ارکستر
- ۱۴- فرهنگ موسیقی ایرانی ارفع اطرائی

منتشر میکند :

- ۱- نظری به موسیقی ایران روح الله خالقی
- ۲- کنترپوان مصطفی پورتراب
- ۳- هارمونی پرویز منصوری
- ۴- موسیقی فارس رضا درویشی - عطاء الله جنکوگ
- ۵- کتاب ویلن (در چهار جلد) روح الله خالقی



کانون موسیقی جنگ